

بازاریابی شبکه‌ای

(Network Marketing)

یا کلاهبرداری مرموز

تألیف:

حجة الاسلام و المسلمین ابوالقاسم علیان نژادی دامغانی

علیان نژادی دامغانی، ابوالقاسم، ۱۳۴۳ -

بازاریابی شبکه‌ای = (Network Marketing)، یا، کلاهبرداری مرموز / تألیف
ابوالقاسم علیان نژادی. - قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۴.

ISBN: 964-8139-87-3

۱۷۹ ص. : نمونه

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

۱. بازرگانی الکترونیکی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام. ۲. معاملات (فقه). ۳. فتوای

شیعه -- قرن ۱۴. الف. عنوان. ب. کلاهبرداری مرموز.

۶۵۸ / ۸

HF ۵۵۴۸ / ۳۲ / ع ۸ ب ۲

ناشر برگزیده سال ۱۳۸۴

بازاریابی شبکه‌ای، یا کلاهبرداری مرموز

تألیف: ابوالقاسم علیان نژادی دامغانی

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: چهارم

صفحه و قطع: ۱۷۹ صفحه / رقعی

تاریخ انتشار: ۱۳۸۶

چاپخانه: سلیمانزاده

ناشر: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)

شابک: ۹۶۴-۸۱۳۹-۸۷-۳



قم - ابتدای خیابان شهدا - کوی آمار (۲۲) - پلاک ۱۵

تلفکس: ۷۷۳۲۴۷۸

www.amiralmomeninpub.com

قیمت: ۱۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

پیشگفتار..... ۹

فصل اوّل : پیشینه شرکت‌های اقتصادی مرموز / ۱۳

فصل دوّم : چگونگی فعالیت شرکت‌های مذکور / ۱۹

۱- جذب مشتری بدون ارائه کالا یا خدمات..... ۲۰

۲- جذب مشتری با ارائه کالا یا خدمات..... ۲۳

فصل سوّم : اطلاعاتی مختصر از پنج شرکت خارجی / ۲۷

الف) پنتاگونو (شرکت فیوچر استراتژی)..... ۲۷

روش کار پنتاگونو..... ۲۸

ب) گلدکوئست (کوئست اینترنشنال)..... ۲۹

روش کار گلدکوئست..... ۳۰

ج) هفت الماس من (my 7 diamond)..... ۳۲

روش کار هفت الماس من..... ۳۳

د) گلدمایین..... ۳۴

روش کار گلدمایین..... ۳۴

ه) ای.بی. ال EBL..... ۳۵

روش کار ای. بی. ال ۳۶

فصل چهارم : نمونه‌هایی از شرکت‌های داخلی / ۳۹

ذکر نام ۳۰ شرکت داخلی ۴۰

فصل پنجم : ادلّه حرمت / ۴۳

۱- اکل مال به باطل، یا درآمدهای نامشروع ۴۳

اکل مال بالباطل چیست؟ ۴۴

ارتباط بین اکل مال به باطل و خودکشی! ۴۶

سرنوشت آلودگان به اموال حرام ۴۷

۲- کلاهبرداری ۴۷

۳- قمار جهانی ۴۹

۴- بخت‌آزمایی و لاتاری ۵۱

عوارض منفی اجتماعی و اقتصادی ۵۳

خروج ارز و پیامدهای منفی آن ۵۵

فصل ششم : پرسش‌ها و پاسخ‌ها / ۵۹

فصل هفتم : سوء استفاده‌ها، شگردها و خلاف‌گویی‌ها / ۷۵

الف) سوء استفاده‌ها ۷۵

۱- سوء استفاده از تصویر امام راحل (قدّس سره) ۷۵

۲- جعل مهر و امضای مراجع تقلید! ۷۸

۳- تفسیر غلط از فتاوی‌ای برخی از مراجع تقلید ۸۰

- ۴- نقل گزینشی فتوای امام راحل علیه السلام ۸۲
- ب) شگردها ۸۴
- ج) خلاف‌گویی‌ها ۸۷

فصل هشتم : زمینه‌ها و تبعات فعالیت‌های ناسالم مورد بحث / ۹۳

- الف) بسترها و زمینه‌ها ۹۴
- ۱- معضل بیکاری ۹۴
- ۲- مشکلات اقتصادی ۹۶
- ۳- فقدان برنامه‌ریزی همه‌جانبه ۹۸
- ۴- ناآگاهی و بی‌خبری ۹۹
- ۵- ضعف ایمان و دنیاطلبی ۹۹
- ب) تبعات و پیامدهای منفی ۱۰۰
- ۱- احتمال بروز تنش‌های اجتماعی! ۱۰۱
- ۲- آسیب‌های جبران‌ناپذیر اقتصادی ۱۰۲
- ۳- بازماندن از فعالیت‌های سالم ۱۰۷
- ۴- تضعیف روابط اخلاقی ۱۰۸
- ۵- افول روحیه عدالت‌طلبی و حق‌جویی ۱۰۸
- ۶- هدر رفتن سرمایه عمر ۱۰۹
- سخن آخر: مسئولیت‌ها ۱۱۰

فصل نهم : استفتائات / ۱۱۵

- ذکر ۲۰ نمونه از استفتائات مربوط به تحریم ۱۱۵

فصل دهم: اسناد و مدارک / ۱۵۳

- ۱- نامه بانک مرکزی خطاب به آیه الله العظمی مکارم شیرازی... ۱۵۶
- ۲- نامه بانک مرکزی در پاسخ به سؤالات نویسنده ۱۵۷
- ۳- بخشنامه اداره نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری..... ۱۵۹
- ۴- بخشنامه هیأت دولت به بانک مرکزی..... ۱۶۰
- ۵- بخشنامه اداره نظارت بر بانک‌های بانک مرکزی ۱۶۱
- ۶- بخشنامه دیگر اداره نظارت بر بانک‌های بانک مرکزی ۱۶۲
- ۷- اطلاعیه بانک مرکزی به رسانه‌های عمومی ۱۶۳
- ۸- اطلاعیه دیگر بانک مرکزی به رسانه‌های عمومی ۱۶۴
- ۹- انتقاد حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مد ظله) ۱۶۵
- ۱۰- پاسخ آیات عظام (دامت برکاتهم) به چند استفتاء..... ۱۶۶
- ۱۱- استفتاء جعلی و پاسخ صحیح آن..... ۱۶۷
- ۱۲- استفتائاتی که مورد سوء استفاده قرار گرفت ۱۶۸
- ۱۳- فتوای چند تن دیگر از مراجع عظام تقلید (دامت برکاتهم) .. ۱۶۹
- ۱۴- اطلاعیه برخی از شرکت‌های داخلی..... ۱۷۱
- ۱۵- بازداشت ۲ تن از سرگروه‌های اصلی گلدکوئست ۱۷۴
- ۱۶- دستگیری یک عضو فعال گلدکوئست..... ۱۷۵
- ۱۷- تصویب فوریت اول ممنوعیت فعالیت شرکت‌ها با ساختار هرمی توسط مجلس شورای اسلامی..... ۱۷۶
- ۱۸- تعقیب قضایی تعدادی از متهمان گلدکوئست ۱۷۷
- ۱۹- هزار و پانصد کیلو از محصولات گلدکوئست وارد کشور شد ۱۷۸
- ۲۰- دست اندرکاران گلدکوئست دادگاهی می‌شوند ۱۷۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار

عنوان‌هایی همچون «بدون در دسر صاحب ۳۰/۰۰۰ دلار شوید!»، «بازاریابی جهانی با درآمد عالی!»، «آیا به دست آوردن ۱۱۶/۶۴۰ دلار تحوّل در زندگیتان ایجاد نمی‌کند؟»، «هدیه طلانی» «کارگشا»، «شما هم می‌توانید در یک شب ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان پول حلال به دست آورید!» مخصوصاً هنگامی که چهره واقعی خود را تحت جملات و نام‌های مقدّسی همچون «طرح ملّی باقیات صالحات»، «همای رحمت»، «امیدآوران ابستام»، «طرح پیوند و همکاری»، «شجره انفاق»، «خیراندیشان جوان»، «کارگشای انصار الموحّدین» و مانند آن پنهان نماید، هر انسانی را وسوسه می‌کند.

عده‌ای، که تعداد آنها کم نیست، در مقابل چنین وسوسه‌هایی مقاومت نموده، و با تفکّر و اندیشه پیرامون ماهیت واقعی این نوع مؤسّسات فریبکار، یا با مشورت با کسانی که پیرامون چنین فعالیت‌های مرموزی از تجربه و تخصص کافی برخوردار هستند، یا با

مشاهدهٔ قربانیان این دام‌های به ظاهر زیبا، اعتنایی به این چراغ سبزها ننموده، و با کنار زدن جملات فریبندهٔ فوق، به ماهیت واقعی آن پی برده، و خود را آلوده آن نمی‌کنند. مگر ممکن است فرد با ایمانی بوی تعفن گناه را استشمام کند، و آلودهٔ آن شود؟

اما متأسفانه عده‌ای، که تعداد آنها نیز کم نیست، فریب این جملات زیبا و دروغین را خورده، و بدون اندیشه و تفکر و مشورت پیرامون آن، عنان از کف داده، و با آرزوی به دست آوردن پول‌های بادآوردهٔ هنگفت، در چنین دام‌هایی گرفتار می‌شوند.

در این نوشتار بر آنیم که، با لطف و عنایت پروردگار، این مؤسسات نا سالم اقتصادی، که بطور مرموز به اغفال و فریب و چپاول مردم پرداخته، و هر روز با نام و چهره‌ای متفاوت در گوشه‌ای از کشور مشغول فریب مردم، مخصوصاً جوانان فاقد شغل می‌شوند، را معرفی نموده، و نقاب از چهرهٔ آنها کنار زده، و ماهیت اصلی آنان را برای شما خوانندگان محترم آشکار کنیم. تا با روشن شدن هدف اصلی آنان، کسی فریب آنها را نخورد، و در دام آنها گرفتار نشود.

در اینجا لازم می‌دانم از تمام عزیزانی که به نوعی در تهیهٔ این مجموعه مساعدت و همکاری نموده‌اند، تقدیر و تشکر نموده، و اجر آنان را از خداوند مهربان طلب نمایم. و از خوانندگان محترم تقاضا می‌کنم که ما را از پیشنهادات و انتقادات خویش بی‌نصیب نگذارند.

به امید روزی که بساط این شرکت‌های مرموز، استعماری، منافق و کلاهبردار برچیده شود. و اقتصاد، اعتقاد مردم، سلامت جامعه، و امنیت کشور از شر آنان در امان گردد، که آن روز به خواست خدا دور نیست.

حوزه علمی قم

ابوالقاسم علیان نژادی

۱۳۸۴/۳/۱۶

فصل اوّل :

پیشینه شرکت‌های اقتصادی مرموز

بیش از ده سال قبل^۱، سؤالی از یکی از مسلمانان مقیم اتریش به دست ما رسید که خواستار حکم شرعی فعالیت مؤسسه‌ای در کشورش بود، که با عنوان فریبنده «بدون در دسر صاحب ۳۰/۰۰۰ دلار شوید» فعالیت مرموزی را در آن کشور آغاز کرده بود. سؤال و جواب مذکور در جلد اوّل استفتائات جدید، صفحه ۱۵۰ بطور مفصل آمده، و در فصل دوّم همین کتاب نیز خواهد آمد. ما از آن زمان با این نوع فعالیت‌های فریبنده و ناسالم اقتصادی آشنا شدیم.

در سال ۱۹۹۴ میلادی (یازده سال قبل) شرکتی به نام

۱. آشنایی ما با چنین فعالیت‌هایی به آن تاریخ باز می‌گردد، نه این که عمر این نوع فعالیت‌های مرموز اقتصادی به مقدار مذکور باشد؛ زیرا طبق آنچه در شماره ۲۷۲۳ روزنامه قدس به تاریخ ۷۹/۹/۱۰ آمده، در سال ۱۹۱۰ میلادی در مسکو، و در سال ۱۹۲۰ در فرانسه، پدیده‌های مشابهی به نام «بهمن» در روسیه، و «گلوله برفی» در فرانسه مشهور بوده است. روزنامه شرق، مورخ ۱۳۸۴/۴/۳۱، نوع اوّل را مفصل توضیح داده است.

«فیوچر استراتژی»، که بعدها به «پنتاگونو» معروف شد، در اتاق بازرگانی و صنعتی ایتالیا در مودنا به ثبت رسید، و فعالیت خویش را در آن کشور و سراسر جهان آغاز کرد.

چهار سال بعد، یعنی در سال ۱۹۹۸ میلادی، انگلیسی‌ها که ید طولایی در غارت اموال مردم دارند، با تأسیس شرکت «کوئیست اینترنشنال»، که بعدها به «گلدکوئیست» معروف گشت، مشغول اخذی از مردم شدند.

در سال ۲۰۰۰ میلادی بلژیکی‌ها هم درنگ را جایز ندانسته، و دست به تأسیس شرکت «هفت الماس من» زدند، تا از قافله انسان‌های متمدنی که به فکر جوانان بیکار و کم درآمد بودند! عقب نیفتند، و بتوانند از این کلاه پشمی برای خود فراهم سازند.

شرکت‌های مشابه یکی پس از دیگری، و با تغییر شکل و عرضه محصول جدید، در کشورهای مختلف وارد میدان شدند، که می‌توان به شرکت «گلدمین» در نروژ، «گلدان استار»، «پرایم بانک» و «ای بی ال» که در سال ۲۰۰۳ میلادی به وجود آمد، و «کیم برلی»، «پرایم اسمیت»، «دایاموند ۲۰۰۰» و مانند آن اشاره کرد.

شرکت‌های مذکور که خاستگاه آنها عموماً کشورهای اروپایی بود، فعالیت خویش را عمدتاً در کشورهای خود آغاز کردند، اما دیری نپایید که متولیان امور اقتصادی زنگ خطر را به صدا درآورده، و ماهیت واقعی شرکت‌های مذکور را برای مسئولین کشور خویش بر

ملا کردند. و به دنبال آن، فعالیت آنها در کشورهای متبوعه ممنوع گشت^۱، و جریمه‌های سنگینی برای متخلفان در نظر گرفته شد، که این جریمه برای کسانی که عضو آن شرکت‌ها می‌شدند در بعضی از کشورها بیش از ۲۰/۰۰۰ دلار بود! بدین شکل فعالیت شرکت‌های مرموز فوق‌الذکر در کشورهای خودشان ممنوع و متوقف شد. اما اجازه غارت مردم کشورهای دیگر برای آنها صادر گشت، و آنان فعالیت خویش را عمدتاً در کشورهای جهان سوم آغاز کردند. و این تفسیری گویا از حقوق بشر بود!

فعالیت آنان به تدریج به کشورهای آسیایی گسترش پیدا کرد، به طوری که بعضاً مرکز اصلی کار خویش را به کشورهایمانند «فیلیپین»، «هنگ کنگ»، «مالزی»، «امارات» و مانند آن منتقل نموده، تا راحت‌تر غارت اموال مردم را پی‌گیری نمایند. متأسفانه این ویروس خطرناک از سال ۱۳۷۹ هـ ش به طور مشهود و

۱. یکی از اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی، گفت: «باید قدری نگاه را جدی‌تر کرد، و فرض را بر این گذاشت که این حرکت مشکوک شاید نیرنگ طراحی باشد که بخواهند برای نظام، در این برهه از زمان، ایجاد مشکل کنند؛ چراکه شرکت اصلی چند سال سابقه فعالیت مشکوک دارد، و در بسیاری از کشورها مانع فعالیت آن شده‌اند، اما امروز از طریق مرزهای خارجی وارد کشور می‌شود. (روزنامه قدس، شماره ۳۷۲۴، مورخ ۷۹/۹/۱) یک کارشناس علوم اجتماعی می‌گوید: «فعالیت‌های قمارگونه امثال گلدکوئست همچون موربانه به پایه‌های اقتصاد ملی می‌افتند و از بن، ریشه آن را می‌خورند. به همین دلیل در بسیاری از کشورهای پیشتاز در عرصه اقتصاد نوین، این گونه فعالیت‌ها ممنوع اعلام شده است». (کیهان، مورخ، ۸۳/۷/۲۹)

ملموس وارد کشور عزیزمان ایران شد، و در مدّت کوتاهی در برخی از شهرها که محلّ سکونت عامل انتقال دهنده آن بود گسترش یافت، تا آنجا که در تاکسی‌ها، اتوبوس‌های شهری، رستوران‌ها، پارک‌ها، بازارها، میهمانی‌ها، و هر کجا که اجتماع کوچکی وجود داشت، سخن از فعالیت این شرکت‌ها بود. و در کوی و برزن توسط افراد مختلف پیشنهاد عضویت در چنین شرکت‌هایی ارائه می‌شد. و شاید شما خواننده عزیز نیز در محلّ کار، یا کوچه و خیابان، یا در اجتماعات خانوادگی، توسط آشنایان و بستگان، با چنین پیشنهادهایی مواجه شده باشید.

متأسفانه برخی از سودجویان داخلی، که شاهد غارتگری گسترده شرکت‌های خارجی بودند، و نمی‌توانستند به راحتی از کنار این سود بادآورده حرام بگذرند، و وسوسه‌های شیطان آنها را رها نمی‌کرد، دست به تأسیس شرکت‌های مشابهی در داخل کشور زدند، و گاه با نام‌های مقدّس به غارت اندوخته‌های مردمی پرداختند که بعضاً به امید دست یافتن به سود کلان، ضروریات زندگی خویش را فروخته، و یا آلوده و ام‌های ربوی شدند! تا آنجا که در بعضی از شهرها متجاوز از ۳۰ شرکت بازاریابی شبکه‌ای تأسیس، و مشغول به کار شد! که البته با اقدامات به موقع و مناسب مسئولین محلی، فعالیت بسیاری از آنها متوقّف شد. و تعداد محدودی از آنان بطور رسمی توقّف فعالیت‌های خویش را اعلان نموده، و از مشتریان خود خواستند که برای بازپس

گرفتن پول خود به دفاتر آنها مراجعه کنند.^۱

اما فعالیت این شرکت‌ها بطور کامل تعطیل نشد، همان‌گونه که شرکت‌های خارجی نیز بسان گذشته، و در شهرهای مختلف، و با نام‌های متفاوت به کار خویش ادامه دادند.

برخوردهای قضایی جسته و گریخته‌ای در برخی از شهرها، با بعضی از شرکت‌های داخلی و خارجی صورت گرفت، که آن هم غالباً علاج واقعه بعد از وقوع، و در پی شکایت مالباختگان فراوان و قربانیان زیاد این شرکت‌ها بود، تا این که بالاخره مسئولین امر به فکر برخورد قانونی و همه جانبه با این ویروس خطرناک، که بیشتر شهرها را آلوده کرده بود، افتادند؛ و مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۸۴/۳/۴ یک فوریت طرح مبارزه با شرکت‌های فوق الذکر را تصویب کرد. امیدواریم قانون جامعی برای جلوگیری از این فعالیت ناسالم اقتصادی و قمارگونه تصویب شود، هر چند دستگاه‌های قضایی با همین قوانین موجود نیز جلوی بسیاری از آنها را گرفته‌اند، ولی این مقدار برای ریشه کن کردن این خطر بزرگ کافی به نظر نمی‌رسد.

به امید آن که در آینده نزدیک شاهد برچیده شدن کامل این نوع فعالیت‌های اقتصادی مرموز، ناسالم و نامشروع، در سراسر کشور، بلکه در تمام جهان باشیم. به امید آن روز که ان شاء الله دیر نیست.

۱. اطلاعاتی برخی از این شرکت‌ها در بخش اسناد آمده است.

فصل دوم :

چگونگی فعالیت شرکت‌های مذکور

تمام این شرکت‌ها، اعمّ از خارجی و داخلی، چه آنها که کالا یا خدماتی عرضه می‌کنند، یا بدون آن فعالیت می‌نمایند، آنان که در پشت نام‌های مقدّس مخفی شده‌اند، یا با شعارهای فریبنده برای مردم دام می‌گسترند، و غیر آنها؛ آری، ماهیت فعالیت تمام این شرکت‌ها یک چیز است، و آن گرفتن پول‌های کلان، از گروه زیادی از مردم، و به جیب زدن قسمت عمده آن، و تقسیم کردن بخش کمی^۱ از آن در بین سرشاخه‌هایی که موفّق به جذب تعداد معینی مشتری شده‌اند، و مواجه

۱. گروه گزارش روزنامه کیهان، در مقاله‌ای با عنوان «پرونده گلدکوئست روی میز دادستان» که در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۲۳، منتشر کرده، می‌نویسد: «وعده‌هایی که برای پولدار شدن به تو داده‌اند، برگرفته از تکنیک‌هایی است که بر اساس اصول انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، و روانشناسی زیر نظر «شرکت گلدکوئست» طرّاحی شده، تا تو هم به عنوان یک خریدار در گام اول، و بعد به عنوان یک ویزیتور شرکت با عایدی حدود ۲ درصد از درآمد کل، فعال شوی، و روزهای جوانی‌ات را به هنگ‌کنگی‌ها بفروشی!»

ساختن تعداد فراوانی از مردم در رده‌های پایین با ضرر و زیان و خسارت، که خوشبختانه پرونده‌های زیادی از این دسته از افراد هم اکنون در مراکز قضایی در جریان است.^۱

آنچه در بالا آمد ماهیت اصلی فعالیت شرکت‌های مورد بحث است؛ ولی برای آشنایی بیشتر با جزئیات فعالیت آنها، به دو شکل آن اشاره می‌شود:

۱- جذب مشتری بدون ارائه کالا یا خدمات

شرکت‌های اولیه اروپایی، نظیر شرکت اتریشی و بسیاری از شرکت‌های داخلی، به شکل فوق فعالیت می‌کنند، که به عنوان نمونه چگونگی فعالیت شرکت اتریشی را بیان نموده، سپس توجه شما را به کیفیت کار یک شرکت داخلی جلب می‌کنیم:

طرز کار شرکت اتریشی را عیناً از کتاب استفتانات جدید، جلد اول، صفحه ۱۵۰ نقل می‌کنیم. توجه فرمایید:

«مؤسسه‌ای در کشور اتریش با عنوان «بدون در دسر صاحب

۱. دادستان کل کشور در گفتگو با خبرنگار یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار گفت: «پرونده گلدکوئست با جدیت پیگیری می‌شود، و خسارت مالباختگان باید پرداخت شود. وی گفت: در شناسایی و دستگیری عوامل اصلی این شرکت، اقدامات گسترده‌ای انجام پذیرفته، و در مقابل فعالیت غیر قانونی این شرکت کوتاه نخواهیم آمد. وی اضافه کرد: پرونده شرکت گلدکوئست یکی از پرونده‌های استثنایی است، که ۱۷۰ هزار شاکی دارد!» (روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۸۳/۱۲/۱۷).

۳۰/۰۰۰ دلار شوید» فرم‌هایی را به ترتیب زیر در اختیار متقاضیان قرار می‌دهد:

۱- متقاضی، مثلاً خانم رؤیا، فرم را از شخص نامبرده در ردیف پنجم به مبلغ ۳۰ دلار می‌خرد.

۲- سپس ۳۰ دلار چک تضمینی به نام شخص ردیف اول، و ۳۰ دلار چک تضمینی به نام مؤسسه، به همراه فرم خریداری شده که در آن نام و مشخصات خود را درج کرده، برای آن مؤسسه می‌فرستد. (یعنی رؤیا در مجموع ۹۰ دلار می‌پردازد، بی‌آن که کالایی در برابر آن دریافت کرده باشد).

۳- پس از مدتی چهار فرم، که در آن نام ردیف اول حذف گردیده، و نام‌های ردیف‌های بعدی هر کدام به یک ردیف بالاتر ارتقاء یافته، به دست رؤیا می‌رسد؛ و به این ترتیب نام رؤیا در ردیف پنجم قرار می‌گیرد.

۴- رؤیا چهار فرم دریافتی را به چهار مشتری جدید، هر کدام به مبلغ ۳۰ دلار می‌فروشد. و به این ترتیب، علاوه بر ۹۰ دلار پرداختی، ۳۰ دلار اضافه نیز دریافت می‌کند.

۵- افرادی که فرم‌های رؤیا را خریده‌اند هر کدام به ترتیبی که در بند دوم گفته شد عمل نموده، و هر یک چهار فرم جدید دریافت می‌نمایند. کم‌کم نام رؤیا از ردیف پنجم به ردیف‌های بالاتر ارتقاء می‌یابد، تا به ردیف اول می‌رسد. در اینجا هر متقاضی جدید موظف است ۳۰ دلار

به حساب رؤیا واریز کند، که جمعاً حدود ۳۰/۰۰۰ دلار خواهد شد. بعد از پیمودن این پنج مرحله، و گرفتن جایزه نهایی (حدود سی هزار دلار) از لیست خارج می‌شود.^۱

البته همه این شرکت‌ها به صورتی که در بالا گفته شد عمل نمی‌کنند، هر چند فعالیت‌های آنها کم و بیش مشابه یکدیگر است. و اما روش کار یکی از شرکت‌های داخلی، که اندکی با شرکت اتریشی تفاوت دارد، به نقل از استفتائات جدید، جلد سوم، صفحه ۱۶۰ به شرح زیر است:

«شرکت کارگستر ابرکوه، با عنوان «طرح پیوند و همکاری» اقدام به عضوگیری می‌کند. هر عضو که فرم این شرکت را از یکی از اعضای آن گرفته، موظف است مثلاً مبلغ ۱/۳۰۰ تومان به حساب شرکت، و چهار نفر از اشخاصی که در لیست هفت نفره ارسالی شرکت قرار دارند واریز نماید. (هر نفر ۲۰۰ تومان، و ۵۰۰ تومان به حساب شرکت) پس از واریز مبلغ فوق و ارسال فرم به آدرس شرکت، ایشان جزء گردونه هفت نفره قرار می‌گیرد (و نفر هفتم از گردونه خارج می‌شود)، و به همین ترتیب گردونه با گرفتن اعضای جدید می‌چرخد تا این که ایشان، که نفر اول بوده، نفر هفتم شود و از گردونه خارج گردد. شرکت

۱. همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد، و در مباحث آینده نیز به مناسبتی خواهد آمد، سؤال از فعالیت شرکت مذکور بیش از ده سال قبل به دست ما رسید، و حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی مدّ ظله در پاسخ آن چنین فرمودند: «شرکت در این کار حرام، و پول عاید از آن مباح نیست، و در واقع نوعی کلاهبرداری مرموز برای تصاحب اموال دیگران است».

مدعی است که در این مرحله ۸۲۳۵۴۳ نفر هر کدام مبلغ ۲۰۰ تومان به حساب آن شخص واریز کرده‌اند، که جمع آن ۱/۶۸۱/۴۰۰/۰۰۰ تومان می‌شود. تمام این مبلغ از سوی اعضای جدید به حساب ایشان واریز شده است.^۱

فعالیت این نوع شرکت‌ها که نمونه‌های داخلی آن فراوان است، در حقیقت در حکم بلیط‌های بخت آزمایی زمان طاغوت است، که فقها فتوی به حرمت آن داده‌اند. شرح این مطلب در مباحث آینده خواهد آمد.

۲- جذب مشتری با ارائه کالا یا خدمات

بیشتر شرکت‌های مرموز اقتصادی خارجی به این نوع فعالیت روی آورده، و بالعکس شرکت‌های مشابه داخلی کمتر بدین شکل فعالیت می‌کنند. به هر حال، استعمارگران نو در این نوع از فعالیت‌ها جنسی را به چند برابر قیمت واقعی به شما عرضه می‌کنند، مثلاً جنسی را، که ارزش واقعی آن بین یکصد و پنجاه تا دویست هزار تومان است، به پانصد هزار تومان یا کمتر می‌فروشند،^۲ شما در خرید اقساطی

۱. فتوای حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مد ظله) در مورد فعالیت شرکت مذکور که در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۴ مرقوم فرمودند، چنین است: «این کار نوعی کلاهبرداری و شبیه قمار است، و حرام می‌باشد».

۲. طبق آنچه در نامه بانک مرکزی (که عیناً در بخش اسناد منعکس شده) آمده، هر

موظف هستید دو مشتری برای آنها بیابید، که به اصطلاح در بال راست و چپ شما قرار می‌گیرند. آنها نیز به همین ترتیب مبلغ بالا را به حساب شرکت مورد نظر واریز می‌کنند. در این نوع از فعالیت عضوگیری بصورت هرمی و شاخه‌ای پیش می‌رود:

۱→۲→۴→۸→۱۶→۳۲→۶۴→۱۲۸→۲۵۶→۵۱۲→۱۰۲۴→۲۰۴۸→۴۰۹۶→...

یعنی اگر پس از مشتری اول، ده بار معاملات فوق و جذب مشتری‌ها، طبق قوانین آنها پیش رود، در ردیف یازدهم ۱۰۲۴ کالای پانصد هزار تومانی توسط کسانی که شما (با واسطه، یا بلاواسطه) معرفی کرده‌اید فروش می‌رود، که قیمت مجموع آن حدوداً ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان می‌شود. شرکت مذکور مبلغ کمی (حدود $\frac{1}{10}$ آن را) به سرشاخه‌ها می‌پردازد، و بقیه را خودش بر می‌دارد.

البته روشن است که شاخه‌های آخر، که موفق به جذب مشتری نمی‌شوند، یا آنها که موفق به جذب مشتری به مقدار لازم نمی‌گردند، مالباختگان واقعی هستند؛ زیرا نه پورسانتی دریافت می‌کنند، و گاه حتی کالایی برای آنها فرستاده نمی‌شود،^۱ و بر فرض که فرستاده شود،

→ داوطلب برای خرید یک سکه (در پاره‌ای از موارد) ۸۶۰ دلار می‌پردازد (۸۰۰ دلار قیمت سکه، و ۶۰ دلار هزینه حمل) در حالی که قیمت واقعی آن ۲۳۰ دلار می‌باشد!

۱. خبرنگار یکی از روزنامه‌های تهران، در گزارشی تحت عنوان «تجمع خریداران در میرداماد» با تعدادی از مالباختگان مصاحبه کرده، که به یکی دو مورد آن اشاره می‌شود: یک مرد میانسال لب به شکوه باز می‌کند: «۵۱۳ هزار تومان به حسابشان ریخته‌ام، حدود دو ماه

همان‌گونه که گذشت، کالای ارسالی تنها معادل $\frac{۱}{۳}$ وجه واریزی آنها ارزش خواهد داشت. نمونه‌هایی از فعالیت این‌گونه شرکت‌ها در فصل بعد خواهد آمد.

→ است که منتظرم سگه‌ام بیاید، می‌گویند صبر کنید!« شخص دیگری برای چهار نفر از افراد خانواده‌اش ثبت نام کرده، سگه خودش آمده، روی همین حساب دوباره پول به حساب ریخته، اما این بار خبری نشد!« (روزنامه همشهری، مورخ ۱۳۸۳/۷/۲۷)

فصل سوم :

اطلاعاتی مختصر از پنج شرکت خارجی

در این بخش، به ویژگی‌ها و روش کار برخی از شرکت‌های معروف خارجی اشاره‌ای اجمالی و فهرست‌وار می‌شود، تا عزیزان خواننده گرفتار دام آنها نشوند.

الف) پنتاگونو (شرکت فیوچراستراتژی)

۱- زمان تأسیس: سال ۱۹۹۴ میلادی.

۲- محل تولد: مودنای ایتالیا

۳- سرویس خدمات: کارت اعتباری Superema برای اعضا

فرستاده می‌شود، که طبق ادعای شرکت فرد را قادر می‌سازد تا سالانه معادل ۱۲۰۰ دلار از تخفیف ۵ تا ۶۰ درصدی مؤسسه‌های وابسته و طرف قرارداد شرکت استفاده کند.^۱

۱. طبق گزارش بعضی از سازمان‌های اطلاعاتی کشور، این ادعای شرکت است، و

۴- ناقلین این ویروس به ایران: اولین وارد کننده و فروشندگان این کارتها در داخل کشور دو خانواده در مشهد بودند، که در سال ۱۳۷۹ از طریق یکی از بستگان خود در کشور امارات متّحدهٔ عربی این کارت را دریافت کرده بودند.

۵- ارز خارج شده توسط این شرکت در سال ۱۳۷۹: ۱۹/۶۸۰/۰۰۰ دلار.

روش کار پنتاگونو

فردی که فرم اطلاعات این شرکت را به شما می‌دهد خود از اعضای پنتاگونو می‌باشد. در فرم مذکور اسامی هفت نفر چاپ شده است. شخصی که در ردهٔ هفتم قرار دارد همان کسی است که فرم را به شما ارائه کرده، و نامی که در بالاترین رده قرار دارد، آدرس و مشخصات بانکی‌اش به صورت بزرگ چاپ شده است. و شما باید مراحل زیر را انجام دهید:

الف) به فردی که فرم را در اختیار شما می‌گذارد و در ردهٔ هفتم قرار دارد، به عنوان کارمزد فروش مستقیم ۴۰ دلارپردازید.

ب) حوالهٔ بانکی به مبلغ ۴۰ دلار برای شخصی که در بالاترین رده

→ تاکنون در ایران کسی نتوانسته از این تخفیف استفاده کند. علاوه بر این که خود این کارتها شگرد دیگری برای خروج ارز از کشور است، که شرح آن در نشریهٔ آفتاب یزد، مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۲، بیان شده است.

(رتبهٔ اوّل) قرار دارد، بفرستید.

ج) مبلغ ۴۰ دلار آمریکا برای شرکت پنتاگو حواله نمایید. پس از ارسال حواله، به همراه گواهی‌های مورد نظر، گواهی جدیدی صادر و برای شما ارسال می‌گردد. در این گواهی‌ها شما در رتبهٔ هفتم قرار می‌گیرید، و دیگر اسامی به یک رده بالاتر رفته‌اند (مثلاً شخصی که شما از او گواهی خرید کرده‌اید در رتبهٔ ششم قرار گرفته است) و کسی که در بالاترین رده بوده، با دریافت ۸۷/۴۸۰ دلار نامش از آن رده حذف می‌گردد. شما با فروش سه کارت (گواهی) که از طریق پست از ایتالیا برایتان ارسال شده، هر کدام به مبلغ ۴۰ دلار، هزینهٔ ابتدایی خود را جبران می‌کنید.

* * *

ب) گلدکوئست (کوئست اینترنشنال)

۱- زمان تأسیس: سال ۱۹۹۸ میلادی.

۲- محلّ تولّد: انگلستان.

۳- مقرّ فعالیت: مقرّ آن در هنگ کنگ است، و در دبی نمایندگی

رسمی دارد.

۴- اجناس عرضه شده: سکه طلای کلکسیون، گردنبند و ساعت

طلا و... با عیار ۲۴.

۵- کیفیت فروش: نقد و اقساط؛ البته در فروش اقساطی، که هدف

- اصلی شرکت است، جنس به چند برابر قیمت واقعی عرضه می‌شود!
- ۶- مدخل: لار شیراز در سال ۱۳۷۹ ه.ش.
- ۷- برای جلوگیری از ورشکستگی در هفته بیش از ۵۰۰۰ دلار پورسانت نمی‌دهد!
- ۸- محصولات شرکت به صورت دستی ضرب می‌شود.
- ۹- محصولات شرکت توسط شرکت‌های معتبر بی‌اچ مایرز مانت (B.H.Mayer's Mint) آلمان، و ضرب‌خانه سلطنتی استرالیا، و مانند آن تولید می‌گردد.
- ۱۰- زودتر و دیرتر عضو شدن معیار نیست؛ بلکه مقدار و نوع فعالیت شما را به پورسانت بیشتری می‌رساند.^۱

روش کار گلدکوئست

داوطلب، که توسط یکی از اعضای شرکت معرفی می‌شود، در خرید اقساطی مبلغ ۵۵۰/۰۰۰ تومان جهت خرید یک سکه طلای کلکسیونری (که ارزش واقعی آن حدود ۲۰۰/۰۰۰ تومان است) به حساب شرکت واریز می‌کند، سپس به فعالیت و جذب مشتری می‌پردازد. چنانچه موفق شود یک نفر در بال راست، و یک نفر در بال چپ خود جذب کند، و آن دو نیز به همین ترتیب موفق به جذب دو

۱. اطلاعات بیشتر در مورد شرکت مذکور را در روزنامه شرق، مورخ ۱۳۸۴/۴/۳۱، مطالعه فرمایید.

نفر دیگر شوند، یعنی مجموعاً شش نفر از طریق او (دو نفر بدون واسطه، و چهار نفر با واسطه) جذب شوند، و هر کدام ۵۵۰/۰۰۰ تومان به حساب شرکت واریز کنند، شرکت ۲۵۰ دلار (تقریباً معادل ۲۲۵/۰۰۰ تومان) به عنوان پورسانت به وی می‌دهد. (البته در مورد برخی کالاها پورسانت زمانی پرداخت می‌شود که ده نفر مشتری جذب گردد، که در ازای جذب هر ۱۰ مشتری ۴۰۰ دلار پورسانت پرداخت می‌شود).

یعنی اگر با فعالیت داوطلب، ۶ نفر جذب، و ۳/۳۰۰/۰۰۰ تومان به حساب شرکت واریز شود، شرکت در حدود ۲/۰۰۰/۰۰۰ تومان سود می‌کند. و تنها $\frac{۱}{۱۰}$ سود خود را به عنوان پورسانت به متقاضی داده، و $\frac{۹}{۱۰}$ آن را به جیب می‌زند!

علاوه بر این، چنانچه مشتری‌ها به صورت متعادل جذب نشوند، یعنی اگر فرضاً در بال چپ پنج مشتری، و در بال راست فقط یک یا دو مشتری جذب شود، هیچ پورسانتی تعلق نمی‌گیرد.

اضافه بر این که پورسانت مذکور کار خارق العاده‌ای نیست، زیرا اگر آنها از طریق تبلیغات کالاهای خود را به مردم معرفی می‌کردند، چندین برابر پورسانت‌های اعطایی باید هزینه می‌نمودند؛ بنابراین فعالیت شرکت مذکور و شرکت‌های مشابه چیزی جز یک کلاهبرداری آشکار، و قماری مرموز نیست؛ چرا که اموال عدّه زیادی از مردم گرفته می‌شود، و تنها حدود $\frac{۱}{۱۰}$ آن در بین سرشاخه‌ها

تقسیم، و باقیمانده ($\frac{9}{10}$ آن) به شکل ارز توسط این شرکت از کشور خارج می‌گردد. آیا می‌توان برای این کار جز غارت اموال مردم، و چپاول ثروت عمومی کشور، نامی دیگری انتخاب کرد؟

* * *

ج) هفت الماس من (my 7 diamond)

۱- زمان تأسیس: سال ۲۰۰۰ میلادی

۲- محل تأسیس: اتریش

۳- محصول عرضه شده: قطعه الماسی در حد نگین انگشتری

۴- مدعی هستند که:

(الف) تمام علماء آن را تأیید و درآمدش را حلال دانسته‌اند!

(ب) در صد و بیست کشور جهان فعالیت دارند!

(ج) پولی که بابت جنس می‌گیرند قیمت واقعی آن است!

(د) مالباخته‌ای در این سیستم وجود ندارد!

(ه) اگر در کشور فعال شوند مشکل اشتغال حل می‌گردد!

(و) قوه قضائیه فعالیت آنان را تأیید کرده است!

(ز) در ایران نماینده رسمی دارند!

(ح) مهم مقدار و نوع فعالیت است، نه زودتر عضو شدن!

(باید دانست که هیچ یک از این ادعاها واقعیت ندارد، و شرح آن

بزودی خواهد آمد).

روش کار هفت الماس من

متقاضی با پرداخت ۲۰۰ دلار، که پیش قسط قطعه الماسی است که هفتصد تا نهصد دلار قیمت گذاری شده، عضو شرکت فوق می شود. و چنانچه سه نفر در سمت چپ، و سه نفر در سمت راست، مشتری جذب کند، یعنی مجموعاً شش نفر از طریق او جذب شرکت شوند، ۱۰۰ دلار پورسانت می گیرد، که ۵۰ دلار آن را به شرکت عنوان قسط الماس بر می دارد، و ۵۰ دلار دیگر را به حساب او واریز می کند. به تعبیر دیگر چنانچه متقاضی شش مشتری برای شرکت جذب کند، و هر کدام ۲۰۰ دلار به حساب شرکت بریزد، که جمعاً ۱۲۰۰ دلار می شود، شرکت دست و دلبازی نموده و $\frac{1}{13}$ مبلغ فوق را به عنوان پورسانت به مشتری اولیّه می دهد.

شرکت می گوید: «اگر اضافه کردن دو نفر اول و دوفره های بعدی به زیرشاخه ها هر کدام یک ماه طول بکشد، تا پایان سال ۱۱۳/۰۰۰ دلار به حساب شما واریز می شود». و البته دوازده برابر آن، یعنی ۱/۳۵۶/۰۰۰ دلار به حساب شرکت!

و به زودی خواهیم دانست که این پول های بادآورده نه از طریق تولید به دست آمده است، و نه دامداری و تجارت، و نه زراعت، بلکه از طریق برداشتن کلاه گروه کثیری از مشتریان است.

* * *

(د) گلدماين

۱- زمان تأسیس: سال ۲۰۰۰ میلادی

۲- محل تولد: نروژ

۳- محصولات: کالاهای مختلف کلکسیون، نظیر ساعت و گردنبند

طلای ۲۴ عیار

۴- انصراف: اگر عضوی از ادامه بازاریابی منصرف شود، می‌تواند

بقیه قیمت کالا را بدهد، تا کالا برایش ارسال شود.

۵- حداکثر پورسانت: شرکت به هر عضوی روزانه بیش از ۴۵۰ دلار

پورسانت پرداخت نمی‌کند!

و این خود یکی از شگردهایی است که برای منافع هنگفت شرکت

به کار گرفته می‌شود.

روش کار گلدمایین

برای ورود به این تجارت توسط یکی از مشتریان شرکت معرفی شده، و مبلغ ۶۰ دلار بابت پیش قسط سکه می‌پردازید. سپس یک نام تجاری به شما می‌دهند، و شما به بازاریابی می‌پردازید. چنانچه یک نفر در بال راست و یک نفر در بال چپ خود جذب کنید، ۴ دلار به شما پاداش می‌دهند. و از آن به بعد، به شرط تعادل سه به سه (یعنی در ازای جذب هر شش مشتری که مع الواسطه توسط شما جذب می‌شوند) ۳۰ دلار به شما پورسانت داده می‌شود. و هرگاه تعادل مشتریان شما به مضربی از ۵ برسد ۳۰ دلار به عنوان قسط کالا برداشته می‌شود، و این

کار ادامه خواهد داشت تا اقساط جنس خریداری شما مستهلک گردد. در این صورت کالای شما ارسال، و پس از آن پورسانت‌ها به صورت کامل به حساب شما واریز می‌شود.

یک نکته: در مرحله اول اگر شما هشت مشتری جذب کنید ۳۴ دلار به شما پرداخت می‌شود، در حالی که ۴۸۰ دلار نصیب شرکت شده است؛ یعنی حدود چهارده برابر سود مشتری. تصوّر می‌شد که این شرکت، که از همان ابتدا شروع به پرداخت پورسانت می‌کند، از دیگر شرکت‌ها با انصاف‌تر است، امّا با یک حساب ساده معلوم شد کلاهبرداری آن شدیدتر است!

* * *

هـ) ای.بی. ال. EBL

زمان تأسیس: سال ۲۰۰۳ میلادی

محصول شرکت: کارت pmt که حاوی ترجمه X کلمه به ۱۲ زبان دنیاست.

دفتر مرکزی: مالزی

شعبه فعال دیگر: شهر اینترنتی «دبی اینترنت سیتی» واقع در کشور دبی.

محلّ فعالیت: در حال حاضر در کشورهای هم‌چون مالزی، سنگاپور، اندونزی، چین، امارات متّحده عربی، ایران، ژاپن، تایوان و

آمریکا فعالیت دارد.

تذکر: در هیچ یک از کشورهای اروپایی کاربر و مشتری ندارد!

۱- در ایران دفتر نمایندگی دارد.

۲- از سوی دولت اجازه فعالیت گرفته است.

۳- با برخی از بانک‌های دولتی قرارداد بسته است.

۴- برخی از مسئولین از آنها حمایت کرده‌اند.

۵- برخلاف دیگر شرکت‌ها شش نوع سود به مشتریان می‌دهد!

۶- فعالان این سیستم زود به سود می‌رسند.

۷- محصولات متنوعی عرضه می‌کند.

(ولی چنان که خواهد آمد تمام این‌ها پوششی است برای سوء

استفاده‌های کلان این مؤسسه ناسالم)

روش کار ای. بی. ال

تقسیم پورسانت‌های این شرکت گرچه ظاهراً با طرز تقسیم

پورسانت در شرکت‌های مشابه تفاوتی دارد، ولی اصول کلی حاکم بر

آن هیچ تفاوتی با آنها ندارد. بدین جهت از شرح و تفصیل آن صرف

نظر می‌کنیم.

* * *

آنچه در این فصل از نظر شما خوانندگان محترم گذشت اطلاعاتی

اجمالی نسبت به پنج شرکت معروف خارجی بود، که نسبتاً فعالیت

گسترده‌ای در ایران اسلامی دارند، ولی شرکت‌های اقتصادی ناسالم و کلاهبردار خارجی، منحصر به آنچه گذشت نیست، که به خاطر رعایت اختصار، و محدودیت فعالیت آنها در ایران، از بیان نحوه فعالیت آنان خودداری شد.

علاوه بر این که، کارشناسان معتقدند تمام این شرکت‌ها «سر و ته یک کرباسند!» و فقط ظاهر آنها با هم متفاوت است؛ بدین جهت شرح حال تک تک آنها لازم نیست. به دو نظریه در موضوع فوق توجه کنید:

۱- اثرات سوء این گونه شرکت‌ها، که شاید آنها پیش از این تحت عنوان «پنتاگونو» نیز فعالیت می‌کردند، بر بدنه اقتصاد کشور بسیار روشن است. خروج بی رویه ارز، و عدم پرداخت مالیات، از جمله اثرات منفی فعالیت این نوع شرکت‌ها است». (روزنامه همشهری، مورخ ۸۳/۷/۲۷)

۲- روزنامه شرق، مورخ ۸۴/۴/۳۱ ضمن مقاله‌ای تحت عنوان «گلدکوئست یک بازار نامطمئن» آورده است:

«بسیاری از این سیستم‌ها با بهره‌گیری از تجربه شکست خورده پنتاگونو برای هر بازاریابی مدّت زمان مفیدی را در نظر گرفتند. به این ترتیب، طیّ سال‌های اخیر انواع و اقسام بازاریابی‌های شبکه‌ای، با عناوینی چون «پرایم بانک»، «سولاتیر کمبرلی»، «مای سون دایاموند» و... شکل گرفتند، که هر کدام پس از مدّتی با پایان یافتن زمان مقتضی، از سوی گردانندگانش تعطیل می‌شد، و به شکلی دیگر در می‌آمد. این

پوست اندازی در واقع به نفع گردانندگان اصلی این شبکه‌ها تمام می‌شد.»

فصل چهارم:

نمونه‌هایی از شرکت‌های داخلی

در این فصل به برخی از شرکت‌های داخلی اشاره می‌کنیم که غالباً متأثر از شرکت پنتاگونو بوده، و پس از رواج فعالیت آن شرکت در ایران، و به بهانه جلودگیری از خروج ارز توسط آن شرکت و شرکت‌های مشابه تأسیس شده، و همچون رقبای خارجی خود، آلوده فعالیت‌های ناسالم اقتصادی گشته، و به غارت اموال مردم پرداخته، و اختلالاتی در نظام اقتصادی کشور ایجاد نموده، و عوارض منفی و نامطلوب دیگری نیز از خود بر جای گذاشته‌اند^۱، برای رعایت اختصار

۱. یکی از روزنامه‌های پرتیراژ در مقاله‌ای تحت عنوان «هشدار به مردم و مسئولان» ضمن تشریح فعالیت یکی از شرکت‌های مورد بحث داخلی نوشت: «اگر ۷ مرتبه ارتقاء پیدا کنید ۵/۴۶۶/۰۰۰ تومان به حساب شما واریز می‌شود. ولی شرکت نمی‌گوید چقدر اختلاس صورت گرفته، تا این پول به شما داده شده است. برای رسیدن به این پول باید ۳۲۸۰ برگه فروخته شود، و مبلغ ۹۸/۴۰۰/۰۰۰ تومان کلاهبرداری شود، تا ۵ میلیون تومان به شما

به ذکر اسامی سی شرکت داخلی قناعت می‌کنیم.

- ۱- مهرین کارت
- ۲- توس کارت
- ۳- پارس کارت
- ۴- کیمیا کارت
- ۵- رز کارت
- ۶- طلوع ایده
- ۷- سیاتل
- ۸- کارت طلّیعه
- ۹- خَلاقیّت
- ۱۰- صعود اندوخته
- ۱۱- گل‌دین کارت

→ داده شود! آیا می‌دانید برای این که ۲۰۰ نفر به مبلغ تقریبی ۵/۵ میلیون تومان برسند، باید ۲۱۵/۲۳۳/۲۰۰/۰۰۰ تومان جایجا شود؟! باور کنید برای این که ۲۰۰۰ نفر جایزه بگیرند باید ۷/۱۷۴/۴۴۱ کارت خریداری نمایند. شانس شما چند درصد است، تا کمی پولدار شوید؟ ۳ صدم درصد! و شانس کلاهبرداران اصلی تقریباً صد درصد! بدیهی است این روند در جایی متوقف می‌شود. کجا؟ جایی که چند میلیون کارت خریداری شده، و سه برابر آن را بخواهند بفروشند، و جمعیت ایران پاسخگوی آن نباشد. اینجاست که عملاً جایجایی در اوراق غیر ممکن شده، و نه از جایزه نهایی خبری است، و نه از خریدار. به ناچار دارندگان کارت‌ها به فروشندگان ما قبل خود مراجعه خواهند کرد. ضمن این که متعهد شده‌اند حق هیچ‌گونه اعتراضی نداشته باشند. کافی است چند نفرشان درستی کنند، و چه بسا فاجعه انسانی هم به وقوع پیوندد. (کیهان، مورخ ۷۹/۱۱/۲۴)

- ۱۲- نیک کارت
- ۱۳- پارادیس
- ۱۴- کیش کارت
- ۱۵- استار
- ۱۶- کارت طلائی
- ۱۷- اشتراک هزاره
- ۱۸- آتیه کارت
- ۱۹- به کارت
- ۲۰- کتاب اوّل
- ۲۱- صدف کارت
- ۲۲- سنمار
- ۲۳- یونیورسال
- ۲۴- یگانه
- ۲۵- سریع کارت
- ۲۶- شهر سازندگی
- ۲۷- همیاری^۱
- ۲۸- طرح پیوند و همکاری
- ۲۹- کارگشای انصارالموحدین

۱. اسامی شرکت‌های بیست و هفت‌گانه فوق از جزوه «پنتاگونو اغوای اقتصادی» مربوط به اداره کل اطلاعات خراسان نقل شده است.

۳۰- کارگستر ابرکوه

لازم به تذکر است که بسیاری از شرکت‌های فوق با اقدامات بیجا و شایسته اداره اطلاعات استان‌های متبوعه تعطیل شد، و برخی از آنها پس از آن که فهمیدند فعالیت‌هایشان نامشروع و غیر قانونی است، داوطلبانه فعالیت خود را متوقف نموده، و حتی در روزنامه‌های کثیرالانتشار اطلاعیه‌ای منتشر کرده، و جدول زمانی خاصی برای مراجعه مشتریان و دریافت پولشان مشخص کردند؛^۱ که کار آنها در خور تقدیر و تشکر است. و متأسفانه تعداد محدودی از شرکت‌های داخلی همچنان به فعالیت خویش ادامه می‌دهند!

۱. اطلاعاتی برخی از شرکت‌های مذکور در بخش اسناد و مدارک آمده است.

فصل پنجم :

ادله حرمت

۱- اکل مال به باطل، یا درآمدهای نامشروع

خداوند متعال در آیه ۲۹ و ۳۰ سوره نساء می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا * وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید! مگر این که تجارتی با رضایت شما انجام گیرد. و خودکشی نکنید! خداوند نسبت به شما مهربان است. و هر کس این عمل را از روی تجاوز و ستم انجام دهد، به زودی او را در آتش وارد خواهیم ساخت؛ و این کار برای خدا آسان است.»

موضوع «اکل مال به باطل، و درآمدهای نامشروع» و برخورد شدید خداوند با آن، علاوه بر آیه فوق، در آیات ۱۸۸ سوره بقره، ۱۶۱ سوره

نساء، و ۳۴ سوره توبه نیز آمده است.

بنابراین، اکل مال بالباطل طبق صریح چهار آیه از قرآن مجید حرام، و از گناهان بزرگ است، و انسان را به سوی جهنم سوق می‌دهد. و شک نیست که درآمد حاصل از عضویت در شرکت‌های مورد بحث، که مبتنی بر بازاریابی شبکه‌ای (Network Marketing) می‌باشد، مصداق روشن اکل مال به باطل، و در نتیجه حرام است.

اکل مال بالباطل چیست؟

حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مدّ ظلّه) در پاسخ به این

سؤال فرمودند:

«منظور از اکل مال به باطل این است که انسان بی آن که فعالیت مثبتی داشته باشد اموال با آورده‌ای را تملک کند، و در گلدکوئست و مانند آن چنین مطلبی به خوبی دیده می‌شود. افرادی که در شاخه‌های اول قرار می‌گیرند، بی آن که کار مهمی انجام داده باشند، اموال هنگفتی را تصاحب می‌کنند، و افرادی که در شاخه‌های آخر می‌باشند، مال‌باختگان واقعی هستند؛ درست شبیه به قمار».

برای روشن تر شدن مطلب فوق، به تحلیلی که در یکی از مجلات معروف آمده توجه کنید: «اگر ۵/۰۰۰/۰۰۰ نفر جذب این بازی شده باشند، تنها به حدود ۵۰/۰۰۰ نفر سود کلانی تعلق می‌گیرد، و حدود ۱/۲۰۰/۰۰۰ نفر هیچ سودی دریافت نمی‌کنند، و باقی شرکت‌کنندگان،

یعنی ۳/۷۵۰/۰۰۰ نفر دیگر فقط ضرر کرده‌اند، بی آن‌که سگه‌ای دریافت کرده باشند»^۱.

همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید عده محدودی (۵۰/۰۰۰ نفر و خود شرکت) بی آن‌که کار مهم و فعالیت مثبتی داشته باشند، اموال هنگفتی را تصاحب می‌کنند، و افرادی که در شاخه‌های آخر هستند (حدود چهار میلیون نفر) مال باخترگان واقعی هستند؛ و این است معنی اکل مال به باطل.

یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در تشریح فعالیت شرکت‌های مذکور می‌گوید:

«در شرکت‌هایی که هر عضو باید دو عضو دیگر جذب کند، بر اساس محاسبه انجام شده به ۷۵٪ این افراد هیچ چیز تعلق نمی‌گیرد، و به ۱۵٪ اعضا معادل نیمی از آنچه هزینه کرده‌اند تعلق می‌گیرد، و ۷٪ افراد معادل حق عضویت خود را دریافت داشته، و فقط ۳٪ افراد که در رأس هرم هستند سودسرسیاری به دست خواهند آورد».

وی در ادامه گفت: «در شرکت‌های هرمی که هر عضو باید پنج عضو دیگر جذب کند، ۹۶٪ اعضای شبکه هیچ درآمدی نخواهند داشت، و ۲٪ افراد نصف آورده خود را می‌گیرند، و ۱٪ آنان عین پول، و کمتر از ۱٪ هم که در رأس هرم هستند سود سرشاری می‌برند»^۲ و بقیه

۱. سروش جوان، شماره ۲۳، تیر ۱۳۸۱.

۲. نماینده مذکور آقای حمید رضا کاتوزیان نماینده مردم تهران در مجلس شورای

این اموال هنگفت به جیب مؤسسات مذکور می‌ریزد!

ارتباط بین اکل مال به باطل و خودکشی!

سؤال: چه ارتباطی بین مسأله «انتحار» و «تصرف باطل و ناحق در اموال مردم» وجود دارد، که در آیه مورد بحث در کنار هم ذکر شده است؟

جواب: پاسخ این سؤال روشن است، و در حقیقت قرآن مجید با ذکر این دو حکم پشت سر هم، به یک نکته مهم اجتماعی اشاره کرده است. و آن این‌که: اگر روابط مالی مردم بر اساس صحیح استوار نباشد، و اقتصاد جامعه به صورت سالم پیش نرود، و در اموال یکدیگر به ناحق تصرف کنند، جامعه گرفتار یک نوع خودکشی و انتحار خواهد شد. و علاوه بر این که انتحارهای شخصی افزایش خواهد یافت، انتحار اجتماعی هم از آثار ضمنی آن است.^۱

حوادث و انقلاب‌هایی که در جوامع مختلف دنیای معاصر روی

→ اسلامی است، که به هنگام تحصیل در یکی از کشورهای اروپایی از نزدیک شاهد فعالیت برخی از شرکت‌های کلاهبردار مورد بحث بوده، و یکی از طراحان یک فوریت ممنوعیت فعالیت شرکت‌های هرمی و شاخه‌ای در مجلس شورای اسلامی است. مطلب فوق را از روزنامه خراسان، شماره ۱۶۱۳۶ به تاریخ ۱۳۸۴/۴/۵ نقل کرده‌ایم.

۱. یکی از جامعه‌شناسان در شماره ۳۷۲۲ روزنامه قدس، به تاریخ ۱۳۷۹/۸/۲۹، می‌گوید: «اگر نوجوانان و جوانان بیکار که با هزار مشکل سرمایه‌ای را برای عضویت در این شرکت‌ها فراهم کرده، با شکست مواجه شوند، برای جبران آن ممکن است دست به هر کاری بزنند» شرح بیشتر این مطلب در فصل هشتم خواهد آمد.

داده، شاهد گویای این حقیقت است. و از آنجا که خداوند نسبت به بندگان خود مهربان است به آنها هشدار می دهد و اعلام خطر می کند که مراقب باشند مبادا مبادلات مالی نادرست و اقتصاد ناسالم، اجتماع آنها را به هلاکت بکشاند.^۱

سرنوشت آلودگان به اموال حرام

خداوند در آیه سی ام سوره نساء عاقبت کسانی که از این اموال حرام استفاده می کنند را این گونه ترسیم می کند: «و هر کس از این فرمان سرپیچی کند، و خود را آلوده خوردن اموال دیگران به ناحق سازد، و یا دست به انتحار و خودکشی بزند، نه تنها به آتش این جهان می سوزد، بلکه در آتش قهر و غضب پروردگار نیز خواهد سوخت، و این کار برای خدا آسان است».

۲- کلاهبرداری

این کار نوعی کلاهبرداری توأم با فریب و نیرنگ است، که به فتوای تمام علمای اسلام، بلکه به نظر همه عقلاهی جهان کار زشت و ناپسند و حرامی است.

توضیح این که: تمام مردم در چنین فعالیت هایی شرکت نمی کنند؛ یا به خاطر ممنوعیت شرعی، یا عدم جواز قانونی، یا عدم توان مالی، یا

۱. تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۳۹۶.

عدم اطلاع از چنین فعالیت‌هایی، یا عدم اعتماد به ادعاهای شرکت‌های مذکور، یا بی‌حوصلگی، یا نداشتن وقت کافی، و یا به علت‌های دیگر. بنابراین، فقط گروه خاصی عضو این شرکت‌ها می‌شوند. فرض می‌کنیم $7/000/000$ نفر عضو یکی از این شرکت‌ها، مثلاً شرکت گلدکوئست، شوند و نفری 860 دلار به حساب آن شرکت واریز نمایند، اگر افراد مذکور را به گروه‌های هفت نفره تقسیم کنیم، $1/000/000$ گروه تشکیل می‌شود که یک نفر سرگروه، و شش نفر دیگر زیر گروه خواهند بود. چنانچه عدد $7/000/000$ را در مبلغ 860 دلار ضرب کنیم حاصل آن $6/020/000/000$ دلار می‌شود، که $\frac{1}{3}$ مبلغ مذکور، یعنی حدود $2/006/000/000$ دلار آن، قیمت واقعی اجناسی است که شرکت ملتزم شده به دست اعضا برساند، و $\frac{2}{3}$ باقیمانده، یعنی $4/014/000/000$ دلار، سود بادآورده‌ای است که به حساب شرکت ریخته شده است. شرکت از این سود سرشار بی‌دردسر به هر یک از سرشاخه‌ها، که در مثال مورد بحث یک میلیون نفر هستند، 250 دلار می‌پردازد، که حاصل ضرب $1/000/000$ نفر در 250 دلار، $250/000/000$ دلار می‌شود. اگر این رقم را از سود شرکت کسر کنیم، سود خالص شرکت $3/764/000/000$ دلار می‌شود. نتیجه آن که کلاه شش میلیون نفر برداشته شده، و جیب آنها خالی گشته، و حدود $\frac{1}{10}$ مجموع پول آنها به جیب یک میلیون نفر سرگروه رفته، و $\frac{9}{10}$ باقیمانده به جیب شرکت واریز شده است. آیا بزرگتر از این کلاهبرداری سراغ دارید؟!

سخنگوی قوه قضائیه در این باره گفت:

یارگیری در شرکت گلدکوئست متقلبانه است، که بر اساس قانون تشدید مجازات، ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری جرم محسوب می شود، و مجرم علاوه بر رد اصل مال، به حبس و جزای نقدی معادل اصل مال محکوم می شوند.

وی در ادامه افزود:

در پرونده‌ای که در تهران مطرح است شرکت ملزم به پرداخت غرامت شد، اما نمایندگان شرکت به وعده خود عمل نکردند، و دادسرای تهران نیز با اخطار جدی نمایندگان شرکت را ملزم به پرداخت غرامت کرده، و تعدادی از شکات به حق قانونی خود رسیدند.^۱

۳- قمار جهانی

خداوند متعال در آیه شریفه ۲۱۹ سوره بقره، که سخن از تحریم شراب و قمار به میان آمده، از قمار به «میسِر» تعبیر کرده است. «میسِر» از ماده «یُسِر» است، و این ماده هم به معنی سهل و آسان، و هم به معنی قماربازی می آید. و به نظر می رسد که معنی اولی همان سهل و آسان باشد، منتهی نظر به این که شخص قمارباز می خواهد به آسانی به مال و ثروتی نائل شود، از این رو به قمار میسر گفته می شود.^۲

۱. به نقل از شماره ۱۷۹۲ روزنامه جوان، که در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۲۷ منتشر شده است.

۲. تفسیر نمونه، جلد ۲، صفحه ۷۳.

اگر بخواهیم تعریف جامعی برای قمار ارائه دهیم، باید بگوییم: قمار یعنی قربانی کردن مال و شرف برای به دست آوردن مال دیگران با خدعه و نیرنگ و تزویر، و احیاناً به عنوان تفریح، و نرسیدن به هیچ کدام.^۱

آیا هدف شرکت‌های مورد بحث جز بدست آوردن اموال مردم با فریب و نیرنگ چیز دیگری است؟

آیا بسیاری از مشتریان شرکت‌های مذکور در پی بدست آوردن اموال کلان از راهی سهل و آسان، هر چند به قیمت متضرر شدن انسان‌های فراوانی نیستند؟

آیا آلوده شدن به وام‌های ربوی برای عضویت در این قمار جهانی، قربانی کردن مال و شرف نیست؟

چنانچه عده‌ای محدود سعی و تلاش کنند تا به سودهای کلان بادآورده برسند، هر چند در این مسیر افراد بسیاری قربانی شوند و اموال خود را از دست بدهند، آیا چنین انسان‌هایی شرافت خود، و مالباختگان، دارایی خویش را، به قربانگاه نفرستاده‌اند؟!

بنابراین، شکّی نیست که ماهیت حقیقی بازاریابی شبکه‌ای چیزی شبیه قمار جهانی است؛ هر چند صاحبان این قمارخانه‌ها سعی دارند آن را در پوشش‌هایی نظیر «معامله»، «هدیه»، «صلح»، «پورسانت» و مانند آن مخفی کنند، تا هر چه بیشتر موفق به غارت اموال مردم گردند.

۱. تفسیر نمونه، جلد ۲، صفحه ۷۹.

۴- بخت آزمایی و لاتار^۱

بی شک فعالیت مرموز اقتصادی شرکت‌های مورد بحث، شبیه بخت آزمایی نیز می‌باشد. همان چیزی که در زمان طاغوت و قبل از انقلاب مرسوم بود، و فقها آن را تحریم کردند، و اکنون در لباسی نو و تحت عنوان شرکت‌های خارجی و داخلی جلوه کرده است. البته بخت آزمایی، که در قرآن مجید از آن تعبیر به «أزلام» شده، همچون شراب و قمار سابقه‌ای طولانی دارد، و قبل از اسلام نیز مردم آلوده آن بوده‌اند.

در آیه شریفه سوم سوره مائده، در مورد حرمت یازده چیز سخن به میان آمده، که یک مورد آن گوشت‌هایی است که در مسابقه بخت آزمایی نصیب برندگان می‌شد. توجه شما عزیزان را به آنچه در تفسیر این قسمت از آیه، در تفسیر نمونه، جلد ۴، صفحه ۲۶۰ آمده جلب می‌کنم:

«نوع دیگری از حیوانات که تحریم آن در آیه فوق آمده، حیواناتی است که به صورت «بخت آزمایی» ذبح و تقسیم می‌گردیده، و روش کار به این ترتیب بوده که مثلاً ده نفر با هم شرط بندی می‌کردند، و حیوانی را خریداری و ذبح نموده، سپس ده چوبه تیر که روی هفت عدد از آنها عنوان «برنده» و سه عدد عنوان «بازنده» ثبت شده بود، در کیسه مخصوصی می‌ریختند، و به صورت قرعه کشی آنها را به نام یک

۱. لاتار (Loterie) همان بخت آزمایی است، که در زبان عربی «یانصیب» گفته می‌شود.

یک از آن ده نفر بیرون می‌آوردند، هفت چوبه برنده به نام هر کس می‌افتاد سهمی از گوشت بر می‌داشت، (هر کدام $\frac{1}{7}$) و پولی در برابر آن نمی‌پرداخت، ولی آن سه نفر که تیرهای بازنده را دریافت داشته بودند، باید هر کدام $\frac{1}{7}$ قیمت حیوان را بپردازند، بی‌آن که سهمی از گوشت داشته باشند، این چوبه‌های تیر را «ازلام» جمع «زلم» (بر وزن قلم) می‌نامیدند. اسلام خوردن این گوشت‌ها را تحریم کرده (و آن را در ردیف خوردن خون و خوک و مردار و مانند آن قرار داد). البته نه به خاطر این که اصل گوشت حرام بوده باشد، بلکه به خاطر این که جنبه قمار و بخت‌آزمایی دارد. روشن است که تحریم قمار و مانند آن اختصاص به گوشت حیوانات ندارد، بلکه در هر چیزی انجام گیرد ممنوع است، و تمام زیان‌های فعالیت‌های حساب نشده اجتماعی، و برنامه‌های خرافی در آن جمع می‌باشد».

آیا آنچه در شرکت‌های مورد بحث انجام می‌شود تفاوتی با آنچه در بالا آمد دارد؟ نه تنها تفاوت ندارد، بلکه در بخت‌آزمایی‌های نو و جدید، قبح و زشتی کار بیشتر است. زیرا در مثالی که در تفسیر آیه شریفه مطرح شد، پول $\frac{1}{7}$ شرکت‌کنندگان نصیب $\frac{2}{7}$ دیگر می‌شود، در حالی که در شرکت‌های مورد بحث، پول $\frac{9}{10}$ شرکت‌کنندگان به جیب این مؤسسات کلاهبردار می‌ریزد، و $\frac{1}{10}$ آن نصیب بعضی از شرکت‌کنندگان دیگر می‌شود!

عوارض منفی اجتماعی و اقتصادی

بسیاری از قماربازان به علت این که گاه برنده می‌شوند، و در یک ساعت ممکن است میلیون‌ها تومان سرمایه دیگران را به جیب بزنند، حاضر نمی‌شوند تن به کارهای تولیدی و اقتصادی دهند، در نتیجه چرخ‌های تولید و اقتصاد به همان نسبت لنگ می‌شود. اگر درست دقت کنیم تمام قماربازان و عائله آنان سربار اجتماع هستند، و بدون این که کمترین سودی به اجتماع برسانند، از رنج آنها استفاده می‌کنند. فراموش نمی‌کنم هنگامی که با یکی از دوستان، که در کسوت قضاوت مشغول به خدمت است، پیرامون شرکت‌های مرموز اقتصادی مورد بحث گفتگو می‌کردم، ایشان به همین مطلب اشاره کرد که: معلم فرزندی من از اعضای همین شرکت هاست، و ظاهراً سرگروه شده، و پول کلانی به حسابش واریز گردیده است. نامبرده ضمن تبلیغ شرکت مذکور در بین دانش‌آموزان، به آنها اعلان کرده که دیگر حاضر نیست به تعلیم و تربیت ادامه دهد، و در کسوت معلمی باقی بماند؛ زیرا شغل جدید، چندین برابر معلمی درآمد بدون دردسر دارد!

علاوه بر آلوده شدگان به این فعالیت‌های ناسالم، اطرافیان آنها نیز روحیه کار و فعالیت و نشاط را از دست می‌دهند، زیرا پول‌های بادآورده آنها را نیز وسوسه می‌کند.

در گزارش محرمانه اداره کل اطلاعات یکی از استان‌ها، که فعالیت یکی از شرکت‌های مورد بحث در آن استان رواج زیادی گرفته بود،

آمده است:

«جو ملتهدی در سطح شهر در خصوص این گونه خرید و فروش‌ها ایجاد شده، و باعث بی‌انگیزه شدن کارمندان زحمتکش بخش دولتی و خصوصی گردیده است. ضمن این که ادامه این روند و به دست آوردن پول بدون زحمت (بدون این که تولید و نفعی برای جامعه ایجاد کند) ضربات مهلکی بر اقتصاد جامعه وارد می‌نماید».

خلاصه این که زیان‌های ناشی از قمار و کارهای شبیه به قمار، به حدی است که حتی بسیاری از کشورهای غیر مسلمان قانوناً آن را ممنوع کرده‌اند، هر چند در عمل به آلوده آن هستند. مثلاً انگلستان در سال ۱۸۵۳، و شوروی در سال ۱۸۵۴، و آمریکا در سال ۱۸۵۵، و آلمان در سال ۱۸۷۳ قمار را ممنوع اعلام نمودند.^۱

جالب این که مؤسسات زنجیره‌ای مورد بحث در کشورهای خود حق فعالیت ندارند^۲، بدین جهت در سال‌های اخیر حتی یک مورد سؤال یا نامه یا ایمیلی از کشورهای اروپایی در مورد این نوع فعالیت‌ها دریافت نکرده‌ایم، در حالی که هر روز سؤالات گوناگونی در مورد موضوعات مختلف از کشورهای مذکور به دست ما می‌رسد.

۱. تفسیر نمونه، جلد ۲۰، صفحه ۷۸.

۲. کیهان، مورخ ۸۳/۷/۲۷، در این زمینه نوشت: «فعالیت‌های اقتصادی از این قبیل، که در دنیا به فعالیت‌های هرمی و درختی معروف هستند، بیش از یک دهه است که در قطب‌های اقتصادی دنیا، از قبیل آمریکا، آلمان، انگلستان و فرانسه، به دلیل ضربات جبران‌ناپذیری که بر پیکره اقتصاد کشورها وارد می‌آورند، ممنوع اعلام شده است».

جالب‌تر این که برخی از کشورهای اروپایی علاوه بر ممنوعیت فعالیت شرکت‌های مورد بحث در کشورهای خود، مردم را نیز به شدت از این کار بر حذر داشته و برای هر کس که تخلف نموده و عضو این شرکت‌ها شود، جریمه سنگینی، یعنی بیش از ۲۰/۰۰۰ دلار، در نظر گرفته‌اند.

با توجه به توضیحات بالا، آیا هیچ انسان عاقلی باور می‌کند که این شرکت‌های اروپایی برای کمک به مردم مستضعف جهان سوم، و حذف واسطه‌ها و دلّال‌ها، و ایجاد اشتغال و رفع بیکاری جوانان، و... با حرص و ولع هر چه تمام‌تر در حال فعالیت هستند؟!

خروج ارز و پیامدهای منفی آن

راستی هیچ فکر کرده‌اید که این دایه‌های مهربانتر از مادر چقدر ارز از کشور خارج می‌کنند، و این کار چه پیامدهای خطرناکی در پی دارد؟ باز هم به گزارش محرمانه اداره کل اطلاعات یکی از استان‌ها توجه کنید:

«تاکنون بیش از ۱۵۰ نفر از فعالین شرکت... که به سرگروهی رسیده‌اند شناسایی شده، و میزان افراد درگیر در این بازی، و مقدار ارز خروجی از کشور به شرح ذیل می‌باشد:

$$۱۰۹۳ \times ۱۵۰ = ۱۶۳۹۵۰$$

حداقل افراد درگیر

$$۳۲۸۰ \times ۱۵۰ = ۴۹۲۰۰۰$$

حداکثر افراد درگیر

حداقل ارزش خارج شده $۶/۵۳۵/۸۰۰$ دلار = ۴۰×۱۶۳۹۵ دلار
 حداکثر ارزش خارج شده $۱۹/۶۸۰/۰۰۰$ دلار = ۴۰×۴۹۲۰۰۰ دلار
 توضیح این که هر فرد که به سرگروهی برسد حداقل ۱۰۹۳ ، و حداکثر ۳۲۸۰ نفر را درگیر این بازی می‌کند.

پیامدهای منفی خروج ارز، مخصوصاً هنگامی که معادل آن چیز با ارزشی وارد کشور نشود، بر هیچ انسان آگاه و مطلع‌ی پوشیده نیست، به ویژه اگر این سرمایه‌کلان به جیب دشمنان در حال جنگ با اسلام و مسلمین واریز شود،^۱ و صرف تهیه سلاح گردد. و طبعاً هر مقدار که مبلغ ارزش خارج شده بالاتر رود، خطرات آن هم بیشتر می‌باشد. مدیر اداره روابط عمومی بانک مرکزی در گفتگوی تلفنی خود با برنامه‌فقه و زندگی رادیو معارف اعلان کرد که بر اثر شدت فعالیت شرکت‌های مرموز اقتصادی مورد بحث در کشور آلبانی، و خروج ارز

۱. دکتر احمد سعیدی، کارشناس اقتصادی، با اشاره به فعالیت قمارگونه و کاذب شرکت‌های اینترنتی مشابه گلدکوئست، گفت: «منشأ و ماهیت و تفکر هدایت این شرکت‌ها صهیونیستی است؛ زیرا هیأت مدیره و عوامل اصلی آنها، سرمایه‌گذاران عمده در سرزمین‌های اشغالی فلسطین هستند، و نقش حمایتی از این رژیم را دنبال می‌کنند!» وی افزود: «باید با دادن هشدارهای لازم به مردم، آنان را از عواقب سرمایه‌گذاری در این شرکت‌ها آگاه ساخت» (روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۸۲/۷/۲۶).
 طبق گزارش روزنامه کیهان، مورخ ۸۳/۴/۲۳ معاون اول دادستان کل کشور نیز معتقد است که سرکیسه کردن کشورهای جهان سوم همواره راهکاری سرشار از سود برای صهیونیست‌ها بوده، و آنها که همواره در پی کسب منافع بیشتر برای خود هستند، همیشه سعی در به استضعاف کشاندن ملت‌های جهان سوم داشته‌اند.»

بصورت گسترده، حکومت آن کشور سقوط کرد!»
با توجه به آنچه گذشت، آیا تردیدی برای خوانندگان عزیز باقی
می‌ماند که شرکت‌های مورد بحث کلاهبرداران بزرگی هستند که
قمارخانه‌ای جهانی برای غارت اموال ملّت‌ها تحت نام بازاریابی
شبکه‌ای درست کرده‌اند؟

البته ادلة اصلی حرمت این نوع فعالیت‌ها، همان پنج دلیل است. و
مسأله خروج ارز تأییدی بر آن می‌باشد. لذا فعالیت شرکت‌های مشابه
داخلی نیز بدون شک نامشروع و مضرّ به حال اجتماع و اقتصاد کشور
است؛ هر چند مشکل خروج ارز نداشته باشند.

فصل ششم :

پرسش‌ها و پاسخ‌ها

سؤال اول - مگر قرآن مجید هر نوع معامله‌ای را، که با تراضی و توافق طرفین صورت گیرد، طبق آیه شریفه «تِجَارَةٌ عَنْ تَرَاضٍ» امضا نکرده است؟ پس بر چه اساسی فتوی به حرمت چنین معاملاتی داده شده است؟

جواب : اصل سخن مذکور، که از قرآن مجید نقل شده، مطلب صحیحی است، و هیچ بحث و گفتگویی ندارد. اما ارتباطی بین آن، و بازاریابی شبکه‌ای نیست؛ زیرا در چنین فعالیت‌هایی اولاً: تجارت و داد و ستد حقیقی وجود ندارد، بلکه - همان گونه که گذشت - ماهیت واقعی این فعالیت‌ها چیزی شبیه قمار و کلاهبرداری و بخت‌آزمایی و اکل مال به باطل است، و اگر جنسی عرضه می‌شود سرپوشی برای کارهای نامشروع فوق است، نتیجه این که تجارت حقیقی صورت نمی‌گیرد. و ثانیاً: بر فرض که داد و ستدی وجود داشته باشد، تراضی

وجود ندارد، زیرا کسانی که وارد این فعالیت‌های دروغین می‌شوند، به طمع دست یافتن به سود کلان راضی به خرید جنس به چند برابر قیمت واقعی می‌شوند، و اگر بدانند سودی عاید آنها نخواهد شد، و امکان دارد اصلاً جنسی به دست آنها نرسد، هرگز راضی به پرداخت پول نمی‌شوند، و نشانه آن مالباختگان فراوانی هستند که پس از یأس از دست یافتن به پورسانت، به قوه قضائیه شکایت کرده‌اند.^۱ خلاصه این که در واقع نه تجارتنی وجود دارد، و نه رضایتی.

سؤال دوم - فقهای بزرگوار شیعه، پورسانت را طبق شرایطی اجازه داده‌اند. چرا در مورد بحث آن را مجاز نمی‌دانند؟

جواب: همان‌گونه که در پاسخ سؤال قبل گفته شد، مسأله پورسانت پوششی است برای این کلاهبرداری عظیم، و قصد جدی نسبت به آن وجود ندارد. بدین جهت عرف آگاه، که مجموعه این فعالیت‌ها را می‌بیند، آن را اکل مال به باطل توصیف می‌کند.

به تحلیل جالبی که در مورد رؤیای پورسانت‌ها در یکی از روزنامه‌ها آمده، توجه کنید: «به سادگی می‌توان ثابت کرد که همواره بیش از ۸۷/۵ درصد اعضاء هیچ‌گاه موفق به دریافت پورسانت

۱. طبق آنچه در روزنامه ایران به تاریخ ۱۳۸۳/۹/۲۹ آمده، قدمی، بازپرس شعبه سوم دادسرای کارکنان دولت، در راستای رسیدگی به شکایت حدود ۳۰۰۰ نفر مالباخته از شرکت گلدکوئست، یک عضو مؤثر و فعال شرکت مذکور را، که به عنوان رابط در داخل کشور فعالیت می‌کرد شناسایی، و با قرار وثیقه ۳ میلیارد تومان به زندان معرفی کرد.

نمی‌شوند. به عبارتی، باید انتظار داشت که همواره فقط حدود ۱۰ درصد بتوانند پورسانت دریافت کنند، و بقیه باید منتظر رشد شبکه باشند. اگر کسی در جلسه عضوگیری و توجیه اعضای جدید، چنین سؤالی را مطرح کند که مثلاً: اگر همه نتوانند زیر شاخه‌هایشان را تکمیل کنند، و یا روزی به دلیل اشباع بازار اصلاً شاخه‌ها قدرت رشد نداشته باشند، چه اتفاقی برای سرمایه‌کسانی که پول داده و از شرکت خرید کرده‌اند، اما به مرحله پورسانت‌گیری نرسیده‌اند، می‌افتد؟ آنها پاسخ جالبی خواهند داد: «این افراد باید منتظر رشد جمعیت باشند. و چون طبق قانون عضویت افراد در گلدکوئست، هر فرد که به سیستم وارد می‌شود برای مدت ۹۹ سال، خود یا وارثانش به عضویت گلدکوئست در می‌آیند، بنابراین بالاخره یک روزی به پورسانت دست خواهند یافت!»

یکی از افرادی که در مورد گلدکوئست تحقیقات مفصلی انجام داده، در این باره می‌گوید: «نرخ رشد جمعیت در ایران حدود ۲/۷ درصد است. بنابراین، پس از صفر شدن کشش بازار ایران، قطعاً عمر هیچ یک از افراد متضرر، به دریافت پورسانت و کسب ثروت افسانه‌ای وعده داده شده از سوی گلدکوئستی‌ها کفاف نخواهد کرد».^۱

سؤال سوم - مگر نه این که هر گاه فروشنده و خریدار بر سر قیمت جنسی به توافق برسند، و حکومت اسلامی برای آن کالا نرخ خاصی

تصویب نکرده باشد، چنان معامله‌ای صحیح است، هر چند قیمت آن خارج از متعارف باشد. پس چرا در معامله با شرکت‌های مورد بحث، که جنس را به چند برابر قیمت واقعی می‌فروشند، اشکال می‌کنید؟

جواب: آنچه شرکت‌های مزبور برای رسیدن به مقصود خود انتخاب کرده‌اند در واقع پوششی است برای سوء استفاده از اموال مردم؛ نه این که یک معامله حقیقی هر چند به چند برابر قیمت در کار باشد. و لذا اگر مشتریان از ابتداء بدانند که نمی‌توانند قیمت اضافی را از طریق جذب مشتری جدید جبران کنند، هرگز راضی به چنین معامله‌ای نمی‌شوند. و بدین جهت رده‌های آخر، که از پول آنها به رده‌های اول داده می‌شود، و قادر بر جبران خسارت بزرگ خود نمی‌شوند، راضی به اصل معامله نیستند، و لذا سیل عظیم مالباختگان پس از ناامید شدن از جبران خسارات خود، به قوه قضائیه متوسل شده،^۱ و عده‌ای از آنها توانسته‌اند پول خود را باز پس گیرند.^۲

۱. مدیر کل جرائم خاص و رایانه‌ای نیروی انتظامی، طبق گزارش روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۱۳۸۳/۷/۱۶ گفت: نیروی انتظامی در بهمن ۸۱ و بر اساس شکایتی در اصفهان از فعالیت شرکت‌های غیر قانونی اینترنتی در کشور مطلع شد، که با روش شبکه‌ای اقدام به فروش الماس و سکه طلا می‌کردند. سرهنگ امیدی در ادامه افزود: پس از احراز غیر قانونی بودن فعالیت این شرکت‌ها تمام واحدهای آگاهی در سراسر کشور برای برخورد با این پدیده، فعال شدند، و با ۱۰ هزار شکایت مردمی، و همچنین تحقیق از ۱۰ هزار نفر، شبکه فعالیت این شرکت‌ها در بیشتر شهرها شناسایی شد.

۲. سخنگوی قوه قضائیه، در خصوص پرداخت خسارت شرکت گلدکوئست به شاکیان پرونده، گفت: «تاکنون هزاران نفر از افراد توانسته‌اند به حق خود دست یابند». مطابق گزارش

سؤال چهارم - هر چند اجناس شرکت‌های مذکور به چند برابر قیمت واقعی عرضه می‌شود، ولی طبق گفته مسئولین آن شرکت‌ها، با توجه به محدود بودن این اجناس، آنها در آینده جنبه کلکسیونی به خود می‌گیرد، و قیمت آن به خاطر نقش یا عکسی که بر آن است، افزایش می‌یابد. آیا این مطلب، مشکل شرعی فعالیت آنان را برطرف نمی‌سازد؟

جواب: داستان کلکسیون هم یکی از دروغ‌های بزرگ آنهاست. شاهد این مدعا سخن مسئول پیگیری پرونده گلدکوئست در قوه قضائیه است. وی تصریح کرد: «شرکت مذکور وعده داده بود که ۹۹۹۹ سکه در بازار عرضه کند، اما تقاضای مجوز ۳۰ هزار سکه دیگر نیز کرده است! بنابراین، سکه‌ها ارزش کلکسیونی نیز ندارد. همچنین قسمتی از اجناسی که این شرکت عرضه نموده تقلبی بود. و بجای زنجیر طلا، زنجیرهای نقره‌ای با روکش طلا عرضه می‌کرد!»^۱

→ روزنامه ابرار، مورخ ۱۳۸۳/۸/۱۷، مدیر روابط عمومی دادسرای عمومی انقلاب تهران، که مسئول رسیدگی به پرونده شرکت گلدکوئست است، در گفت و گو با «ایلنا» گفت:
«با پیگیری‌ها و رایزنی‌هایی که دستگاه قضایی با شرکت مزبور کرده، هزار و پانصد کیلو از مجموعه سکه‌ها و محصولات آن شرکت، جهت جبران خسارات وارده، و رضایت شاکیان پرونده وارد گمرگ شده است». بنابراین، مالباختگان باید شکایت خود را تسلیم قوه قضائیه کنند، تا در لیست افرادی که برای جبران خسارت آنها اقدام می‌شود، قرار گیرند. (آشتی، مورخ ۸۴/۱/۱۷)

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، تاریخ ۱۳۸۳/۷/۶؛ در شماره دیگر همین روزنامه،

←

بنابراین داستان کلکسیونری بودن سکه‌ها، که یک امر غیر واقعی است، مشکل را حل نمی‌کند.^۱

سؤال پنجم - با توجه به این که اجناس این شرکت‌ها گارانتی (نوعی ضمانت) دارد، بر فرض که اعضاء مؤفق به یافتن مشتری جدید نشوند، از حق گارانتی استفاده کرده و معامله را فسخ نموده، و پول خود را می‌گیرند، آیا این مطلب مشکل شرعی را برطرف نمی‌کند؟

جواب: گارانتی اجناس اگر در کشور خودمان، و در دسترس

→ یعنی مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۱۷، مجدداً به تقلبی بودن بعضی از اجناس گلدکوئست اشاره شده است.

۱. خلاصه این که، اولاً: تعداد سکه‌های به اصطلاح کلکسیونری، همانطور که گذشت محدود نیست. ثانیاً: بر فرض که از نظر تعداد یک نوع محدود باشد، اما با توجه به تنوع سکه‌ها، بسیار فراوان است، و کدام کلکسیونر حاضر می‌شود روی یک مجموعه فراوان از سکه سرمایه‌گذاری کند؟ ثالثاً: خریداران چندانی برای سکه‌ها یافت نمی‌شود، گزارشگر روزنامه شرق، که به همین منظور جستجوی گسترده‌ای در بازار طلافروشان و عتیقه‌فروشان تهران کرده، می‌نویسد: «در میان خریداران و فروشندگان سکه‌های طلایی، گلدکوئست و سکه‌هایش جایی ندارد! از میان فروشندگان سکه تنها یک طلافروش حاضر بود سکه را بخرد، و از وزن آن پرسید. او سکه را به وزن طلایش می‌خرد، و کاری با ارزش کلکسیونری آن نداشت! رابعاً: اگر فرض را بر پنهان ماندن برخی از خریداران چنین سکه‌هایی، بنابر علیی بگذاریم، و خوشبینانه معتقد باشیم که ده خریدار پیدا خواهد شد، و آنها خریداران واقعی باشند (نه مأموران شرکت گلدکوئست که برای بازارگرمی اقدام به خرید می‌کنند) اما با توجه به این که در ایران چهارصد هزار نفر چنین سکه‌هایی را خریده‌اند، آیا آن ده نفر می‌توانند همه آن ۴۰۰ هزار سکه را بخرند؟ مخصوصاً که فعالیت شرکت مذکور ممنوع شده، و قوه قضائیه با اعضای آن برخورد قانونی می‌کند؟ شرح بیشتر افسانه کلکسیونری را، در روزنامه شرق، مورخ ۲۱ تیر ۱۳۸۴ مطالعه فرمایید.

مشتریان بود کارساز بود، ولی گارانتی آن در مکان‌های غیر قابل دسترسی مثل کشور سومالی است^۱، و لابد گارانتی مشتریان سومالیایی هم در کشور غیر قابل دسترس دیگری است! و لهذا مالباخته‌های داخل کشور، که به هیچ وجه نتوانستند به پول از دست رفته خود برسند، متوسل به قوه قضائیه شده، و از آنها تقاضای کمک کرده‌اند.^۲ بنابراین، خود مسأله گارانتی به شکل فوق، دلیل دیگری بر ناسالم بودن فعالیت آنها، و نشانه روشنی بر این کلاهبرداری بزرگ است.

سؤال ششم - بعضی از این شرکت‌ها مدعی هستند اجناس خود را به قیمت واقعی عرضه می‌کنند، عضویت در چنین شرکت‌هایی چه حکمی دارد؟

جواب: آنها در ادعای خود صادق نیستند، زیرا این همه پولی که به سرگروه‌ها می‌پردازند از کجا به دست می‌آورند؟ آیا کارهای تولیدی، خدماتی، کشاورزی و مانند آن دارند؟ یا این ادعا، از جمله دروغ‌هایی است که برای جلب اعتماد مشتریان متوسل به آن می‌شوند؟ به یقین کاری جز همین عمل ندارند، و تمام شگردها در همین کار است. حقیقت آن است که ماهیت تمام این شرکت‌ها در دو چیز خلاصه می‌شود:

۱. همان‌گونه که در فصل هفتم، در داستان سوء استفاده از تصویر امام راحل (قدس سره) به این مطلب اشاره خواهد شد.

۲. نمونه‌هایی از شکایات مردم، و تعداد فراوان شاکیان، در پاورقی مربوط به پاسخ سؤال دوم گذشت، و در مباحث آینده هم به آن اشاره می‌شود.

الف) کالا یا خدماتی به دو یا چند برابر قیمت حقیقی فروخته می‌شود.^۱

ب) سپس فعالیت زنجیره‌ای و هرمی مشتریان، با جذب مشتریان جدید از طریق بازاریابی شبکه‌ای ادامه پیدا می‌کند. که هر دو امر برنامه شرکت را به سوی مسیرهای انحرافی می‌کشاند.

سؤال هفتم - اگر بازاریابی شبکه‌ای شرعاً جایز نیست، چرا مجلس شورای اسلامی قانون تجارت الکترونیک را تصویب کرد؟ آیا این فتوا به معنی خداحافظی با هر گونه داد و ستد و مبادله و تجارت از طریق اینترنت و مانند آن نیست؟

جواب: قانون تجارت الکترونیک، که به تصویب نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی رسیده، کلیات تجارت الکترونیکی و شرایط و قیود آن را بیان می‌کند، و هیچ ربطی به بازاریابی شبکه‌ای امثال گلدکوئست ندارد! اگر فقهی کلیات قانون تجارت و داد و ستد را بپذیرد، سپس تجارت‌های خاص‌ی همچون تجارت مواد مخدر، دخانیات، مشروبات الکلی، سلاح‌های کشتار جمعی، آلات مخصوص موسیقی حرام، ابزار قمار، و مانند آن را به عنوان استثنائاتی ممنوع کند، آیا دچار اشتباه و تناقض شده است؟

۱. قیمت واقعی سکه‌ها در فروش جوان، شماره ۲۳، ۴۰۰ دلار، و مبلغ پرداختی توسط مشتری ۸۶۰ دلار بیان شده، و در نشریه آسیا، به تاریخ ۸۱/۱۱/۶ قیمت واقعی ۳۰۰ هزار تومان، و مبلغ پرداختی ۸۰۰ هزار تومان عنوان شده است!

علاوه بر این که مجلس شورای اسلامی اخیراً (در تاریخ ۱۳۸۴/۵/۴) فوریت طرح ممنوعیت بازاریابی شبکه‌ای را از تصویب نمایندگان گذراند.^۱

سؤال هشتم - با توجه به مذمت بیکاری و تن پروری در اسلام، و عدم اشتغال تعداد زیادی از جوانان، و هزینه‌های سنگین زندگی در عصر و زمان ما، چرا از عضویت جوانان در این گونه فعالیت‌های اشتغال‌زا، که باعث به حرکت درآمدن چرخه زندگی مشتریان آن می‌شود، ممانعت می‌کنید؟

جواب: درست است که بیکاری برای کسانی که قادر بر کار و فعالیت هستند مذموم و ناپسند است، ولی اشتغال به کارهای حرام و ناشایست، از آن مذموم‌تر است.

از دیدگاه اسلام هدف وسیله را توجیه نمی‌کند؛ یعنی برای رسیدن به هدف مقدّس، نمی‌توان از مقدمات نامقدّس سود جست، بلکه باید با وسائلی مقدّس، به هدف مقدّس نائل شد. بنابراین، عدم اشتغال جوانان مجوّز آلوده شدن به فعالیت‌های مرموز مذکور، که شبیه قمار و بخت‌آزمایی و اکل مال به باطل و کلاهبرداری است، نمی‌شود. به تعبیر روشن‌تر، این کار نیست؛ بلکه یک نوع بیکاری خطرناک است. علاوه بر این، فعالیت‌های مورد بحث، هر چند ممکن است برای گروهی به

۱. شرح این مطلب را در روزنامه رسالت به تاریخ ۸۴/۳/۴، و روزنامه‌های اطلاعات، همشهری، قدس و خراسان که در ۸۴/۳/۵ منتشر شده، مطالعه فرمایید.

صورت کاذب اشتغال‌زا باشد، ولی در مجموع پیام آور یأس و ناامیدی از فعالیت‌های سالم در جامعه خواهد شد، و مردم با وسوسه رسیدن به ثروت‌های بادآورده، از فعالیت‌های سالم دست می‌کشند، و این ضربه بزرگی بر جامعه و اقتصاد وارد می‌کند. شرح بیشتر این مطلب به خواست خدا در مباحث آینده خواهد آمد.

سؤال نهم - با توجه به این که مسأله بازاریابی در شرکت‌های خصوصی و دولتی و مراکز خدماتی و تولیدی، در کشور ما امر رایج و قانونی و شرعی است، چرا بازاریابی شبکه‌ای، که همانند سایر بازاریابی‌هاست، نامشروع قلمداد شده است؟

جواب: اولاً: بازاریابی‌های مرسوم و متداول در کشور، از نوع بازاریابی شبکه‌ای نیست؛ بلکه بازاریابها برای کالا یا خدمات مورد نظر، مشتری یا مشتریانی پیدا می‌کنند، و درصدی از سود حاصل طبق توافق قبلی به بازاریاب داده می‌شود، و پس از آن سودی پرداخت نمی‌گردد. یا بازاریاب همچون کارمندی است که حقوق ماهیانه دارد، و جذب مشتری و عدم جذب آن، و همچنین تعداد مشتریان جذب شده، تأثیری در حقوقش ندارد. در حالی که در بازاریابی شبکه‌ای چنین نیست، و به هر مقدار که مشتری جذب شود (البته با شرایط خاصی) چه با واسطه باشد یا بدون واسطه، پورسانت پرداخت می‌گردد.

ثانیاً: اگر بازاریاب‌های داخلی نیز به شکل بازاریابی شبکه‌ای فعالیت نمایند فتوای تحریم شامل آنها هم می‌شود، همانگونه که

بسیاری از شرکت‌های داخلی، که همانند شرکت‌های خارجی به شکل بازاریابی شبکه‌ای فعالیت داشتند، تعطیل شدند.

سؤال دهم - چرا مراجع محترم تقلید نسبت به چنین مسائلی دیر اظهار نظر می‌کنند؟ گاه زمانی فتوی می‌دهند که کار از کار گذشته، و مردم آلوده شده‌اند، چرا؟

جواب: حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مدّ ظلّه) در پاسخ این سؤال فرمودند:

«ما سالهاست که در مورد فعالیت مرموز و خطرناک این نوع شرکت‌ها به صورت کتبی و شفاهی فتوی داده‌ایم؛ تا آنجا که گاه قسمت عمده‌ای از جلسات استفتاء را به خود اختصاص داده است.^۱ و این فتوی از طرق مختلف، از جمله سایت اینترنتی ما، جلد اول^۲ و دوم و سوم کتاب استفتائات جدید و برخی روزنامه‌های پرتیراژ^۳ و حتی چندین بار از صدا و سیما جمهوری اسلامی به اطلاع مردم رسیده است.^۴»

۱. در برخی از روزها ۱۰ الی ۱۲ درصد استفتائات کتبی که از طریق اینترنت، فاکس، پست و نامه‌های حضوری، به دست ما می‌رسد، مربوط به همین موضوع است.

۲. برای اولین بار حدود ده سال قبل نمونه‌ای از فعالیت این شرکت‌ها در اتریش به دست ما رسید، که در جلد اول کتاب استفتائات جدید، صفحه ۱۵۰، آمده و سؤال و جواب مذکور در فصل اول گذشت.

۳. از جمله می‌توان به انتشار این فتوی در روزنامه خراسان به تاریخ ۲۸ فروردین و پنجم خرداد ۱۳۸۴، روزنامه کیهان به تاریخ ۱۳۸۳/۳/۷ و روزنامه قدس به تاریخ ۷۹/۱۰/۲۴ اشاره کرد.

۴. نظرات دیگر مراجع عظام نیز در جراید منتشر شده است، که به عنوان مثال می‌توان به

سؤال یازدهم - بسیاری از شرکت‌های مورد بحث مدعی هستند بخشی از درآمدشان را صرف مؤسّسات خیریه و افراد نیازمند می‌کنند. آیا این کار باعث جواز فعالیت آنها نمی‌شود؟

جواب: این سؤال ما را به یاد دزدی انداخت که به سرقت اموال مردم می‌پرداخت، و سپس اموال مسروقه را به نیازمندان می‌داد! هنگامی که از او پرسیدند: چرا این کار را می‌کنی؟ در پاسخ گفت: طبق آیه ۱۶۰ سوره انعام، هر گناه و معصیتی فقط یک مجازات دارد، ولی برای هر کار خیر و حسنه‌ای ۱۰ برابر پاداش داده می‌شود. بنابراین، خداوند بخاطر سرقت، یک مجازات، و بخاطر صدقه و احسان به فقرا ده ثواب می‌دهد، که اگر این دو را از هم کسر کنیم، نه تنها مجازات نمی‌شوم، بلکه نه پاداش هم می‌گیرم!

به نظر شما آیا منطق این سارق درست بوده است؟ قطعاً پاسخ شما منفی است؛ زیرا خداوند به کار خیر ده برابر پاداش می‌دهد، و روشن است که احسان از مال دزدی کار خیر نیست، تا استحقاق پاداش داشته باشد. کمک‌های شرکت‌های مورد بحث به مؤسّسات خیریه (اگر واقعاً

→ انتشار نظر دو تن از مراجع تقلید در روزنامه قدس به تاریخ ۱۸ دی ماه ۱۳۷۹، و فتوای یکی دیگر از مراجع عظام در روزنامه اطلاعات و جمهوری اسلامی به تاریخ ۱۳۸۴/۲/۷، و روزنامه خراسان به تاریخ ۱۳۸۴/۳/۵، و تحت عنوان جمعی از مراجع تقلید در روزنامه قدس به تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۴، و روزنامه جمهوری اسلامی به تاریخ ۷/۲۶ و ۱۳۸۳/۱۲/۱۷، و روزنامه رسالت به تاریخ ۱۳۸۴/۳/۴، و نقل فتوای چهار تن از مراجع عالیقدر در روزنامه کیهان موزخ ۱۳۸۳/۶/۲۹ و ۱۳۸۴/۴/۲۴ اشاره کرد.

حقیقت داشته باشد) شبیه کار این سارق است. زیرا این شرکت‌ها اموال کلانی از طرق نامشروع از مردم می‌گیرند، و قسمت ناچیزی از آن را به مؤسّسات خیریه می‌دهند. این عمل هرگز باعث مشروعیت کار آنها نمی‌شود.

در سابق نیز مؤسّسات بخت‌آزمایی درصد قابل توجهی از درآمد خود را به مؤسّسات خیریه می‌دادند، در عین حال مراجع دینی آن را تحریم کردند.

سؤال دوازدهم - اگر فعالیت شرکت‌های مورد بحث اشکال شرعی و قانونی دارد، و برای اقتصاد کشور پیامدهای منفی به دنبال خواهد داشت، چرا سازمان‌ها و نهادهای مربوطه با این کار مخالفت نکرده، بلکه گفته می‌شود با آنها همکاری دارند؟

جواب: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بارها از رسانه‌های مختلف مردم را از آلوده شدن به این نوع فعالیت‌ها برحذر داشته، که نمونه‌هایی از هشدارهای این بانک در فصل دهم آمده است.^۱

۱. هیأت دولت در تاریخ ۱۳۸۱/۵/۱۲ فعالیت این شرکت‌ها را غیر قانونی اعلان نمود، و بانک مرکزی را موظف کرد هیچ‌گونه خدماتی به این شرکت‌ها عرضه نکند. بخشنامه مذکور در بخش اسناد آمده است. بانک مرکزی قبل از بخشنامه مذکور و پس از آن، به طور مکرر و گسترده مردم را از عضویت در چنین شرکت‌هایی برحذر داشت. که از جمله می‌توان به درج اطلاعات بانک مرکزی در روزنامه «جهان اقتصاد» به تاریخ ۱۳۸۱/۸/۹، و روزنامه‌های «جام جم»، «خراسان»، «قدس»، «سیاست روز»، «ابزار»، «کار و کارگر»، «خبر»، «همشهری»، «آشتی»، «انتخاب»، «صدای عدالت» و «هم‌بستگی» مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۴ اشاره کرد. تصویر اطلاعاتی بانک مذکور و بخشنامه‌ای که به بانک‌ها ارسال کرده، در بخش اسناد خواهد آمد.

مجلس شورای اسلامی نیز در تاریخ ۱۳۸۴/۳/۴ یک فوریت ممنوعیت بازاریابی شبکه‌ای و هر می را به تصویب رسانده، و ان شاء الله در آینده نزدیک قانون جامع و کاملی را به تصویب نهایی خواهد رساند.

قوة قضائیه و نیروی انتظامی در شهرها و استان‌های مختلف، و در پی شکایت مالباختگان دست به کار شده، و در مقاطع مختلف، اقدامات متعددی کرده^۱، و اکنون نیز در حال پیگیری می‌باشند.

اداره اطلاعات استان‌های مختلف نیز در این مبارزه سهم بسزایی داشته‌اند، که نمونه‌هایی از آن در مباحث قبل گذشت؛ بنابراین نهادهای

۱. بخشی از فعالیت‌های قوة قضائیه و نیروی انتظامی، در مبارزه با شرکت‌های مورد بحث به شرح زیر است:

الف) اعلان غیر قانونی بودن فعالیت آنان از رسانه‌های همگانی. ب) بستن سایت اینترنتی آنان. ج) تشکیل پرونده شکایت مالباختگان. د) هشدار به مردم که مبادا اسیر دام آنها شوند. ه) الزام شرکت‌های مذکور به جبران خسارت مالباختگان. و) کشف و ضبط مرسوله‌های غیر قانونی آنان. ز) توزیع کالاهای کشف شده در بین مالباختگان. ح) دستگیری تعدادی از سر شاخه‌ها. ط) تعقیب متهمان خارج از کشور با همکاری پلیس بین الملل (اینترنت). شرح فعالیت‌های مذکور را در روزنامه «آشتی» مورخ ۸۴/۱/۱۷، و «ابرار» مورخ ۸۳/۸/۱۷، و ۸۳/۹/۲۵ و «اطلاعات» مورخ ۸۳/۸/۲۱ و ۸۴/۲/۲۸، و «ایران» مورخ ۸۳/۷/۲ و ۸۳/۸/۳ و ۲ و ۸۳/۹/۲۹ و ۸۴/۳/۲، و «توسعه» مورخ ۸۳/۹/۱۰، و «خراسان» مورخ ۷۹/۱۰/۲۰، و «جوان» مورخ ۸۴/۴/۲۷، و «جمهوری اسلامی» مورخ ۱۶ و ۸۳/۷/۲۶ و ۸۳/۱۲/۱۷، و «رسالت» مورخ ۸۳/۸/۱۰، و «قدس» مورخ ۱۹ و ۷۹/۱۰/۲۴ و ۸۲/۲/۲۵ و ۸۴/۳/۵، و «کیهان» مورخ ۸۳/۷/۲ و ۸۲/۴/۲۵ و ۸۳/۷/۲۸، و ۵ و ۷ و ۹ و ۸۴/۳/۱۶، و «همشهری» مورخ ۸۳/۷/۲۷ مطالعه فرمایید.

مربوطه هر کدام در حوزه مسئولیت خود اقدام کرده‌اند. هر چند باید اعتراف کرد که این کار را دیر انجام داده‌اند.

فصل هفتم :

سوء استفاده‌ها، شگردها و خلاف‌گویی‌ها

شرکت‌های زنجیره‌ای فوق در آغاز، که با مانعی روبه‌رو نبودند، مطالب خود را با صراحت عنوان می‌کردند؛ ولی هنگامی که با فتاوی‌ای تحریم روبه‌رو شدند، برای دور زدن این فتاوا متوسل به سوء استفاده‌ها و شگردها و دروغ‌های فراوانی شدند، که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

الف) سوء استفاده‌ها

شرکت‌های کلاهبردار مورد بحث، برای رسیدن به پول بیشتر از امور مختلف سوء استفاده کرده‌اند، که تنها به چهار نمونه آن اشاره می‌کنیم:

۱- سوء استفاده از تصویر امام راحل (قدس سره)

«ضرب سکه‌ای با تصویر امام خمینی علیه السلام توسط مؤسسه و ضرابخانه

«بی اچ مایر» در سال گذشته، و قرار گرفتن این سکه در فهرست کالاهای گلدکوئست ترفندی برای جذب پتانسیل بالقوه در ایران است. بازاریاب‌ها و مبلغان گلدکوئست، ضرب چنین سکه‌ای را دلیلی برای توجیه این طرح در کشورمان اعلام می‌کنند. آنها با نشان دادن یک کپی از مجوز مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، که برای ضرابخانه آلمانی صادر شده، مدعی هستند فعالیت گلدکوئست در ایران تأیید شده، و هیچ قانونی ندارد.

یکی از کارشناسان مؤسسه تنظیم و نشر معتقد است که این افراد در واقع تنها بخشی از حقیقت، که مطابق میلشان است، را به متقاضیان خرید از گلدکوئست می‌گویند. اصل این ماجرا را قائم مقام هنری مؤسسه تنظیم و نشر آثار چنین تعریف می‌کند:

«مجوز ضرب سکه با تصویر حضرت امام علیه السلام برای مؤسسه «بی اچ مایر» در آلمان صادر شده است، که بیش از ۱۳۰ سال در تولید مسکوکات و مدال‌های یادبود سابقه دارد. در واقع پس از تقاضای آنها برای ضرب سکه‌ای با تصویر حضرت امام علیه السلام به منظور ارائه به کلکسیون داران دنیا، و بعد از این که وزارت امور خارجه هویت چنین مؤسسه‌ای را تأیید کرد، ما بر اساس ضوابط فرهنگی خودمان عمل کردیم، و به آنها گفتیم که آنچه بر روی سکه حک می‌شود، و در معرفی این سکه بیان می‌گردد، باید دقیقاً منطبق با خواست و نظر ما باشد. همین اتفاق هم افتاد». (و این مؤسسه هیچ ارتباطی با گلدکوئست و

مانند آن نداشت).

وی می‌افزاید: «با توجه به اهمیّت بُعد الهی و معنوی شخصیت حضرت امام علیه السلام تصویری از ایشان را انتخاب کردیم، که در حال قنوت هستند. جمله «عالم محضر خداست» که یکی از فرمایشات معروف ایشان است نیز در قسمت بالای سکه حک شد. در قسمت پایین هم عبارت «امام خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران» حک شده است. پشت سکه مشخصات «بانک مرکزی سومالی ریپابلیک» درج شده، که در واقع ارزش این سکه را پشتیبانی می‌کند».

تا این جای ماجرا همه چیز بدون اشکال، و قانونی به نظر می‌رسد؛ اما این فقط یک روی سکه است. روی دیگر سکه حقیقتی دیگر نهفته است، گلدکوئستی‌ها از این سکه سوء استفاده کرده‌اند. آنها بدون بیان اهداف مؤسسه تنظیم و نشر آثار، و بدون هیچ اشاره‌ای به موارد مندرج در مجوز صادر شده از سوی این مؤسسه، که فقط بر بُعد فرهنگی چنین اقدامی تأکید شده، از بازاریاب‌ها می‌خواهند تا این مجوز را دلیل قانونی بودن فعالیت‌شان در ایران بیان کنند. اخبار شنیده شده حکایت از آن دارد که پی‌گیری و بررسی این موضوع هم در دستور کار مسئولان قضایی قرار گرفته است.^۱

مدیر روابط عمومی دادسرای انقلاب تهران، در مورد شایعه ارائه مجوز از سوی دفتر حفظ و نشر آثار و ارزش‌های حضرت امام علیه السلام به

۱. کیهان، مورخ ۱۳۸۳/۷/۳۰.

شرکت گلدکوئست، پیرامون ضرب سگه امام در برخی محصولات این شرکت، گفت:

«این مؤسسه تاکنون هیچ مجوزی جهت این کار صادر ننموده، و حتی اعتراض نیز کرده است».

وی در ادامه اظهار داشت: «شرکت گلدکوئست تاکنون سه بار از دفتر حفظ نشر آثار تقاضای مجوز کرده، که هر سه بار با مخالفت این دفتر مواجه شده است. وی خاطر نشان کرد: شرکت مزبور در سایت خود مدعی شده که دارای مجوز جهت ضرب سگه حضرت امام بر برخی از محصولات خود از سوی دفتر نشر آثار است، که حتی مسئول این دفتر به عنوان شاکی و به علت این که از مهر ایشان سوء استفاده شده، از این شرکت اعلام شکایت کرده است. وی اتهام شرکت گلدکوئست را اختلال در نظام اقتصادی کشور عنوان کرد».^۱

۲- جعل مهر و امضای مراجع تقلید!

«گلدکوئستی‌ها دست از تقلب بر نمی‌دارند. ما امروز با مدارکی که در دست داریم، می‌توانیم اعلام کنیم که همه مراجع عالیقدر تقلید، درآمد عاید از گلدکوئست را حرام اعلام کرده‌اند. اما گلدکوئستی هنوز هم از ساده لوحی افراد بسیاری سوء استفاده کرده، و مدعی می‌شوند که بعضی از مراجع عالی قدر کسب این درآمدها را مجاز دانسته‌اند. یکی

۱. ابرار، موزخ ۱۳۸۳/۸/۶.

از مخاطبان روزنامه در نامه‌ای به ما نوشته است:

«در جلسه عضوگیری گلدکوئست، راهنما (لیدر) با نشان دادن استفتایی از آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مدّ ظلّه) مدّعی بود که ایشان درآمد عاید از گلدکوئست را بدون اشکال دانسته است!^۱ از آن جا که مهر ایشان را می‌شناختم، برگه استفتاء و امضای ایشان را به دقت بررسی کردم. در ابتدا همه چیز به نظرم درست آمد، اما به وسیله دوستی خبردار شدم که فتوای صریح ایشان قبلاً در روزنامه کیهان چاپ شده است.

به همین بهانه به دفتر آن مرجع عالی قدر در قم رفتم، و یک کپی از آن استفتاء را نشان دادم. همان جا دریافتم که عوامل گلدکوئست برای سوء استفاده از باورهای مذهبی مردم، به جعل مهر و امضای این مرجع عالی قدر و بزرگ اقدام کرده‌اند».

مهر و امضای مراجع دیگری نیز توسط گلدکوئیستی‌ها جعل شده است. آنها به دروغ اعلام می‌کنند که هیچ منع شرعی برای فعالیتشان وجود ندارد. انگیزه گلدکوئیستی‌ها از این دروغ‌گویی بزرگ قابل درک است، اما چرا افرادی که قصد عضویت و سرمایه‌گذاری در این گونه شبکه‌ها را دارند، زحمت یک تماس تلفنی با دفتر آیات عظام و مراجع عالی قدر را به خود نمی‌دهند، تا از صحّت و سقم ادّعای بازاریاب‌های شرکت‌های مورد بحث آگاه شوند؟^۲

۱. استفتاء جعلی مذکور، و تکذیبیه آن در بخش اسناد آمده است.

۲. کیهان، مورخ ۱۳۸۳/۷/۳۰.

شاید این کار به دلیل این بود که معظم له بیش از همه روی تحریم این مؤسّسات پافشاری داشت.^۱ به علاوه، فعالیت گلدکوئست ابتدا از استان فارس شروع شد^۲، و چون مقلدان معظم له در این استان زیاد بودند، خواستند از نام ایشان سوء استفاده کنند.

۳- تفسیر غلط از فتاوی برخی از مراجع تقلید

روزی پس از پایان جلسه استفتاء حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مدّ ظلّه)، به سمت مدرسه امام حسین علیه السلام حرکت کردم. در بین راه اطلاعاتی یکی از شرکت‌های داخلی، که به بازاریابی شبکه‌ای پرداخته بود، توجّه مرا جلب کرد. به عنوان نهی از منکر به مغازه‌ای که فرم شرکت مذکور را در معرض فروش قرار داده بود، رفتم. پس از سلام و عرض ادب و با زبان خوش توأم با ادب و احترام عرض کردم: فعالیت شرکت مذکور، و شرکت‌های مشابه داخلی و خارجی شرعاً و قانوناً حرام است، و از نظر قضایی پیگرد قانونی دارد.^۳

۱. به عنوان نمونه می‌توان به انتقاد معظم له از عدم برخورد جدی مسئولین با فعالیت‌های ناسالم مذکور، در روزنامه خراسان به تاریخ ۱۳۸۴/۱/۲۱ اشاره کرد.

۲. کیهان، مورخ ۱۳۸۳/۷/۲۹ و ۱۳۸۳/۴/۲۴.

۳. معاون اول دادستان کل کشور، در این زمینه سخن جالبی گفته است. وی می‌گوید: «افراد مذهبی که پایبند به موازین شرع هستند باید بدانند که این عمل، عملی نامشروع

مغازه‌دار، که جوان خوش برخوردی بود، گفت: «ما از برخی از مراجع تقلید استفتایی در دست داریم که این کار را اجازه داده‌اند!» پرسیدم: کدام یک از مراجع عالی‌قدر تقلید اجازه داده‌اند؟ گفت: یکی از آنان حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مدّ ظلّه) است!

با تعجب نمونه‌ای از استفتاء مورد بحث را طلب کردم. ایشان یک نسخه از آن را در اختیار من گذاشت. وقتی آن را مطالعه کردم، متوجه شدم که استفتاء مورد اشاره، یکی دیگر از سوء استفاده‌های بازار یاب‌های شرکت‌های مرموز مورد بحث است، و هیچ ربطی به فعالیت بازار یابی‌های شبکه‌ای ندارد. استفتاء مورد نظر را عیناً نقل نموده، و قضاوت پیرامون آن را به عهده شما خوانندگان محترم می‌گذاریم:

بسمه تعالی

دفتر حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مدّ ظلّه)

با اهداء سلام و احترام

اگر کسی مالی را به کسی ببخشد، به شرط آن که دریافت‌کننده بخشش به عوض آن چیزی پرداخت کند، و یا کاری انجام دهد. (لطفاً بفرمایید:)

→ است. و آنها که پایبندی چندانی به میانی دینی ندارند هم باید آگاه باشند که منافع ملی کشور از این طریق ضربه می‌خورد. مردم باید بیدار باشند، و با عرق ملی خویش همواره پاسدار سرزمین و سرمایه‌های خود باشند». (کیهان، مورخ ۸۳/۴/۲۳).

الف) آیا می‌توان نام آن را هبه یا بخشش گذاشت؟

جواب: این کار هبه معوضه نام دارد.

ب) در صورتی که دریافت‌کننده بخشش، عوض آن را نپردازد، و به شرط خود عمل ننماید، آیا مال بخشیده شده قابل برگشت به بخشش‌کننده است؟

جواب: چنانچه موهوب له به شرط عمل نکند، واهب حق بازگشت در هبه را دارد.^۱

۴. نقل‌گزینشی فتوای امام راحل ره

در یکی از نامه‌های اعتراض‌آمیز به فتوای تحریم بازاریابی شبکه‌ای، نویسنده نامه به مسأله ۲۸۷۰ رساله امام خمینی ره استدلال کرده بود، تا فعالیت‌های مورد بحث را مجاز بشمارد. مسأله مورد اشاره، طبق آنچه ایشان نوشته بود، به شرح زیر است:

«اگر فرضاً یک شرکت یا مؤسسه پیدا شود، و برای اعانت به مؤسسات خیریه از قبیل بیمارستان یا مدارس اسلامی بلیط‌هایی منتشر کند، و مردم برای اعانت این مؤسسات مبلغی بدهند، و آن شرکت از مال خودش یا وجوهی که از انتشار بلیط به دست می‌آید با اجازه تمام پول دهندگان مبلغی به اشخاصی که قرعه به نام آنها بیرون می‌آید بدهد، مانع ندارد».

۱. تصویر استفتاء مذکور در بخش اسناد آمده است.

هنگامی که به رساله توضیح المسائل معظم له مراجعه کردم، متوجه شدم نویسنده نامه آن مقدار از مسأله را که امکان سوء استفاده از آن بوده نقل کرده، و از ذکر ذیل آن اجتناب ورزیده است. به ذیل مسأله توجه فرماید:

«لکن این مجرّد فرض است، و بلیط‌هایی که اکنون فروخته می‌شود، و قرعه‌کشی‌هایی که اکنون عمل می‌شود، به این نحو نیست، و پول بلیط و قرعه حرام است».

بنابراین، **اولاً:** ذیل مسأله که نویسنده مذکور نقل نکرده، پاسخ ایشان را می‌دهد.

ثانیاً: بر فرض که ذیل مسأله وجود نداشت، صدر مسأله که ایشان به آن استناد کرده، با کار آنها هماهنگی ندارد، زیرا اگر مشتریان بدانند پورسانتی نصیب آنها نمی‌شود، هرگز به دادن پول و شرکت در آن کار رضایت نخواهند داد.

نتیجه این که همان‌گونه که امام راحل رحمته‌الله در ذیل مسأله مورد بحث فرموده‌اند: «این مجرّد فرض است» و مصداق خارجی ندارد.

بعید نیست علت سوء استفاده‌های مذکور، این باشد که یکی از دلایل شکست طرح‌های مشابه گلدکوئست در گذشته، نظیر «پنتاگونو»، «تجارت الماس»، «پرایم بانک» مخالفت صریح مراجع عظام تقلید با این نوع فعالیت‌های نامشروع بوده است.^۱

ب) شگردها

۱- بسیاری از شرکت‌های خارجی، و به تعبیر صحیح‌تر بازاریاب‌های آنها، تبلیغ می‌کنند که مخالفت علماء و مراجع تقلید با فعالیت ما، مقطعی و کوتاه مدّت خواهد بود؛ زیرا بر اثر عدم اطلاع کافی از نحوه فعالیت این نوع شرکت‌هاست^۱، بدون شک پس از آن که اطلاعات کافی در اختیار آنها قرار گیرد موافقت خواهند کرد.

در حالی که این ادّعا در عمل معکوس شد، یعنی نه تنها فتوی مراجع عالی قدر تغییری نکرد، بلکه شرکت‌های مذکور یکی پس از دیگری همدیگر را تکذیب کرده، و عملکرد شرکت‌های قبلی را نامشروع دانستند!^۲

۲- برخی از شرکت‌های داخلی ضمن تکذیب همتهای خارجی خویش به خاطر خروج ارز از کشور، و با انتخاب نام‌های زیبا و مقدّس، دست به شگرد دیگری زدند. آنها در فرم‌های ارسالی خویش نوشتند: «ما در این کار با مراجع عظام مشورت کرده، و نظر مثبت آنها

۱. پاسخ این شبهه در بخش استفتائات آمده است.

۲. یکی از بازاریاب‌های گلدکوئست در پاسخ شخصی که گفته بود: «این که مثل پنتاگونوست!» می‌گوید: «این، هیچ ربطی به پنتاگونو ندارد، پنتاگونو همه‌اش شیادی بود.» (سروش جوان، شماره ۲۳، تیر ۱۳۸۱). نویسنده مقاله «روش‌های تجارت الکترونیکی پنتاگونو و کیم برلی»، ضمن نقد کار پنتاگونو و گلدکوئست، به تعریف و تمجید از «شرکت کیم برلی»، که در تجارت الماس فعالیت می‌کند، پرداخته است. در حالی که ماهیت و عملکرد همه آنها یکی است. (نشریه آسیا، مورخ ۸۱/۱۱/۶)

را جلب کرده‌ایم. شما هم برای اطمینان از مشروعیت کار، با مرجع تقلید خویش مشورت نموده، تا با اطمینان خاطر به این کار بپردازید». در حالی که تمام مراجع عظام، تا آنجا که ما اطلاع داریم، با این گونه فعالیت‌ها مخالفت کرده‌اند، ولی شرکت‌های مذکور با این شگرد به ذهن مشتری القاء می‌کنند که کار آنها مشروع است، و نیازی به پرسش و استفتاء نیست!

البته لازم به ذکر است که تعدادی از شرکت‌های داخلی نیز قبل از شروع فعالیت با مراجع خویش مشورت کرده، و هنگامی که متوجه عدم جواز چنین فعالیت‌هایی شدند، شروع به کار نکردند. همان‌گونه که برخی از شرکت‌هایی که شروع به کار کرده بودند، پس از اطلاع از نامشروع بودن کار خود، آن را متوقف نموده، و طی اطلاعیه‌ای در جراید کثیرالانتشار از مشتریان خود خواستند که طبق جدول زمانبندی شده به آنها مراجعه نموده، و وجه ارسالی خود را باز پس بگیرند. همانقدر که کار گروه اول زشت و ناپسند و مضمّن کننده است، کار گروه دوم و سوم در خور تحسین و تقدیر است.

۳- برخی از شرکت‌های خارجی - همان‌گونه که در فصل‌های پیشین گذشت - اعلان کردند که پورسانت‌ها سقف معینی دارد؛ مثلاً در هر هفته بیش از ۵۰۰۰ دلار پورسانت به هر عضو نمی‌دهند، هر چند در طول یک هفته تعداد فراوانی مشتری جذب نمایند، که پورسانت استحقاقی آنها بیش از ۵۰۰۰ دلار باشد! زیرا اگر از این سقف تجاوز

کنند، ممکن است ورشکست شوند!

این شگرد برای این بود که مشتری به فکر احتمال ضرر و دست نیافتن به مشتری و عضو جدید نیفتد، بلکه جذب اعضاء جدید را امری سهل و آسان و غیر قابل تردید بداند. در حالی که حقیقت به گونه‌ای دیگر است. یکی از کسانی که عضو یکی از شرکت‌های فوق شده بود، می‌گفت: «نه ماه طول کشید تا توانستم یک مشتری جذب کنم». مریم. ف، یکی از اعضای گلدکوئست، پس از توضیح چگونگی آشنایی اش با شرکت مذکور، می‌گوید:

«در همان ابتدا یکی از سگه‌های گران قیمت گلدکوئست را خریداری کرده، و شروع به فعالیت برای یافتن زیر شاخه، و افزایش آنها کردم، و کمتر به درسهایم پرداختم».

این دانشجو در ادامه می‌افزاید: «در نهایت تنها کسی که توانستم به زیر شاخه‌های خود اضافه کنم، دو نفر از اعضای خانواده‌ام بودند، که آنها نتوانستند زیر شاخه‌های خود را افزایش دهند. در نتیجه شاخه ما تعطیل شد».^۱

یکی دیگر از دانشجویان دانشگاه تهران نیز در این باره می‌گوید: «بعد از صحبت‌های دوستانم من هم عضو شبکه گلدکوئست شدم، اما تا مدت‌ها نتوانستم پولی به دست آورم، و این کار تنها وقت مرا می‌گرفت. در ادامه کار، پس از این که درآمد خوبی از این راه نداشتم از

۱. روزنامه خراسان، شماره ۱۶۱۱۲، مورخ ۱۳۸۴/۲/۸.

عضویت در این شبکه خارج شده، و سگه‌ای را که به مبلغ ۴۸۰ دلار خریداری کرده بودم، به قیمت ارزانی فروختم.^۱

۴- پورسانتی که می‌دهند، و تبلیغ زیاد و مانور فراوانی که روی آن می‌کنند، از دیگر شگردهای آنهاست. زیرا اولاً: بسیاری از آنها از ابتدای کار پورسانت نمی‌دهند، بلکه هنگامی که مشتریان به سقف معینی (حد اقل شش نفر) برسند پورسانت پرداخت می‌گردد. ثانیاً: سقف معین از مشتریان هم در شرایط خاص (مثل این که در هر سمت، مشتریان به صورت متعادل جذب شوند) باعث جلب پورسانت می‌گردد.

آنها با این شگردها، و شگردهای مشابه^۲، پول‌های کلانی از مشتریان می‌گیرند؛ که قسمت کمی از آن را به سرشاخه‌ها داده، و بقیه را به جیب می‌زنند.

ج) خلاف‌گویی‌ها

بسیاری از شرکت‌های مورد بحث «صداقت و راستگویی» را از جمله ارکان اصلی کار خویش اعلان کرده، و در بروشورهای تبلیغاتی

۱. روزنامه خراسان، شماره ۱۶۱۱۲، مورخ ۱۳۸۴/۲/۸.

۲. از جمله می‌توان به شگرد پیشنهاد جبران خسارت برای از دست ندادن بازار پر سود ایران!، تغییر در روش پرداخت پورسانت پس از روشنگری مطبوعات و احساس خطر از دست دادن بازار ایران، ثبت شرکت‌ها تحت عناوین کلی فعالیت‌های بازرگانی و رایانه‌ای، و به کارگیری آن در فعالیت‌های ناسالم اقتصادی، و مانند آن اشاره کرد.

خود روی آن مانور داده‌اند. در حالی که مطالعهٔ پروندهٔ اعمال آنها خلاف آن را ثابت می‌کند، و البته این یک امر طبیعی و غیر قابل اجتناب است؛ زیرا کلاهبرداری، اکل مال به باطل، قمار، و بخت آزمایی، با صداقت و راستگویی همخوانی ندارد. به چند نمونه از این خلاف‌گویی‌ها توجه کنید.

۱- مراجع تقلید فعالیت ما را تأیید کرده‌اند!

آنها در این دروغ بزرگ و آشکار آن قدر جسارت به خرج داده، که برای صحیح جلوه دادن آن دست به کار زشت دیگری زده، و با جعل مهر و امضای برخی از مراجع تقلید^۱ تأییدیه‌ای دروغین برای خویش دست و پا کردند، که شرح این مطلب در بحث سوء استفاده‌ها گذشت. در حالی که همانطور که در مباحث پیشین گذشت، و در فصل دهم نیز خواهد آمد، مراجع بزرگوار تقلید فعالیت‌های مذکور را تحریم کرده‌اند.

۲- این فعالیت‌ها در دراز مدت به نفع کشور خواهد بود!

اما به نفع کدام کشور؟ بدون شک به نفع کشورهای متبوع شرکت‌های کلاهبردار بازاریابی شبکه‌ای است، چرا که بدون هزینه

۱. روزنامهٔ کیهان در مقالهٔ مبسوط و مستندی که در تاریخ ۸۳/۷/۳۰ منتشر کرد، پس از بیان داستان جعل مهر و امضای حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مد ظله) توسط گلدکوئستی‌ها می‌نویسد: «مهر و امضای مراجع دیگر نیز توسط آنها جعل شده است، آنها به دروغ اعلام می‌کنند که هیچ منع شرعی برای فعالیتشان وجود ندارد!».

کردن سرمایه قابل توجهی، ارز کشورهای دیگر را در سطح وسیع و گسترده غارت می‌کنند، و به صورت علنی و آشکار دست به سرقت ذخیره ملل جهان سوم می‌زنند.

رئیس حوزه چهار قضایی مشهد، که در خصوص یکی از شرکت‌های مورد بحث تحقیق کرده، می‌نویسد: این شرکت با تشکیل یک گردونه سیار و به ظاهر اقتصادی، متأسفانه چیزی جز ثروت و سود بادآورده برای عده‌ای خاص بدون آن که ذره‌ای ارزش افزوده، و یا تولید داخلی داشته باشد، ندارد. و نیز موجبات خروج غیر مجاز میلیون‌ها دلار ارز اقتصاد کشور را فراهم می‌کند، و ضربات مهلکی بر پیکره اقتصادی کشور وارد می‌نماید.^۱

شرکت‌های دروغگوی مورد بحث، علاوه بر مسأله خروج ارز، و مشکلات اقتصادی دیگر، تبعات دیگری نیز به دنبال دارد، که در فصل بعد به آن خواهیم پرداخت.

۳- تضمین می‌دهیم که بازاریابی‌ها بدون اشباع باشد!

انسان با شنیدن این دروغ آشکار به یاد ضرب المثل معروف «دم خروس را باور کنم، یا قسم حضرت عباس را» می‌افتد. راستی ادعای شما را بپذیریم، یا سیل مالباختگانی که جهت شکایت به قوه قضائیه سرازیر شده‌اند.

جالب این‌که در این خصوص، دم خروس به قدری واضح و آشکار

۱. روزنامه قدس، شماره ۳۷۲۴، مورخ ۱۳۷۹/۹/۱.

است که برخی از شرکت‌های صادق و راستگوی مورد بحث! برای این که از عواقب شکایت مالباختگان رهایی یابند، رسماً جهت جبران خسارت مالباختگان اعلان آمادگی کرده‌اند.

به خبری در این زمینه، که روزنامه رسالت در دهم آبان ۱۳۸۳ منتشر کرده، توجه کنید:

«شنیده شده که شرکت گلدکوئست از طریق دفتر مرکزی خود، که در کشور هنگ کنگ مستقر است، به مسئولان قضایی کشورمان پیشنهاد کرده حاضر است خسارات وارده بر دولت و مردم را جبران کند. گفتنی است شرکت فوق‌الذکر... سکه‌هایی را با تمثال حضرت امام علیه السلام ضرب، و به ۱۲۰ هزار نفر از مردم فروخت، که بعداً با شکایت مردم روبه رو شد. برخی از ارگان‌های اقتصادی دولت هم به خاطر فروش این سکه‌ها، و خروج مقادیر معتنابهی ارز از کشور، از این شرکت شکایت کردند، و دادستانی تهران توانست با طرح شکایتی حدود ۵۵۰ کیلو از سکه‌های ضرب شده از سوی آن شرکت را توقیف نماید».

و از آنجا که تعداد مالباختگان برخی از شرکت‌های مذکور نظیر گلدکوئست بسیار زیاد است، مسئولین قضایی ادامه فعالیت آنان را صرفاً جهت جبران خسارت مالباختگان مجاز دانسته، و به آنها هشدار داده که به هیچ عنوان حق جذب عضو جدید ندارند.^۱

۱. به روزنامه خراسان، شماره ۱۶۱۳۶، که در تاریخ ۸۴/۳/۵ منتشر شده، و نیز روزنامه

برای روشن‌تر شدن این دروغ بزرگ (بازاریابی بدون اشباع است) به مطلبی از روزنامه کیهان، مورخ ۱۳۸۳/۷/۳۰، توجه کنید:

«اگر زمان لازم برای جلب دو مشتری توسط هر خریدار را یک ماه در نظر بگیریم، تعداد نفرات دارنده سکه که در حال بازاریابی هستند ۴ هزار و ۶۹ برابر خواهد شد. حال اگر تعداد نفرات فعلی بازاریاب را در شکل بسیار خوش‌بینانه فقط ۲۵۰ هزار نفر در نظر بگیریم، تعداد نفرات درگیر در پایان سال یک میلیارد و ۲۴۰ میلیون نفر خواهد بود. البته سرعت جلب مشتری در شرایط فعلی می‌تواند به طور متوسط یک ماه باشد، و هر چه از رشد مثلث بگذرد و نرخ رشد کاسته می‌شود، ولی در نهایت پس از مدتی توقف حتمی است. البته در صورتی که نرخ رشد بسیار کم شود برای خریدار با توقف تفاوتی ندارد، چون برای دریافت جایزه از شرکت در هر مرحله باید سه نفر در سمت راست و سه نفر در شاخه چپ او اضافه شوند. در کندترین سرعت متصور اگر زمان لازم برای کسب دو مشتری توسط هر بازاریاب فعلی را شش ماه بگیریم، با توجه به جمعیت ۷۰ میلیونی ایران، و تخمین ۳۰ میلیونی افراد حاضر به خرید که آمادگی ذهنی و مالی دارند و چهار برابر شدن سالیانه بازاریاب‌ها، با این نرخ رشد در کمتر از چهار سال شاهد توقف سیستم خواهیم بود.»

آنچه گذشت سه نمونه از خلاف‌گویی‌های آنها بود^۱، نمونه‌هایی نیز در فصل پرسش‌ها و پاسخ‌ها گذشت، و به نمونه‌های دیگری نیز در ضمن فصل آینده اشاره خواهد شد.

البته همانطور که گذشت سوء استفاده و فریب و دروغ از کسانی که فقط به دنبال سود بیشتر هستند، به هر قیمت و به هر وسیله، چیز بعیدی نیست.^۲ آنچه مورد تعجب است این که چرا برخی از هموطنان عزیز در دام آنها افتاده‌اند؟!

۱. روشن است که خلاف‌گویی‌های آنها بسیار فراوان است، از جمله می‌توان به دروغ‌های زیر اشاره کرد:

الف) با مقامات ایران به توافق رسیده‌ایم! ب) نام شرکت گلدکوئست به ثبت رسیده است! ج) بانکداران معروف جهان عضو شرکت ما هستند! د) ضرب سکه‌ها دستی است! ه) پلیس بین الملل بر کار ما نظارت دارد! که تمام اینها کذب و دروغ محض است.

۲. امیرعباس آشفته، کارشناس جامعه‌شناسی در این باره معتقد است: «گلدکوئستی‌ها برای ادامه حیات در ایران و جذب مشتریان تازه، چاره‌ای جز دورزدن موانع قانونی و شرعی و اخلاقی، برای چنین فعالیت‌هایی در ایران ندارند. باید اعتراف کنیم که شیوه‌های جدید آنها برای سوء استفاده از نظر علما و مجتهدان و سکه‌های یاد بود با تصویر حضرت امام علیه السلام آن قدر زیرکانه طراحی شده، که هنوز هم عده‌ای حک شدن تصویر امام بر چنین سکه‌هایی را دلیل مشروعیت فعالیت «گلدکوئست» در ایران می‌دانند» (در حالی که قبلاً گفتیم مؤسسه نشر آثار امام علیه السلام نسبت به این دروغ واکنش نشان داده، و از آنها به مراجع قانونی شکایت کرده است). (کیهان، مورخ ۱۳۸۳/۴/۲۴)

فصل هشتم :

زمینه‌ها و تبعات فعالیت‌های ناسالم مورد بحث

هر چند مبارزه با مظاهر و مصادیق جرم امری لازم و اجتناب‌ناپذیر است، (و در مورد شرکت‌های مزبور در این زمینه نیز تاکنون کوتاهی شده، هر چند کارهای انجام شده نیز چشمگیر بوده است)، ولی بدون شک این کار کافی نیست، و برای ریشه کن کردن جرم، باید ریشه‌های آن را شناسایی کرد، و نوک پیکان مبارزه را به آن سمت نشانه گرفت، تا زمینه‌ها و بسترهای جرم از بین برود. از سوی دیگر، جهت مقابله جدی و فراگیر با هر جرمی، ابتدا باید به درستی آن را شناسایی کرد، سپس بطور دقیق و بدون پیشداوری تبعات آن را از جهات مختلف تحت مطالعه قرار داد، و در مرحله سوم با استفاده از راهکارهای مختلف، که کمترین هزینه و تبعات منفی را به دنبال داشته باشد، به مقابله با آن جرم پرداخت.

با توجه به این مقدمه، به سراغ زمینه‌ها و بسترهای فعالیت

شرکت‌های بازاریابی شبکه‌ای ناسالم رفته، سپس تبعات منفی و مفاسد اقتصادی و اجتماعی آن را، به امید خدا و به طور خلاصه، بررسی خواهیم کرد.

الف) بسترها و زمینه‌ها

رواج فعالیت شبکه‌های بازاریابی در کشور ما، و چشم طمع‌ی که صاحبان آن شرکت‌های کلاهبردار به سرمایه‌های این مردم دوخته‌اند، بخاطر وجود زمینه‌های این گونه فعالیت‌ها در این کشور است، که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- معضل بیکاری

بی‌شک بیکاری یک معضل جهانی است، که بیشتر کشورهای دنیا را رنج می‌دهد. و این، ارمان ماشین‌ی شدن زندگی امروز ماست. کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد، و تعداد افراد بیکار آن متأسفانه کم نیست. بیکاری مفاسد و تبعات منفی متعددی دارد، و می‌تواند بستر جرم‌های مختلفی قرار گیرد، و بدون شک یکی از مهم‌ترین زمینه‌های فعالیت‌های شرکت‌های استعماری مورد بحث، بیکاری است. این، فقط ادعای ما نیست، بلکه جمعی از کارشناسان نیز با ما در این عقیده همراهند. به چند نمونه آن توجه کنید:

الف) یک جامعه شناس، که پیرامون فعالیت‌های ناسالم مورد بحث اظهار نظر می‌کرد، گفت: «معمولاً برخی از افراد در خارج کشور که

نسبت به بیکاری و شرایط خاص کشورهای جهان سوم اطلاع دارند، اقدام به ترویج چنین شیوه‌هایی نابهنجار می‌کنند.^۱

ب) نایب دبیر مجمع صنفی دانشگاه‌های تهران، اشتغال‌زایی کم از طرف دولت برای دانش‌آموختگان و نخبگان کشور را دلیلی برای کشیده شدن آنها به سمت این گونه سیستم‌های بازاریابی غیر علمی عنوان کرد.^۲

ج) چگونگی پولدار شدن دغدغه عمومی است به خصوص برای افرادی که مشکلات مالی روزمره‌گریانشان را گرفته باشد. در این میان جوانان به واسطه بیکاری و نداشتن آینده‌ای روشن و حتی ناتوانی در کسب درآمدی اندک برای تأمین هزینه‌های ضروری خود، بهترین نقش را در بازی‌های ساخته و پرداخته کلاهبرداران و تروریست‌های اقتصادی ایفا می‌نمایند.^۳

د) وقتی تورّم همراه رکود بیاید، و بر آمار بیکاری روز به روز افزوده شود، و سکون جامعه را خسته و دلزده کند، و درست در همین اوضاع و احوال کسانی با استفاده از رانت‌ها، یک شبه به ثروت‌های بادآورده برسند، رؤیایپرداز شدن مردم، و استقبال آنان از طرح‌های (خیالی و موهوم) «گلدکوئست» و «ای.بی.ال» عجیب نیست.^۴

۱. روزنامه قدس، شماره ۳۷۲۲، مورخ ۱۳۷۹/۸/۲۹.

۲. روزنامه جوان، شماره ۱۷۹۲، مورخ ۱۳۸۴/۴/۲۷.

۳. روزنامه کیهان، مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۲۴.

۴. روزنامه رسالت، مورخ ۱۳۸۴/۳/۵.

آری بیکاری یکی از بسترهای این‌گونه فعالیت‌های ناسالم اقتصادی است؛ و بر مسئولین لازم است برای حلّ این معضل عمومی فکری اساسی کنند. البته این، کار آسانی نیست؛ ولی بدون شک غیر ممکن نیز نمی‌باشد.

۲. مشکلات اقتصادی

اقتصاد ایران اسلامی در زمان طاغوت شدیداً بیمار بود. زیرا اولاً: به شدت متکی بر درآمدهای نفتی بود، و ثانیاً: عمده فعالیت آن واردات کالا و خدمات از کشورهای دیگر، مخصوصاً کشورهای سلطه‌جو بود و ثالثاً: به طور کامل وابسته به خارج، به ویژه کشورهای غربی بود.

با گذشتن ربع قرن از انقلاب اسلامی قسمتی از بیماری اقتصاد بحمدالله برطرف شد، اما عوارض دیگری که عمدتاً ناخواسته و خارج از اختیار بود، از ناحیه هشت سال جنگ بر آن تحمیل گشت. بنابراین، اقتصاد ما هنوز سلامتی کامل خود را به دست نیاورده، و روشن است که چنین اقتصادی عوارض و پیامدهای متعددی به دنبال خواهد داشت، که معضل بیکاری - که در بحث قبل گذشت - یکی از آنهاست. کارشناسان معتقدند اقتصاد ناسالم زمینه‌ساز و بستر مناسبی برای فعالیت‌های ناسالم اقتصادی دیگر است.

نایب دبیر مجمع صنفی دانشگاه‌های تهران، با بیان این که این

سیستم (بازاریابی شبکه‌ای) در کشورهایمانند ایران که اقتصاد بیمارگونه‌ای دارند رسوخ نموده، تصریح کرد:

«این گونه سیستم‌ها در کشورهایمانند ایتالیا یا انگلستان (محلّ تولّد برخی از شرکت‌های مورد بحث) که مدیران ارزان قیمت آن! در سال حدود ۳۲۰ هزار دلار حقوق می‌گیرد جواب نمی‌دهد؛ چرا که گلدکوئست در حالت ایده آل سالانه حدود ۲۶۰ هزار دلار سوددهی خواهد داشت!»^۱

یکی از کارشناسان علوم رایانه‌ای در این زمینه گفت:

«اقتصاد کشور از نظر ایجاد عدالت، توازن ندارد، و افراد جامعه با انگیزه پولدار شدن جذب این شرکت‌ها می‌شوند». وی در ادامه افزود: «شرکت‌های اینترنتی، که تعداد آنها کم نیست، و امروزه کاربران اینترنتی به سادگی امکان برقراری ارتباط با آنها را دارند، قطعاً در کشورهای پیشرفته و صنعتی موفقیتی کسب نمی‌کنند. بنابراین، با وعده‌های کاذب در کشورهای در حال توسعه به فریب مردم می‌پردازند، و سودهای بسیاری عائد خود می‌کنند!»^۲

نتیجه این که وضع اقتصادی فعلی از دیگر زمینه‌های فعالیت بازاریابی شبکه‌ای است، که سالها پیش در کشورهای پیشرفته منسوخ شده است.

بنابراین، برای جلوگیری از چنین فعالیت‌های ناسالمی، اگر

۱. روزنامه جوان، شماره ۱۷۹۲، مورخ ۱۳۸۴/۴/۲۷.

۲. روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۸۳/۷/۲۶.

بخواهیم کار اساسی و ریشه‌داری انجام دهیم باید به علاج مشکلات اقتصادی پردازیم. که البته این کار نیازمند یک عزم عمومی و بسیج تمام امکانات است.

۳- فقدان برنامه‌ریزی همه جانبه

یکی از مسئولین دانشگاه تهران با ابراز نگرانی نسبت به شیوع سیستم‌های هرمی (گلدکوئست و مانند آن) در دانشگاه‌ها، به ویژه خوابگاه‌های دانشجویی، به خبرگزاری ایسنا گفت:

«متصور نبودن آینده کاری، وضعیت اقتصادی پائین نخبگان دانشجویی، هزینه‌های بسیار بالای زندگی شهرهای بزرگ برای دانشجویان خوابگاهی، استفاده نکردن از پتانسیل‌های دانشجویی در طرح‌های بزرگ ملی در ابعاد مختلف، و فضای ضعیف علمی، پژوهشی در دانشگاه‌ها باعث شده تا عده‌ای از دانشجویان از اصالت علمی، فرهنگی خود فاصله گرفته، و به امید سراب زندگی بی دغدغه از سوی سران این سیستم‌ها، تمام وقت و توان خود را در این راه صرف کنند»^۱.

اگر مسئولین امر، با تلاشی مضاعف، و اجتناب از ورود به برخی نزاع‌های حزبی و سیاسی بی حاصل، و مطالعه وسیع و گسترده، به حل این معضلات می‌پرداختند، اکنون شاهد سیل عظیمی از دانشجویانی

۱. روزنامه جوان، شماره ۱۷۹۲، مورخ ۱۳۸۴/۴/۲۷.

که در دام این مؤسّسات ناسالم گرفتار شده‌اند، نبودیم.

۴. ناآگاهی و بی‌خبری

بی‌شک یکی از زمینه‌ها و بسترهای تمام جرائم اجتماعی عدم آگاهی عدّه‌ای نسبت به اصل جرم، یا مجازات آن، یا پیامدهای منفی و نابهنجار آن است. بدین جهت آنان که از این امور آگاهی دارند کمتر آلوده جرم و گناه می‌شوند. و به همین جهت بازاریاب‌های شرکت‌های کلاهبردار مورد بحث، معمولاً به سراغ کسانی می‌روند که آگاهی چندانی از آنچه گفته شد، ندارند.

۵. ضعف ایمان و دنیاطلبی

کم و بیش افرادی یافت می‌شوند که نه دغدغه بیکاری دارند، و نه نسبت به فعالیت شرکت‌های مورد بحث ناآگاهند، و نه از پیامدهای منفی آن بی‌اطلاع؛ اما در عین حال اسیر دام بازاریاب‌های این مؤسّسات می‌شوند. علّت اصلی گرفتاری آنان، و آلودگی آنها به چنین اعمال خلافی، طمع رسیدن به سود کلان، و دست یافتن به زندگی آسان و مرفّه و بدون زحمت می‌باشد.

چنین افرادی اگر پایه‌های ایمان خویش را قوی‌تر کنند، و به آثار نامطلوب ثروت‌های بادآورده نامشروع دقّت بیشتری نمایند، و در آثار وضعی لقمه حرام و سلب برکات از خانه‌های آلوده به آن تأمل

افزونتری کنند، مخصوصاً در این جمله سرور و سالار شهیدان خطاب به سپاهیان یزیدی در صبح روز عاشورا، که یکی از علل نگون‌بختی آنان را در مقابله با فرزند پیامبر ﷺ ملامال بودن شکم‌های آنان از لقمه‌های حرام عنوان نمودند، اندیشه و تفکر بیشتری کنند، بدون شک بیدار می‌شوند، و برای رهایی از چنگال این کلاهبرداران پول پرست تلاش می‌کنند.

بنابراین، ضعف ایمان و دنیاطلبی و حرص، از دیگر زمینه‌ها و بسترهای وقوع این خطای بزرگ اجتماعی است، و متولیان امور دینی و فرهنگی باید برای زدودن آن تلاش بیشتری کنند. عوامل دیگری نیز در این انحراف و فساد اقتصادی مؤثر است^۱، که برای رعایت اختصار از ذکر آن چشم می‌پوشیم.

ب) تبعات و پیامدهای منفی

در مباحث گذشته به برخی از عوارض منفی و پیامدهای نامطلوب بازاریابی شبکه‌ای اجمالاً اشاره شد؛ و در این بحث به طور مستقل به عمده‌ترین آنها می‌پردازیم:

۱- احتمال بروز تنش‌های اجتماعی!

۱. به عواملی نظیر وجود سرمایه‌های سرگردان، محدود بودن زمینه‌های سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی، عدم وجود قانونی صریح و شفاف در ارتباط با برخورد سریع با این گونه شرکت‌ها، عدم اطلاع رسانی شفاف و به موقع، و مانند آن می‌توان اشاره کرد.

هنگامی که فعالیت شرکت‌های ناسالم مورد بحث گسترده شود، و بازار اشباع گردد، و سیل عظیم مشتریان رده‌های آخر نتوانند مشتری جدیدی جذب نمایند، و سرمایه خویش را از دست رفته ببینند، عکس العمل‌های متفاوتی از خود بروز می‌دهند، که قسمتی از آن قابل پیش‌بینی و پیشگیری نیست.

یک مقام مسئول در سیستم بانکی به خبرنگار قدس گفت: «زیان‌های این نوع شرکت‌ها بر پیکره اقتصاد را از دو بُعد باید بررسی کرد: در نگاه اول شکل آشکار قضیه یعنی خروج ارز است (که در بحث آینده به آن خواهیم پرداخت).

وی در ادامه می‌گوید: این تجارت پر سود و بی صدا، پیامد پنهان دیگری نیز به دنبال دارد. در حال حاضر ۲ میلیون جوان در کشور ما از بیکاری رنج می‌برند، چنانچه توجه آنان به این سمت کشیده شود، معلوم است که چه فاجعه‌ای به دنبال خواهد داشت»^۱.

قدس در همان شماره، به نقل از یک جامعه‌شناس، آورده است: «اگر نوجوان و جوان بیکار، که با هزار مشکل سرمایه‌ای را برای عضویت در این شرکت‌ها فراهم کرده، با شکست مواجه شود، برای جبران آن ممکن است دست به هر کاری بزند».

بنابراین، بعید نیست هدف گردانندگان اصلی شرکت‌های مورد بحث، علاوه بر غارت اموال و سرمایه مردم، ایجاد تنش و آشوب‌های

۱. روزنامه قدس، شماره ۳۷۲۲، مورخ ۱۳۷۹/۸/۲۹.

اجتماعی نیز باشد، و در واقع تخریب در جهات مختلف است.

۲- آسیب‌های جبران‌ناپذیر اقتصادی

بر هیچ انسان عاقل و اندیشمندی مضرات فراوان اقتصادی فعالیت شرکت‌های کلاهدردار مورد بحث، پنهان و مخفی نیست. لذا در این بحث، تنها به ذکر نقطه نظر چند نفر از کارشناسان قناعت می‌کنیم:

الف) اگر فرض کنیم این پدیده پیچیده و مشکوک هیچ گونه زبانی متوجه افراد نکند، حدّاقلّ ضررش این است که همه روزه مبالغ هنگفتی ارز از این طریق خارج شده، و بدون دردسر به جیب دیگران می‌رود.^۱

ب) یکی از صاحب نظران می‌گوید: «حدّاقل مشکلی که شرکت پتتاگونو (و شرکت‌های مشابه) برای کشور ایجاد می‌کند، خروج صدها هزار دلار ارز، و بلوکه سرمایه در دست عده‌ای خاص است». وی در ادامه اضافه می‌کند: «در حالی که ما با شبکه‌های قاچاق ارز در داخل کشور مبارزه می‌کنیم، و در مواردی حتی با دلار فروشان جزء نیز برخورد قضایی انجام می‌دهیم، و سرمایه آنان ضبط می‌شود، چگونه است که در مقابل این پدیده، که حدّاقل روزی ده‌ها هزار دلار ارز را به خارج کشور می‌فرستد، برخورد نمی‌شود».^۲

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۱۹.

۲. روزنامه قدس، شماره ۳۷۲۲، مورخ ۱۳۷۹/۸/۲۹.

ج) دکتر رحیمی از اقتصاددانان کشور ابراز داشت: «در وضعیت کنونی اقتصاد در جامعه، خطرناکترین حربه اقتصادی اروپائیان خروج پول از مرزها می‌باشد».^۱

د) رئیس حوزه چهارقضایی مشهد، که در خصوص شرکت فیوچر استراتژی ایتالیا تحقیق می‌کند، می‌نویسد:

«این شرکت با تشکیل یک گردونه سیار و به ظاهر اقتصادی، که متأسفانه چیزی جز ثروت و سود بادآورده برای عده‌ای خاص بدون آن‌که ذره‌ای ارزش افزوده و یا تولید داخلی داشته باشد، نیست، موجبات خروج غیر مجاز میلیون‌ها دلار ارز گردش جاری اقتصاد در کشور را فراهم می‌کند، و ضربات مهلکی بر پیکره اقتصادی کشور وارد می‌نماید».^۲

ه) طراحان یک فوریت طرح ممنوعیت فعالیت شرکت‌های هرمی معتقدند: «این گونه فعالیت‌های ناسالم اقتصادی منشأ ضرر و زیان اقشار مختلف مردم می‌شود، و با روال غیر شرعی مبادرت به ارایه فعالیت‌های غیر تولیدی کرده، مقادیر هنگفتی از ثروت ملی کشور را به صورت ارز از ایران خارج می‌کنند، و زیان‌های جبران ناپذیری را به بدنه اقتصادی کشور وارد می‌سازند».^۳

۱. روزنامه قدس، شماره ۳۷۲۳، مورخ ۱۳۷۹/۸/۳۰.

۲. روزنامه قدس، شماره ۳۷۲۴، مورخ ۱۳۷۹/۹/۱.

۳. روزنامه خراسان، شماره ۱۶۱۳۶، مورخ ۱۳۸۴/۳/۵.

و) نایب دبیر مجمع صنفی دانشگاه‌های تهران، با بیان این که سیستم بازاریابی گلدکوئست در سال ۲۰۰۲ میلادی توسط یک دانشجو وارد ایران شد، و به سرعت رشد کرد، گفت: هم اکنون تنها در تهران نزدیک به ۳۰۰ هزار نفر عضو این شبکه هستند، و طبق آمار منتشره از سوی روابط عمومی دادسرای عمومی و انقلاب در مهر ۸۳، حدود ۸۴ میلیون دلار ارز از طریق این سیستم از کشور خارج شده است.^۱

ز) و بالاخره یک کارشناس دیگر گفت: «در سال‌های اخیر به سبب فعالیت شبکه‌های غیر قانونی، که اقدام به جمع‌آوری پول مردم کرده، و آنها را تشویق می‌کنند برای کسب سود، نفرت دیگری را وارد این سیستم کند، ۳/۵ میلیارد دلار ارز از کشور خارج شده است!»

گلچوئیان افزود: «ارز خارج شده از کشور به سبب فعالیت غیر قانونی این گونه شرکت‌ها در مقایسه با درآمد نفتی کشور از میزان بالایی برخوردار است، که این روند اقتصاد کشور را تهدید می‌کند!»

این کارشناس با بیان این که گسترش فعالیت این گونه شرکت‌ها معضلات بسیاری از جمله امنیتی، اقتصادی و قضایی برای کشور در پی خواهد داشت، افزود: «با توجه به غیر قانونی اعلان شدن، فعالیت‌های پیدا و پنهان این شرکت‌ها برای جذب اعضا، و در نتیجه

کسب پول بیشتر با شدت بالایی ادامه دارد».^۱

سؤال: بازاریاب‌های «نت ورک مارکتینگ» مدّعی اند:

«این جریان نه تنها موجب خروج ارز نمی‌شود، بلکه ارز هم وارد کشور می‌کند! زیرا هر چند در بدو امر با خرید محصولات این شرکت‌ها ارز از کشور خارج می‌گردد، اما پس از این که خریدار موفق به دریافت پورسانت‌هایش شود، ارز بیشتری نیز وارد کشور خواهد شد!»

جواب: نادرست بودن این ادّعا با یک حساب سرانگشتی مشخص می‌شود. چرا که پرداخت پورسانت به یک فرد تنها در صورتی امکان‌پذیر خواهد بود که تعداد مشخصی مشتری، و تحت شرایط معینی توسط آن فرد وارد شبکه شده، و از شرکت خرید نمایند. به این ترتیب، واضح است که مبلغ پورسانت، درصد کوچکی از میزان مبلغی است که توسط مشتریان جدید به شرکت پرداخت می‌شود.^۲ به عنوان مثال، اگر قیمت هر سکه ۸۶۰ دلار باشد، خریدار اولیه و شش نفری که توسط او معرفی شده‌اند، ۶۰۲۰ دلار به حساب شرکت واریز کرده‌اند، که اگر معادل $\frac{۱}{۳}$ مجموع پول واریز شده، برای آنها سکه طلا فرستاده شود، $\frac{۲}{۳}$ دیگر ۴۰۱۴ دلار می‌شود، که در قبال خروج این مقدار ارز، فقط ۲۵۰ دلار به عنوان پورسانت برای خریدار اولیه فرستاده شده است. و

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۱۷.

۲. روزنامه شرق، مورخ ۱۳۸۴/۴/۲۱.

چنانچه پورسانت مذکور را از $\frac{2}{3}$ ارزش واریز شده کسر کنیم، ۳۷۶۴ دلار بطور خالص ارزش خارج شده است!

این پیامد منفی بزرگ، با توجه به اظهارات کارشناسان فوق، به قدری واضح و روشن است که نیازی به توضیح بیشتر نیست.^۱

۳- بازماندن از فعالیت‌های سالم

در این مورد نیز در مباحث سابق اشاراتی داشتیم. بدین جهت، در اینجا و برای تکمیل بحث، به بیان نقطه نظرات تنی چند از صاحب

۱. گلدکوئستی‌ها با این استدلال که: «پول می‌دهیم، طلا می‌خریم» معتقد نیستند که فقط معادل یک سوم قیمتی که برای هر یک از تولیدات ضرابخانه «بی‌اچ‌مایر» به گلدکوئست می‌پردازند، طلا دریافت می‌کنند. آنها با این توجیه که سکه‌ها ارزش کلکسیونی دارد، و توسط بانک‌های معتبر پشتیبانی می‌شود، اصرار دارند تا اثبات کنند که معادل ارزی که از کشور خارج می‌شود، طلا وارد می‌کنند. برخی نیز توجیه جالب دیگری دارند؛ آنها می‌گویند: «مگر قیمت سکه‌های بهار آزادی، طرح جدید و قدیم، دقیقاً معادل ارزش وزنی طلای آنهاست؟» یکی از طلافروشان و طلاشناسان بازار بزرگ تهران در پاسخ به این سؤال می‌گوید: «میانگین ارزش وزنی طلای سکه‌های ایرانی حدود ۶۵ تا ۶۷ هزار تومان است، در حالی که مثلاً سکه طرح قدیم حدود ۹۵ هزار تومان قیمت دارد. این اختلاف قیمت ۳۰ هزار تومانی هم به دلیل پشتیبانی بانک مرکزی و ارزش اسمی این سکه‌هاست. یعنی همان دو مؤلفه که مورد نظر «توجیه‌گران گلدکوئست» است. اما اختلاف در اینجاست که سکه‌های رسمی و مورد تأیید بانک مرکزی اصلاً قابل مقایسه با آن سکه‌ها نیست. چراکه اولاً: تفاوت قیمت وزنی طلای این سکه با قیمت آن در بازار یک سوم کل قیمت است، در حالی که تفاوت وزنی سکه‌های گلدکوئست با قیمت آن در بازار، دو سوم کل قیمت است. و ثانیاً: سکه بهار آزادی، یا انواع دیگر سکه‌های طلای رایج، درست مثل پول نقد است. اما این سکه‌ها چنین نیستند، و فقط افراد خاصی ممکن است به احتمال ضعیف خریدار آن‌ها باشند.» (کیهان، مورخ ۱۳۸۳/۴/۲۴)

نظران قناعت می‌کنیم:

الف) یکی از مسئولین سابق دانشگاه صنعتی اصفهان با بیان این نکته که شیوع سیستم‌های هر می بازاریابی باعث شده تا دغدغه اصلی دانشجویان از درس خواندن به سمت این گونه شغل‌های کاذب تغییر جهت دهد، گفت: «دستیابی به درآمدهای زودرس و ناگهانی، و توقعات بالای دانشجویان برای اشتغال در شغل‌های پردرآمد، عامل گرایش آنان به سمت این گونه سیستم‌های بازاریابی کاذب و غیر علمی شده است».^۱

ب) یکی دیگر از مسئولین مجمع صنفی دانشگاه‌های تهران، با بیان این که امروزه نیروهای انسانی متخصص به اولین منابع و شاخص‌های توسعه در کشورها تبدیل شده‌اند، گفت:

«متأسفانه شیوع این سیستم در بین دانشجویان باعث درگیر شدن آنها در این سیستم و عدم بهره‌وری و به کارگیری تخصصی آنها در عرصه‌های علمی و تولیدی کشور شده، و خواهد بود».^۲

ج) یکی از کارشناسان مسائل اقتصادی اظهار داشت: «تبعات اجتماعی و فرهنگی، مانند بی‌انگیزه‌گی جوانان نسبت به کار و اشتغال، از آثار این گونه فعالیت‌های مخرب و غیر قانونی در کشور است».^۳

۱. روزنامه جوان، شماره ۱۷۹۲، مورخ ۱۳۸۴/۴/۲۷.

۲. روزنامه جوان، شماره ۱۷۹۲، مورخ ۱۳۸۴/۴/۲۷.

۳. روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۱۷.

۴- تضعیف روابط اخلاقی

سخنگوی قوه قضائیه گفت:

«اقدامات این افراد متقلبانه و مجرمانه، و باعث ایجاد اختلاف و نفرت در میان خانواده‌ها شده است».^۱

یکی از کارشناسان دانشگاه تهران شیوع گلدکوئست (و شرکت‌های مشابه) را در ایران گونه‌ای از فاجعه اقتصادی در کشور عنوان کرد و گفت: «در این عرصه بیش از آن که بازاریابی علمی صورت گیرد، نوعی جلب مشتری بر اساس نزدیکی روابط و عواطف موجود بین افراد انجام می‌شود، و باعث تبدیل کلیه روابط دوستانه قبلی، به روابط کاری کاذب می‌گردد».^۲

۵- افول روحیه عدالت‌طلبی و حق‌جویی

یکی از مسئولان مجمع صنفی دانشگاه‌های تهران گفت:

«سیستم‌های بازاریابی هر می مانند گلدکوئست نه تنها برای جامعه دانشگاهی، بلکه برای جریان فرهنگی جامعه ایران، یک سم مهلک است. چراکه اگر این فعالیت غیر علمی و غیر تولیدی فراگیر شود، ضمن این که مقادیر هنگفتی از ثروت کشور را به صورت ارز خارج می‌کند، و زیان‌های جبران ناپذیری را بر بدنه اقتصاد کشور وارد

۱. روزنامه کیهان، مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۲۴.

۲. روزنامه جوان، شماره ۱۷۹۲، مورخ ۱۳۸۴/۴/۲۷.

می‌نماید، می‌تواند زمینه‌های افول روحیه عدالت‌طلبی و حق‌جویی را در میان دانشجویان و کلیه اقشار جامعه به وجود آورد.^۱

۶- هدر رفتن سرمایه عمر

وقت طلاست، نباید بی‌جهت آن را از کف داد. هدر دادن وقت در حقیقت هدر دادن سرمایه با ارزش عمر انسان است، که قابل جبران نیست. و متأسفانه در این فعالیت‌های ناسالم اقتصادی براحتی از کف می‌رود، بی آن‌که چیزی عائد شده باشد!

دکتر سعیدی با اشاره به تبعات سوء اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی گلدکوئست (و شرکت‌های مشابه) اظهار داشت:

«حداًقل حجم ارزش پول که از ناحیه این قمار از کشور خارج می‌شود در هر سال بیش از یک میلیارد دلار است! و اعضای آن روزانه ۱۰ ساعت از بهترین اوقات زندگی خود را صرف عضوایی می‌کنند، که اگر ارزش ریالی هر ساعت را ۱۰۰۰ تومان فرض کنیم، سالانه حدود ۳۶ هزار میلیارد دلار وقت صرف این کار واهی می‌شود! که معادل آن می‌توان بهترین امکانات عمرانی، رفاهی، و درمانی را در کشور ایجاد کرد، و تحوّل عظیم به وجود آورد».^۲

مشغول کردن نیروهای انتظامی و قضایی به این امور و بازماندن

۱. روزنامه جوان، شماره ۱۷۹۲، مورخ ۱۳۸۴/۴/۲۷.

۲. روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۸۳/۷/۲۶.

آنها از کارهای ضروری‌تر، اشغال بخشی از وقت و نیروی متولیان امور فرهنگی، مخصوصاً مراجع عظام تقلید و حوزه‌های علمیه، و کاهش انگیزه تلاش و اعتماد اجتماعی، و خروج نقدینگی از چرخه فعالیت‌های مثبت اقتصادی با فعال شدن شرکت‌های مشابه داخلی، و اموری از این قبیل، از تبعات دیگر این فعالیت‌های کاذب اقتصادی است، که شرح آن در این مختصر نمی‌گنجد.

خداوند همه را از شر این آفت بزرگ اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی حفظ کند.

سخن آخر: مسؤلیت‌ها

با توجه به آنچه در مباحث قبل گذشت، که فعالیت شرکت‌های بازاریابی شبکه‌ای، اعم از خارجی و داخلی، به ادله فراوان از منظر شرع حرام است، و زیان‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی و سیاسی در پی دارد، و کمکی بزرگ به دشمنان اسلام محسوب می‌شود، و تبعات و عوارض منفی کوتاه مدت و بلند مدت آن غیر قابل اجتناب است، ضرورت مبارزه با آن بر هیچ کس مخفی نیست، لذا:

از دولتمردان محترم حکومت اسلامی انتظار می‌رود، به مراکزی که به نوعی با چنین شرکت‌هایی ممکن است ارتباطی پیدا کنند، دستور دهند که با آنها برخورد کرده، و از اموری که باعث تقویت آنان گردد خودداری ورزند.

و از نمایندگان محترم مردم در مجلس شورای اسلامی امید می‌رود که با تهیه قانونی جامع، مدوّن و فراگیر، چنین فعالیت‌هایی را ممنوع کرده، تا بسترهای آن برای آینده نیز از بین برود، و دوباره شاهد فعالیت شرکتی جدید، با نامی دیگر نباشیم.

و شایسته است قوّه قضائیه و قضات محترم، البته در چهارچوبه قوانین، با عوامل داخلی و خارجی این توطئه گسترده اقتصادی برخورد کرده، حقوق مال باختگان را از آنان بگیرند.

و مسئولین محترم اطلاعاتی کشور می‌توانند با جمع‌آوری اطلاعات از این گروه فاسد، به قوّه قضائیه، و نمایندگان محترم مجلس کمک شایانی کنند.

نقش نیروی محترم انتظامی نیز در مبارزه با این خطر، بسیار مهم است.

رسانه‌های جمعی، مخصوصاً صدا و سیما، نیز می‌توانند اطلاعات جامع و گسترده‌ای در اختیار مردم قرار داده، و بدین وسیله همگان را از خطرات و ضررهای این فعالیت‌های ناسالم آگاه سازند، تا از آلودگی بیشتر مردم جلوگیری شود.

ملت عزیز ما نیز می‌تواند با احیاء فریضه ارزشمند و حیات بخش امر به معروف و نهی از منکر، فریب خوردگان را از عوارض منفی و ضررهای فراوان اقتصادی و غیر اقتصادی چنین فعالیت‌های ناسالمی آگاه سازند، تا زمینه آلودگی برچیده شود.

و وظیفه شرعی سرشاخه‌ها، که به نام شروع بودن درآمد این گونه فعالیت‌ها پی برده‌اند، آن است که از ادامه فعالیت دست بردارند، و از پول‌های بادآورده معادل هزینه‌ای که کردند کسر نمایند، و بقیه را در صورت امکان به صاحبان اصلی آن، و در غیر این صورت به سایر مالباختگان که نه سگه‌ای دریافت نموده، و نه پورساتی گرفته‌اند (البته به مقدار هزینه‌ای که کرده‌اند) پرداخت نمایند. و برای این مقصود می‌توانند از قوه قضائیه، که پرونده تعدادی از مالباختگان را در اختیار دارد، کمک بگیرند. و چنانچه این کار هم ممکن نشد، به نیت صاحبان اصلی صدقه دهند. و هرگز این پول‌های حرام را در زندگی خود داخل نکنند، که برکت را از زندگی آنها بر می‌چیند.

و بالاخره چنانچه مالباختگان و قربانیان اصلی این شرکت‌ها، به شعب مخصوص دادگاههایی که برای رسیدگی به این گونه پرونده‌ها در نظر گرفته شده مراجعه نمایند، و تشکیل پرونده دهند، و مدارک مورد نیاز را ارائه کنند، می‌توانند به قوه قضائیه برای احقاق حقوقشان از یک سو، و توقّف این فعالیت‌های ناسالم از سوی دیگر، و مجازات عوامل این گونه شبکه‌ها، کمک کنند.

به امید آن روز که همه به وظیفه خود در برابر این مؤسسات ناسالم اقتصادی عمل کنیم، تا کشور ما از شرّ آن نجات یابد.

فصل نهم :

استفتائات

از آنجا که بازاریاب‌های برخی از شرکت‌های غارتگر مورد بحث، در تاریخ ۸۱/۱/۲۶ استفتاء مجعولی از حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی مدّ ظلّه منتشر نموده، و فتوکپی آن را به هر یک از متقاضیان، که از حکم شرعی فعالیت آن شرکت جو یا می‌شدا ارائه می‌دادند، و در این مسیر سوء استفاده زیادی کرده‌اند. و از سوی دیگر، به اعضای خویش القاء می‌کنند که مراجع تقلید اطلاع کاملی از فعالیت ما ندارند، و اگر از تمام جزئیات آن مطلع شوند مخالفت نمی‌کنند، و یا در این زمینه از اهل خیره و افراد مطلع استفاده نکرده‌اند، و لهذا این گونه فعالیت‌ها را تحریم نموده‌اند، بدین جهت از میان صدها سؤالی که از معظّم له در مورد مشروعیت شرکت‌های فوق مطرح شده، بیست نمونه انتخاب گردیده، که هر چند بعضی از آنها مفصل، یا در بدو نظر تکراری به نظر می‌رسد، ولی هر کدام نکته خاصی در بردارد، که بر اهل دقت پوشیده نیست.

ضمناً تاریخ پاسخ‌های معظم له نیز قید گردیده، تا روشن شود حداقل از سال ۱۳۷۸ تا کنون (حدود ۶ سال) ایشان با اطلاع و آگاهی کامل از چگونگی فعالیت شرکت‌های مذکور و جزئیات آن، هیچ یک از انواع شرکت‌های خارجی و داخلی را تأیید نکرده، و علاوه بر حرمت شرعی، آن را مضرّ به حال شرکت کننده در این چرخه اقتصادی ناسالم، و نیز مضرّ به کل اقتصاد کشور دانسته‌اند.

با عنایت به مقدمه فوق، از استفتائات مربوط به بخت‌آزمایی آغاز می‌کنیم (که با شرکت‌های زنجیره‌ای قدر مشترک روشنی دارند).

سؤال ۱- شرکت در اعانه ملّی، یا قرعه کشی‌هایی که در کشورهای خارجی انجام می‌شود (مثل بلیط بخت‌آزمایی که در سابق در ایران بود)، و غالباً افراد شرکت کننده با میل خود شرکت نموده، و پولی را پرداخت می‌نمایند، و بعضی افراد به پول‌های هنگفتی می‌رسند، چه حکمی دارد؟ و اگر کسی برنده شود، آیا استفاده از پول آن جایز است؟

جواب: بخت‌آزمایی و مانند آن حکم قمار دارد، و اگر کسی چنین

پولی گرفته، و صاحبان آن را نمی‌شناسد، به فقرای مسلمان بدهد.^۱

سؤال ۲- اخیراً بعضی از سازمان‌ها، اوراقی به عنوان «ارمغان بهزیستی» در معرض فروش گذاشته، و در آن اوراق چند سؤال بهداشتی مطرح نموده، که اگر خریدار اوراق به آنها پاسخ صحیح

۱. سؤال و جواب فوق، و همچنین سؤال و جواب بعد، در جلد دوم کتاب استفتائات جدید، سؤال ۷۲۸ و ۷۲۷ آمده، و چاپ اول کتاب مذکور در سال ۱۳۷۸ بوده است.

بدهد، به قید قرعه جوایزی دریافت می‌نماید، در غیر این صورت وجه پرداختی به نفع دولت ضبط می‌شود. بعضی از بنگاه‌های خصوصی نیز به همین عنوان، و با توجه به علاقه شدید جوانان به ورزش فوتبال، اوراقی در معرض فروش قرار داده، و از خریداران می‌خواهند که نتیجه مسابقات را پیشگویی نمایند، و به کسانی که صحیح‌ترین پاسخ را بدهند، جایزه نقدی اعطا می‌کنند. از آنجا که شرعاً شرط بندی منع گردیده، مگر در موارد خاص، آیا موارد مذکور که اولی با انگیزه آموزش بهداشت، و دومی به منظور تشویق جوانان، و توجه به ورزش، و گرم نگه داشتن بازار مسابقات ورزشی صورت می‌گیرد، از مصادیق «سَبَق» تلقی می‌گردد؟ یا به علت برنده شدن بعضی، و بازنده شدن دیگران، از مصادیق شرط بندی حرام است؟

جواب: این گونه کارها نوعی شرط بندی حرام است و جایز نیست؛ اما در مواردی مثل بهزیستی اگر نیت شرکت کنندگان کمک بلاعوض به این سازمان‌ها بوده، و نیت شرط بندی در آن نباشد، و جوایز آن صرفاً برای تشویق باشد حلال است؛ ولی آنچه فعلاً جریان دارد به این صورت نیست، و غالب شرکت کنندگان به شرط جایزه شرکت می‌کنند.

سؤال ۳- برگه‌هایی به نام ارمغان بهزیستی از طرف یک سازمان دولتی به مبلغ معینی به مردم فروخته می‌شود، که در برخی از آنها سؤال یا سؤالاتی مطرح شده است. کسانی که پاسخ صحیح بدهند، به قرعه کشی راه پیدا می‌کنند، و به اشخاصی که قرعه به نام آنها اصابت

کند، جوایزی می دهند. در آمد این برگه ها، طبق اظهار مسئولین امر، صرف امور خیریه می گردد، و خریداران این برگه ها سه دسته اند:

۱- کسانی که فقط برای شرکت در امور خیریه این برگه ها را می خرند.

۲- اشخاصی که فقط برای راه یافتن به قرعه کشی در این مسابقه شرکت می کنند.

۳- افرادی که چه قرعه به نامشان درآید و چه در نیاید، تفاوتی برای آنها نمی کند.

لطفاً حکم فروشنده، دست اندرکاران، و خریداران را بیان فرمایید. در ضمن همین شرکت برگه های دیگری را برای کمک به سیل زدگان به مبلغ ۱۰۰۰ تومان می فروشد، و در بین تمام خریداران قرعه کشی می کند. با این تفاوت که دیگر سؤالی مطرح نشده، بلکه تمامی کسانی که بخرند می توانند در قرعه کشی شرکت کنند. حکم این برگه ها چیست؟

جواب: همه اینها از قبیل بخت آزمایی های سابق است، و شرعاً جایز نیست؛ مگر این که همه افراد از قبیل گروه اول باشند؛ یعنی فقط به نیت کمک برگه ها را خریداری کنند. ولی امروز می دانیم غالب افراد چنین نیستند؛ بلکه بسیاری برای شرکت در قرعه کشی برگه ها را می خرند، و اگر بدانند که آنها را در قرعه کشی شرکت نداده اند، راضی نیستند. و صرف درآمد آن در امور خیریه، ماهیت مسأله را تغییر نمی دهد، و طرح

سؤال نیز تأثیری در حلّ این مشکل ندارد. امید است برای کمک به نیازمندان راه‌هایی انتخاب شود که با احکام شرعی، که مصلحت جامعه در آن است، سازگار باشد.

همیشه موفق باشید، ۱۳۷۸/۷/۲۴

سؤال ۴ - چندی است که از طریق اینترنت طرحی برای ثروتمند شدن به ایران آمده، که طرح فیوچر استراتژی یا پنتاگونو نام دارد، و حدود شش سال است در ۱۴۰ کشور جهان فعالیت می‌کند. و چون ایران حدود ۲ سال است از سیستم اینترنت برخوردار شده، به کشور ما نیز وارد شده است. و علاوه بر این، شرکت‌های مختلفی در سراسر دنیا مشابه این طرح را عرضه می‌کنند. و تا سال ۲۰۰۲ فقط کشور ایتالیا یک میلیون و دویست هزار شغل بر روی اینترنت خواهد فرستاد، که تماماً درآمد زا هستند. سرور گرامی! جای تعجب نیست، چرا که عصر کامپیوتر است، و چه بخواهیم و چه نخواهیم روز به روز تعداد بیشتری از این طرح‌ها به دنیا عرضه خواهد شد، و اگر ما طریقه مواجهه با این‌گونه مسائل را ندانیم، خصوصاً از لحاظ دین و شرع که اساس زندگی ما را در رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی تشکیل می‌دهد، در سال‌های آینده انبوه مسائل ما را غافلگیر خواهد کرد، لذا بر آن شدیم با توضیح طرح مذکور به طور خلاصه، از راه و روش بهره‌برداری مشروع و مثبت (خصوصاً امور خیریه، کمک به نیازمندان، فقرزدایی و...) این طرح، با شرایط خاصی که علمای اعلام مطرح می‌کنند، آگاه

شویم. (همانگونه که صنعت بیمه در ابتدای امر داخل در هیچ یک از عقود اسلامی نبود، اما مراجع عظام که همیشه دلیل و راهنما و روشنگران هدایت بوده‌اند، شرایطی را فراهم آوردند، که راهکار استفاده از این صنعت گردید).

اگر بخواهیم در طرح فیوچر عضو شویم می‌بایست ۹۶ هزار تومان هزینه نمایم؛ که ریز آن بدین شرح است:

۱- سی و دو هزار تومان جهت خرید برگه عضویت.
 ۲- سی و دو هزار تومان به حساب نفر صدر جدول (که توضیح آن می‌آید).

۳- سی و دو هزار تومان به حساب شرکت ایتالیایی.
 در مقابل این هزینه (ثمن) یک مثنی، و یک هدیه نقدی، و یک هدیه غیر نقدی، که در دراز مدت خریدار به آن می‌رسد، به شرح زیر به وی داده می‌شود:

۱- مثنی: کارت تخفیف اعتباری سوپرما، که یک سال اعتبار دارد، به همراه یک دیسک فشرده، که کلّ طرح شرکت در آن گنجانیده شده، به آدرس خریدار ارسال می‌گردد. این کارت مبلغ ۱۲۰۰ دلار تخفیف در خرید است، که در اکثر نقاط دنیا (بالغ بر ۱۴۰ کشور جهان) اعتبار دارد، و از بهترین و خوشنام‌ترین کارت‌های تخفیف در دنیا است. این مبلغ به پول ایران معادل ۹۰۰ هزار تومان تخفیف بالقوه است، که در صورت خرید از فروشگاه‌ها یا هتل‌ها و... طرف قرارداد با این شرکت، می‌توان از این تخفیف استفاده نمود.

۲- هبه نقدی: از آنجا که شرکت استفاده اصلی خود را از به کار بردن کارت اعتباری توسط مشتریان بدست می‌آورد، به عنوان هدیه بازاریابی پس از خرید کارت عضویت توسط خریدار سه عدد برگه عضویت که نام خریدار در ردیف هفتم جدول خریداران ثبت شده، به صورت رایگان برای خریدار ارسال می‌دارد، که او می‌تواند هر یک از این برگه‌ها را به قیمت سی و دو هزار تومان بفروشد.

۳- هدیه دراز مدت: خریدار که در سه برگه اولیه نامش در ردیف هفتم خریداران است، پس از فروش آن سه برگه و ارسال ۹ برگه برای خریداران مرحله دوم نامش در ردیف ششم جدول قرار می‌گیرد. و پس از فروش و تکرار همین عملیات در طی هفت مرحله (که به ترتیب مرحله اول ۳ نفر، مرحله دوم ۹ نفر، مرحله سوم ۲۷ نفر، مرحله چهارم ۷۱ نفر...) به سرگروهی جدول می‌رسد. در یک مرحله مبلغ سرگروهی (که در واقع از طرف شرکت هدیه شده) دریافت، و از جدول خریداران خارج می‌شود، و جای خود را به نفرات بعدی می‌دهد، که این مبلغ جمعاً ۸۷/۴۸۰ دلار است. با توجه به توضیحات بالا، لطفاً به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

- ۱- آیا این خرید و فروش برگه‌های مذکور اشکال دارد؟
- ۲- آیا دریافت هبه مشروط (به بازاریابی) جایز است؟
- ۳- چگونه و با چه شرایطی می‌توان از این طرح استفاده کرد، که مشروع باشد؟

جواب: طرحی را که نوشته‌اید تازه نیست، و سال‌ها قبل آن را به ما ارائه داده‌اند، و ما پاسخ آن را در همان زمان نوشتیم، و در کتاب استفتائات جدید جلد اول، صفحه ۱۵۰ به طور فشرده چاپ شده، و اخیراً دامنه آن گسترش پیدا کرده، و متأسفانه در بسیاری از شهرها، گروه‌هایی دانسته یا ندانسته، گرفتار آن شده‌اند.

حقیقت این است که این کار یک ریشه دارد، و یک مشت شاخ و برگ؛ ریشه اصلی آن در واقع یک نوع قمار است، و شاخ و برگ آن ممکن است امور خیریه باشد. و از همه بدتر این که قسمت اعظم پول آن به جیب شرکت‌های تشکیل دهنده، و خارجی‌ها یا ایادی آنها در داخل می‌ریزد، و یکی از طرق خطرناک ویران کردن اقتصاد کشورهاست. و به همین دلیل شنیده شده که شرکت ایتالیایی پدیدآورنده پنتاگونو به هیچ وجه مجاز نیست که در داخل آن کشور این کار را دنبال کند، ولی در خارج آن کشور مجاز است. دلیل آن روشن است، پول‌های عظیمی که به جیب آن شرکت یا کسانی که در صدر جدول‌ها قرار می‌گیرند ریخته می‌شود، نه از طریق تولید است، نه تجارت، و نه چاپ کردن اسکناس؛ بلکه در واقع متعلق به کسانی است که در رده‌های آخر قرار می‌گیرند، و جدول اشباع و متوقف می‌گردد. کلاه میلیون‌ها نفر برداشته می‌شود، و بر سر گروه اندکی گذارده می‌شود، و این قمار خطرناکی است، و سبب می‌شود گروه عظیمی از مردم به این فعالیت کاذب اقتصادی بپردازند، و از فعالیت‌های واقعی بمانند. به

علاوه، روزی آن میلیون‌ها نفر، که در آخر جدول قرار می‌گیرند و خود را مغبون خواهند دید، سر بلند می‌کنند، و گرفتاری‌های سیاسی و اجتماعی هم تولید خواهد شد.

بنابراین، فتوای ما این است که این کار زیانبار و حرام است. و فرقی میان طرح‌های داخلی و خارجی، و حتی آنهایی که آب و رنگ امور خیریه دارند، نیست.

همیشه موفق باشید، ۱۳۷۹/۱۱/۱۰

سؤال ۵- اخیراً طرح اقتصادی مشکوکی، که ظاهراً از کشورهای اروپایی اقتباس شده، با مجوز رسمی از سوی دولت در برخی از نقاط کشور اجرا می‌شود. طرح مذکور بدین شکل است:

متقاضی شرکت در این طرح برگه‌ای دریافت می‌دارد، که در پشت آن، نام هفت نفر با مشخصات کامل و شماره حساب بانکی آنها، به همراه شماره حساب بانکی مجریان طرح، درج شده است. گیرنده برگه برای شرکت در این طرح باید مبلغ پانصد تومان به حساب مجریان طرح، و ۲۰۰ تومان به حساب نفراتی که در پشت برگه آمده واریز کند، سپس برگه فوق را به همراه قبض رسید بانکی و جوهی که واریز کرده، به آدرس دفتر طرح مذکور ارسال کند. پس از مدتی از سوی آن دفتر، هفت برگه دیگر برای او ارسال می‌شود، که نام خود او در ردیف اول پشت برگه است. او موظف است برگه‌های مذکور را بین هفت عضو فعال و پرکار توزیع کند، و دریافت کنندگان برگه‌ها، نیز به ترتیب فوق

عمل می‌کنند، و این جریان به همین شکل ادامه پیدا می‌کند. آنها مدّعی هستند در نهایت به هر شرکت کننده مبلغ ۱/۶۸۱/۴۰۰/۰۰۰ ریال خواهد رسید، و ده درصد وجوهی که به حساب دفتر طرح ریخته شده، صرف امور خیریه می‌گردد. لطفاً نظر مبارک خویش را در مورد این مسأله بیان فرمایید.

جواب: این گونه فعالیت‌های کاذب اقتصادی شرعاً جایز نیست، و نوعی کلاهبرداری زشت غربی است، و از نظر شریعت مقدّس اسلام قابل تعقیب است. زیرا پول‌های کلانی که به بعضی از افراد داده می‌شود، نه از طریق تولید به دست آمده، و نه تجارت؛ بلکه اموال دیگران را با فریب گرفته، و قسمتی را به نفع شرکت، و قسمتی را به مشترکین، و برای حفظ ظاهر احتمالاً قسمتی را به کارهای خیر اختصاص می‌دهند. این شگردهای اقتصادی از خارج آمده، و امیدواریم دست اندرکاران توجّه پیدا کنند، و فریب این گونه مسائل را نخورند. بر حکومت محترم اسلامی نیز لازم است که در این مسأله دخالت کند، و جلوی این فعالیت‌های اقتصادی ناسالم را بگیرد؛ زیرا در پایان، که مشترکان و طلبکاران زیاد خواهند شد، و برنامه‌ها عملاً متوقّف می‌شود، و چیزی دستگیر عدّه زیادی از مشترکین نخواهد شد، ممکن است منجر به یک سر و صدای اجتماعی شود. مردم عزیز ما نیز باید هوشیار باشند، و در دام این گونه کارها نیفتند.

همیشه موفق باشید، ۱۳۷۹/۲/۲۲

سؤال ۶- صندوق قرض الحسنه‌ای، با شرایط زیر، و با هدف پرداخت وام ۷۰۰ هزار تومانی به افراد، تأسیس شده است.
الف) متقاضی بایستی برای ثبت نام اولیّه مبلغ سه هزار تومان به عنوان کارمزد به صندوق بپردازد.

ب) هر متقاضی باید سه نفر دیگر را، که نیازمند وام هستند، معرفی کند، و آنها نیز هر کدام مبلغ سه هزار تومان به عنوان کارمزد به صندوق بپردازند.

ج) این روند بایستی همچنان ادامه پیدا کند تا متقاضی اول به ردیف هفتم ارتقا یابد. در آن صورت وی می‌تواند برای دریافت وام اقدام نماید.

د) یادآور می‌شود صندوق قرض الحسنه به جز کارمزد یادشده هیچ گونه بهره و سودی از دریافت کنندگان وام اخذ نمی‌کند.

عملیات اقتصادی مذکور از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: این کار در واقع شبیه به نوعی قمار و لاتار پیچیده است، و ریشه آن متأسفانه از غرب می‌باشد. و نتیجه آن این است که در مرحله اول بیش از شش میلیون تومان کارمزد دریافت شده، و هفتصد هزار تومان وام داده می‌شود، که آن هم به کیسه مؤسسه بر می‌گردد! کارمزد عبارتست از حق الزحمة عادلانه کسانی که در آن مؤسسه کاری انجام می‌دهند، که به مقدار کارشان باید به آنها مزدی داد. و نام کارمزد بر شش میلیون تومان گذاشتن در یک مرحله نوعی فریب است. و حتماً شما

عزیزان مایل نیستید آلوده این مسأله غیر مشروع شوید.

همیشه موفق باشید، ۱۳۸۰/۴/۱۴

سؤال ۷- به دنبال ترویج طرح «ارمغان بهزیستی» و امثال آن توسط رسانه‌های جمعی، طرح‌های مشابهی در بعضی شهرها و مراکز استان‌ها نیز به اجرا درآمده است، که مجریان آن، هدف از جمع‌آوری وجوه مردم را تأسیس مراکز قرآنی و خیریه اعلام می‌کنند. اخیراً طرح جدیدی تحت عنوان «طرح ملی باقیات الصالحات» در یکی از استان‌ها شروع به کار کرده، که بیست میلیون تومان جایزه برای خریداران برگه‌های منتشر شده از طریق این طرح در نظر گرفته است. نظر شما راجع به این گونه فعالیت‌ها چیست؟

جواب: همه اینها حرام، و شبیه بلیط‌های بخت آزمایی است. و گذاردن نام‌های مقدّس بر آن، نه تنها از اشکال آن نمی‌کاهد، بلکه بیشتر می‌کند. و این امور علی‌رغم ظاهر فریبنده و منافع ظاهری، که برای بعضی از کارهای خیر دارد، مفسد زیادی بر آن مترتب می‌گردد. خداوند همه را از عواقب آن حفظ فرماید.

همیشه موفق باشید، ۱۳۷۹/۱۲/۲۱

سؤال ۸- این جانب و عده‌ای از دوستان، که در شرکتی به نام «گلدکوئست» سرمایه‌گذاری کرده‌ایم، شنیدیم جنابعالی کار این شرکت را حرام دانسته‌اید. بدین وسیله خواستیم توضیحاتی، که از اساسی‌ترین مطالب در مورد این کار است، و برای جنابعالی نگفته‌اند،

به شرح زیر به اطلاع جنابعالی برسانیم:

تجارت شبکه‌ای کاری است که افراد از طریق شبکه اینترنت به خرید می‌پردازند، و تمام اجناس، حتی اجناس خوراکی، از این طریق خرید و فروش می‌شود. مسأله مهم این جاست که این شرکت‌ها، حتی شرکت‌های مواد غذایی، امتیازاتی برای مشتریان در نظر می‌گیرند، تا افراد از آنها خرید نمایند. و این مطلب را یک شهروند اروپایی، یا آمریکایی به صراحت تصدیق می‌نماید. شرکت Goldquest هم یکی از همین شرکت‌های تجاری است، که برای بالا بردن فروش خود، علاوه بر فروش آزاد، به مشتریان این امکان را می‌دهد که از شرکت به صورت قسطی نیز خرید کنند. مطلبی که در توضیحات افراد جا افتاده این است: هنگامی که وارد سایت شرکت شوید از شما سؤال می‌کنند: شما قصد دارید تنها سکه طلا بخرید، یا علاوه بر خرید، قصد شرکت در کار بازاریابی نیز دارید؟ و حتی شخص می‌تواند نام خود را بنویسد، و یک ماه بعد پول به حساب بریزد. نحوه به حساب ریختن پول از طریق کارت‌های اعتباری است، که کاملاً معتبر و بدون کلاهبرداری می‌باشد، و این کارت‌ها زمانی جای پول نقد را خواهد گرفت. بنابراین، کسی که نمی‌خواهد بازاریابی کند، یک خرید کامل انجام می‌دهد، و در حقیقت چون یکی از روش‌های زمان تورّم این است که پول نقد را به طلا تبدیل کنیم، پس این راه یک راه کاملاً عاقلانه به نظر می‌رسد. و چنین شخصی که خرید کامل انجام داده، سکه طلایش را دریافت می‌کند، و اگر یک

نفر را هم معرّفی نکند هیچ تأثیری در خرید او ندارد. پس مسأله‌ای که خدمت جنابعالی گفته بودند که تا اشخاصی را معرّفی نکنید به شما پول نمی‌دهند، و طلا دریافت نمی‌کنید، مخصوص زمانی است که شخص خودش علاقه‌مند است برای شرکت بازاریابی کند. در این صورت نیم بها خرید می‌کند، و بقیه پول طلا را با بازاریابی و سهمی شدن در سود شرکت پرداخت می‌کند. اگر مطلبی که باعث حرام شدن این تجارت می‌شود، معرّفی کردن اشخاص است، کار بازاریابی نیز که افراد زیادی در حال حاضر به آن اشتغال دارند یک امر حرام و خارج از حکم شرع محسوب می‌شود. و اگر این مطلب که تا افرادی را معرّفی نکنیم به ما وجهی پرداخت نمی‌شود، باعث حرام شدن کار شرکت گلدکوئست است، باید عرض کنیم: پس از ۶ ماه، اگر کسی نتوانست افراد را معرّفی کند، شرکت به همان مقدار پول که پرداخت شده سکه یا طلایی برای وی می‌فرستد، که قطعاً تا به این لحظه این مطلب برای شما گفته نشده بود. بنابراین، اگر کسی نخواست دیگری را معرّفی کند، بطور کامل خرید می‌کند و تمام پول طلا را می‌پردازد، و حتی در یک قسمت از سیستم می‌تواند نام و شماره خود را مخفی کند، تا هیچ کس حتی اسم او را هم نداند. اجناسی که این شرکت بفروش می‌رساند، چند خصوصیت بارز دارد که باعث می‌شود قیمت آن زیاد، و حتی از ارزش وزنی اش بیشتر گردد! از جمله این که اولاً: روی آن یک شکل ضرب شده. و ثانیاً: توسط یک دولت پشتوانه مالی گردیده. و ثالثاً: عیار آن

۲۴ است. رابعاً: موارد ضرب آنها مُد روز است. که خصوصیتِ آخر باعث می‌شود وقتی سکه تمام شد کسانی که علاقه‌مند به داشتن این نوع سکه هستند، آن را از ما بخرند و قیمت آن چند برابر می‌شود. و گمان نمی‌کنم که در این سود نیز مسأله حرامی وجود داشته باشد، چون یک تجارت است، و قیمت‌ها هم از طرف خود شرکت تعیین می‌شود، و چیزی است که اتفاق افتاده، و اکثر دوستان سکه‌ها یا طلاهایی را خریداری کرده‌اند که گران شده، و سود دوّمی نصیب آنها شده است. برخی می‌گویند: «چون انسان سریع به پول هنگفتی می‌رسد، پس بدون تلاش است و حرام». باید عرض کنم: «این کار آن قدر نیاز به تلاش دارد، و به قدری پر مشقت است که گاه حتّی وقت خواب و خوراک را هم می‌گیرد!» با توجه به توضیحات بالا، لطفاً نظرتان را بیان فرمایید.

جواب: مشکل اصلی در این جا دو چیز است، که ما کاملاً به آن توجه داریم، و دلیل حرمت این کار همین دو چیز است: اوّل این که سکه‌ها به قیمت واقعی بازار فروخته نمی‌شود، بلکه دو یا سه برابر قیمت واقعی فروخته می‌شود. که قسمتی از این مبلغ اضافه، نصیب آن شرکت، و قسمتی نصیب ردیف‌های اوّل می‌شود، و ردیف‌های آخر به یقین گرفتار زیان می‌شوند. در واقع قسمت اضافی شبیه نوعی لاتار (بخت آزمایی) است، و مشمول آیه شریفه «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» می‌باشد. و مسائلی از قبیل نقش سکه، و وضع آینده آن، پوشش‌های کاذبی است که به این کار خلاف داده می‌شود. دیگر این که،

کسانی که در گردش این معاملات قرار می‌گیرند، نه صنعتی دارند، نه کشاورزی، و نه تجارت مثبتی. پول‌های کلانی که به جیب ردیف‌های اول یا آن شرکت می‌ریزد از کجاست؟ اگر واقعاً از این طُرق بتوان ثروتمند شد، خوب است همه کارها را رها کنند، و دنبال این برنامه‌های کاذب بیفتند! و در یک کلمه، این کار شبیه لاتار و بخت آزمایی و قمار است، و درآمدش مشروع نیست. و تاکنون ده‌ها نوع آن را برای ما نوشته‌اند و توضیح خواسته‌اند، و ما به همه جواب منفی داده‌ایم. شما می‌توانید پول خود را از آن مؤسسه باز پس بگیرید، و سزاوار افراد با ایمانی امثال شما نیست که آلوده این کار شوید.

همیشه موفق باشید، ۱۳۸۱/۲/۱۴

سؤال ۹ - شرکت کارگشایان انصارالموحدین، در سال ۱۳۸۰ با هدف فقرزدایی، مشارکت در امور خیریه، و گسترش سنت حسنه هدیه، آغاز به کار نموده است. کارنامه درخشان این شرکت نشان می‌دهد که توانسته است با سازماندهی، جهت دادن، و هدفمند کردن هدیه‌های کوچک مشترکین، مشکلات تعداد زیادی از هموطنانی که در طرح‌های همیاری مشارکت نموده‌اند را برطرف کند. و از سوی دیگر نبودن حتی یک مورد نارضایتی و شکایت، نمایانگر حسن نیت، دقت بالا، و صداقت این شرکت است.

با توجه به آمار بالای بیکاری، فقر فراگیر، بالا رفتن سن ازدواج، و معضل بزرگ اعتیاد در جامعه، این شرکت مصمم شد به اندازه توانایی

خود گام مؤثری در راه ریشه کن کردن این نابسامانی‌ها بردارد. برای این کار، و با در نظر داشتن مبانی اسلامی، و در چارچوبه قوانین دولت جمهوری اسلامی، و با توجه به تأکید آیات و روایات فراوان، بر لزوم همکاری و تعاون بین مسلمین، اقدام به برنامه ریزی برای طرح «کارگشا» کرده است. برای شفاف‌تر شدن موضوع به تشریح کامل طرح می‌پردازیم:

محمد، که از مشارکت کنندگان در طرح است، چگونگی ورود به طرح و مزایای آن را برای ۳ نفر از دوستان خود (علی، حسن و حسین) تعریف می‌کند. هر یک از اینها برای ورود باید مبلغی معین به نیت هدیه به محمد، جهت واریز کردن به حساب بانکی مشترکین قبلی بدهند. محمد وجوه دریافتی این ۳ نفر را، به حساب بانکی احمد (رده هشتم جدول) و محمود (رده پنجم جدول) که پیش از او در طرح شرکت نموده‌اند واریز می‌کند، و مبلغ اندکی هم بابت هزینه‌های (چاپ، بسته‌بندی، پست پیشتاز، حقوق کارمندان، مخارج جاری شرکت، و مانند آن) به حساب بانکی شرکت واریز می‌کند. محمد پس از پرداخت وجوه به حساب‌های بانکی، اصل قبض‌های بانکی را به همراه فرم مشخصات (علی، حسن و حسین) برای شرکت ارسال می‌کند، پس از رسیدن بسته پستی محمد به شرکت، مسئول بررسی قبض‌های بانکی و فرم‌ها، در صورت درست بودن قبوض و مشخصات فردی، صحت آن را تأیید می‌کند. پس از این مرحله، از

روی مشخصات درج شده در فرم درخواست، برای علی، حسن و حسین بیمه نامه عمر صادر می شود. سپس فرم های جدیدی ارسال می شود، که در آن احمد (کسی که در رده هشتم جدول بوده، و بخشی از پول های علی، حسن و حسین به حسابش واریز شده) از جدول خارج گشته، و حامد که در فرم قبلی در رده هفتم جدول جای داشته، به رده هشتم جدول آمده، و نام محمود که در فرم قبلی در رده پنجم جدول بوده، به رده ششم می رسد، و نام علی، حسن و حسین هر کدام در یک فرم در خانه اول جدول نوشته شده، و نام محمد به رده دوم این فرم می رود. پس از انجام این مراحل و کنترل دوباره، فرم های این ۳ نفر، به همراه بیمه نامه های عمر آنان، بسته بندی شده، و توسط پست پیشتاز برایشان ارسال می شود. هر یک از این ۳ نفر باید ۳ نفر دیگر را به این مجموعه اضافه کنند. در این صورت نام محمد به رده سوم جدول می رود، و علی، حسن و حسین به رده دوم جدول می رسند. حال اگر یکی از این افراد نتواند ظرف مدت ۶ ماه سه مشترک جدید بیابد، شرکت بیمه متعهد شده اصل وجه پرداختی او را به وی بازگرداند. بنابراین، هیچ کس با شرکت در طرح کارگشا مغبون نخواهد شد. و این در حالیست که همه مشارکت کنندگان (حتی کسانی که نتوانند ۳ مشترک به طرح اضافه کنند) تحت پوشش بیمه عمر و حوادث قرار می گیرند. به این ترتیب، و با اضافه شدن مشترکین جدید، هنگامی که محمد به رده پنجم و هشتم جدول برسد، هدایای اعضا به شماره

حساب او واریز می‌شود، و پس از او نوبت به علی، حسن و حسین می‌رسد.

با توجه به توضیحات بالا، مشارکت در این طرح از منظر شریعت مقدّس اسلام چه حکمی دارد؟

جواب: روح این طرح همان روح طرح گلدکوئست است؛ که نوعی اکل مال به باطل، و شباهت زیادی با قمار دارد. با این تفاوت که گلدکوئست از یک اسم خارجی استفاده کرده، و تمسّکی به آیات قرآن نمی‌جوید، ولی انصارالموحّدین از نام بسیار مقدّسی استفاده کرده، و برای پوشاندن اعمال خود آیاتی از قرآن را سپر قرار داده است. و به یقین این کار مسئولیت سنگینی در روز قیامت برای آنها خواهد داشت. سزاوار شما عزیزان نیست که آلوده این گونه کارها شوید، و آن برادران نیز خوبست، هر چه زودتر از این کار خلاف شرع که به زودی حکم آن در مجلس شورای اسلامی مشخص خواهد شد چشم‌پوشند، و به جای استفاده از اموال بادآورده، به سراغ فعالیت‌های مثبت تولیدی بروند.

همیشه موفق باشید، ۱۳۸۴/۳/۳۰

سؤال ۱۰- شرکتی به نام گلدکوئست پیدا شده که مرکز آن خارج از کشور است، و سکه‌های طلا به مشتریانش عرضه می‌کند، که معمولاً قیمت آن دو یا چند برابر قیمت معمولی است. کسانی که این سکه‌ها و یا اجناس دیگری خریداری می‌کنند سعی در بازاریابی و معرفی افراد جدید دارند، که در مقابل معرفی هر فرد، مبلغی از طرف شرکت به

حساب شخص معرفی کننده واریز می شود. و افراد سری دوم نیز به همین صورت عمل می کنند، و این رشته ادامه می یابد. و گاه پول های هنگفتی در حساب بعضی از افراد که در ردیف های قبل قرار دارند جمع می شود. آیا اصل این کار شرعاً مجاز است؟ پول هایی که به حساب افراد ریخته می شود، چه حکمی دارد؟

جواب: این کار که در سال های اخیر در کشور ما رایج شده، و نخستین بار تحت عنوان پتتاگونو صورت گرفت، و بعد در اشکال دیگر ظاهر گشت، یک فعالیت ناسالم و مرموز اقتصادی، و در واقع شبیه نوعی قمار است. و نتیجه آن این است که گروه عظیمی، که در ردیف آخر قرار می گیرند، جزو مالباختگان واقعی هستند. اموالی از این گروه گرفته شده، بی آن که چیزی عائد آنها شود. و قسمت مهمی از آن به حساب شرکت ریخته می شود، و قسمت دیگر به افراد ردیف اول داده می شود؛ بی آن که هیچ کار مفید اقتصادی انجام داده باشند. تمام این فعالیت های مرموز زنجیره ای حرام، و کلاهبرداری محسوب می شود، و اموالی که از آن به دست می آید مشروع نیست، و باید به صاحبانش بازگردانده شود. و اگر صاحبان آن را نمی شناسند، به افراد نیازمند بدهند. دولت محترم جمهوری اسلامی نیز وظیفه دارد که جلو این کارهای زیانبار را بگیرد. و هموطنان عزیز مراقب باشند در دام آنها گرفتار نشوند.

همیشه موفق باشید، ۱۳۸۱/۳/۱۹

سؤال ۱۱- با اهداء سلام، اخيراً نوع ديگري از خريدها و فروشهاي زنجيره‌اي پيدا شده، كه مي‌گويند اصل آن از هنگ كنگ، و طرز كار آن چنين است كه سكه‌هاي طلا را به دو يا سه برابر قيمت واقعي آن مي‌فروشند، و به كساني كه دو يا چند مشتري معرفي كنند پاداشهاي كلاني مي‌دهند، و اين كار به صورت زنجيره‌اي همچنان پيش مي‌رود. و گاه به كساني كه در صفوف جلو قرار دارند هزاران دلار جايزه داده مي‌شود، و قسمت مهمي از درآمد فوق به جيب آن شركت ريخته، و به خارج منتقل مي‌گردد. آيا اين كار بر اساس موازين شرع صحيح، درآمد آن حلال است؟ و اگر حرام است، كساني كه پول‌هايي از اين رهگذر نصيبشان شده بايد چه كنند؟

جواب: بارها گفته‌ايم تمام اينها اشكال مختلفی از طرح استعماري پنتاگونو است. و در تمام اين موارد كاري شبيه قمار و لاتار انجام مي‌گيرد؛ يعني جنس را به دو يا چند برابر قيمت مي‌فروشند، و استفاده آن عايد آن شركت، و نفرت اول مي‌شود، و زيانش دامان نفرت آخر را مي‌گيرد اين يك نوع كلاهبرداری مرموز و مصداق «اكل مال به باطل» است كه در قرآن از آن نهی شده، و تمام منافع آن حرام است. و سزاوار هموطنان عزيز نيست كه آلوده چنين كار حرامي شوند؛ به خصوص كه قسمت مهمي از عائدات آن به خارج از كشور منتقل مي‌شود، بي آن كه چيزي نصيب كشور شود. و چنانچه اموالي از اين طريق نصيب كسي شده، به اندازه پولی كه داده‌اند بردارند، و بقيه را اگر صاحبانش را

می‌شناسند به آنها بدهند، یا به مال باختگان رده‌های آخر برسانند، و اگر نمی‌شناسند از طرف صاحبان اصلی، آن را به اشخاص نیازمند صدقه دهند. خداوند همه ما را از نقشه‌های شوم بیگانگان در امان دارد.

همیشه موفق باشید، ۱۳۸۱/۴/۲

سؤال ۱۲- اخیراً تجارתי با عنوان پیش خرید الماس از طریق شبکه اینترنت رایج شده، و حتی در بعضی استان‌های کشور نمایندگی نیز دارد. مرکز این تجارت جهانی در جزیره بهاماس کشور هنگ کنگ می‌باشد، و طریقه وارد شدن به این تجارت به این صورت است که ابتدا مبلغ ۱۵۰ دلار به حساب شرکت واریز کرده، و یک کد اقتصادی (کد اشتراک) دریافت می‌شود. و در مرحله بعد هر مشترک اقدام به بازاریابی می‌کند، که در صورت به عضویت درآوردن ۶ نفر شاخه او کامل می‌شود. و در ازای هر نفر بازاریابی مبلغی (۱۶ دلار و ۶۶ سنت) به عنوان حق بازاریابی به مشترک تعلق می‌گیرد، و در مرحله بعدی افرادی که جذب شده‌اند خود تشکیل شاخه داده، و هر فرد ۶ نفر را وارد بازار می‌کند، که در قبال این بازاریابی غیر مستقیم نیز مبلغی به بازاریاب اول، و مبلغی نیز به تشکیل دهنده شاخه دوم تعلق می‌گیرد. و این برنامه ۱۵ بار تکرار می‌شود تا خریدار الماس، مبلغ ۱۳۵۰ دلار، به علاوه الماس خود را دریافت می‌کند. ضمناً این برنامه پرداخت حق بازاریابی ادامه دارد، و در ازای تعداد شاخه‌ها مبلغ سود بازاریاب اول نیز اضافه و به حساب او واریز می‌گردد؛ در حدی که سقف درآمد

روزانه ۱۵۰۰ دلار می‌شود. بدیهی است این مبلغ را به عنوان حق بازاریابی و تبلیغات پرداخت می‌نمایند. لذا از محضر آن مرجع عالیقدر تقاضا نمودیم که نظرتان را در خصوص:

۱- ورود به این تجارت جهانی الماس

۲- دریافت حق بازاریابی آن

۳- تبلیغ این تجارت جهانی و بازاریابی، بیان فرمایید.

جواب: فعالیت‌های مشکوک شرکت مزبور مشروع نیست، چرا که همانند شرکت‌های مشابه آن، نظیر پنتاگونو و گلدکوئست، مشغول کلاهبرداری هستند. و شایسته شما عزیزان نیست که آلوده آن گردید.

همیشه موفق باشید، ۱۳۸۱/۹/۹

سؤال ۱۳- اخیراً در بین عوام مشارکت در شرکت‌های انگلیسی و ایتالیایی و مانند آن، که توسط اینترنت بین مردم تبلیغ نموده و برای کسب درآمد فعالیت می‌کنند، متداول گشته، که چگونگی فعالیت آنها، به صورت خلاصه به عرض جنابعالی می‌رسد:

متقاضی فلان مقدار پول به حساب شرکت به عنوان پیش قسط واریز نموده (مثلاً ۱۵۰ دلار)، و در مقابل، یک شیء قیمتی (مثل یک قطعه الماس، یا گردنبند، یا سکه طلا) که مژمن آن می‌باشد، خریداری می‌کند. ولی انگیزه خریدار به هیچ عنوان مالک شدن این مژمن نمی‌باشد، بلکه شرکت در این تبلیغات به شخص وعده می‌دهد که اگر فلان تعداد مشتری برای او جذب کند (مثلاً ۶ نفر) از مژمن آنها مقداری

به حساب او واریز می‌نماید، (مثلاً ۱۰۰ دلار) و این کار به همین نسبت مادام‌العمر ادامه یافته، و حتی قابل انتقال به وارث شخص نیز می‌باشد (واریز پورسانت به حساب شخص، ممکن است تا سقف ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال در ماه برسد)، و مجموع این پول چندین برابر پول شخص بوده، و رسیدن به این پول‌ها هدف و انگیزه اصلی خریدار است. البته شرکت مَثمن را در تاریخ خرید تحویل نمی‌دهد، و ما بقی قیمت آن را از همین حقّ بازاریابی کم می‌کند تا تمام شود، و بعد از آن تحویل می‌دهد. پر واضح است که اگر کسی نتواند در این شاخه‌بندی مشتری جذب کند، نه به مَثمن می‌رسد، و نه به حق بازاریابی. حال مستدعی است به سؤالات زیر پاسخ دهید.

(الف) با توجه به این‌که هدف اصلی خریدار تملک مَثمن نمی‌باشد، بلکه هدف رسیدن به این حقّ دلّالی‌ها (که جزء ثمن خریداران بعد است) می‌باشد، اولاً: اصل این معامله چه حکمی دارد؟ و در صورت جواز، تملک این پول‌ها (حقّ بازاریابی‌ها) تحت کدام یک از عناوین معاملات اسلامی واقع می‌شود؟

(ب) با توجه به این‌که در این شرکت‌ها (که روز به روز در شکل‌های جدید، و ثمن‌های متفاوت، در کشور شروع به تبلیغ می‌کنند)، مقدار زیادی ارز و بودجه مملکت اسلامی از کشور خارج شده، بدون این‌که صنعتی وارد کشور شود، یا حرفه تولیدی به راه افتد، و در بعضی از موارد حتی موجب تعطیلی بعضی از تولیدی‌ها و مغازه‌هایی که

تعدادی نیروی کارگر داشته، شده است (شاهد عینی در استان اصفهان)، و احتمال صهیونیستی بودن این شرکت‌ها، با توجه به این که بیش از نیمی از اقتصاد دنیا در چنگ یهودیان غاصب است، و احتمال این که ممکن است در بین خریدارهای بعدی افراد سفیه اقتصادی واقع شوند و متضرر می‌شوند، و احتمال این که در آخر این بازاریابی، قطعاً عده‌ای ضرر خواهند کرد، نظر جنابعالی در مورد این معاملات چیست؟ آیا نیت کمک کردن به فقراء، با سرشاخه قراردادادن آنها مصحح معامله می‌باشد؟

ج) در فرض حرمت، اگر شخصی که مقلد جنابعالی است به خاطر جهل، یا شهرت فتوای شما به خلاف، و یا عمدتاً در این شرکت‌ها عضو شده، و اکنون به حرمت آن واقف شود، با توجه به این که سیر ارسال این پول‌ها برای وی همچنان ادامه پیدا می‌کند، و برگرداندن آن، که در حقیقت جزء ثمن بقیه خریداران است، به خود آن‌ها محال است (به خاطر عدم شناسایی) آیا می‌توان در این پول‌ها تصرف نمود؟ آیا با دادن خمس مشکل حل می‌شود؟

جواب: مدتهاست که این گونه مؤسّسات، به نام‌های مختلف از سوی بیگانگان، و گاه عواملی از داخل تشکیل می‌شود، که ماهیت همه آنها یکی است. فعالیت مرموز اقتصادی شرکت‌های مزبور مشروع نمی‌باشد. و شبیه نوعی قمار و لاتار است. و تخصیص بخشی از درآمد به فقرا و مستمندان ماهیت کار را تغییر نمی‌دهد. بنابراین، شایسته شما عزیزان

نیست که آلوده آن شوید، و اگر کسی آلوده شده، و درآمدی کسب کرده، باید به صاحبان اصلی آن برگرداند. و اگر آنها را نمی‌شناسد در درجهٔ اول به سایر مالباختگان، و اگر آنها را نیز نمی‌شناسد به فقرا صدقه دهد. همیشه موفق باشید، ۱۳۸۱/۱۰/۱

سؤال ۱۴ - اخیراً مؤسساتی تشکیل شده که مقداری سگّه مخصوص، یا الماس، یا اشیاء دیگر، به افراد با قیمت نسبتاً بالایی می‌فروشند. و به هر مشتری توصیه می‌کنند که برای آنها بازاریابی نموده، و چند مشتری دیگر پیدا نمایند، و در برابر معرفی هر مشتری جدید مبلغی به حساب شخص بازاریاب ریخته می‌شود، و گاه این وجوه، که به حساب ریخته شده، به میلیون‌ها یا ده‌ها میلیون می‌رسد. آیا این نوع معاملات و بازاریابی شرعاً صحیح، و پول حاصل از آن حلال است؟ و اگر نیست، تکلیف آنها که درآمدی از این طریق پیدا کرده‌اند، چیست؟

جواب: اولاً: این مؤسسات به ظاهر اقتصادی، که گاه چهرهٔ واقعی خود را زیر پوشش‌های ایجاد اشتغال، یا تخصیص قسمتی از درآمد خود به مراکز خیریه، پنهان می‌کنند، مؤسسات مرموز و خطرناکی هستند، که کار آنها شبیه به نوعی قمار یا لاتار است. کلاه از سر عدهٔ زیادی بر می‌دارند، و بر سر عدهٔ معدودی می‌گذارند، و قسمت عمدهٔ درآمد را خودشان می‌برند، و غالباً به خارج منتقل می‌کنند، بی آن که هیچ‌گونه کار مثبتی انجام داده باشند. و عمل آنها مصداق بارز اکل مال

به باطل است، که قرآن مجید با صراحت از آن نهی کرده است.

ثانیاً: این مؤسّسات نخست به نام «پتتاگونو» در بعضی از شهرها آشکار شد، و هنگامی که مقامات قضایی و اطلاعاتی متوجه کارهای خلاف آنها شدند جلوی آن را گرفتند. سپس به نام «گلدکوئست» در بعضی شهرهای دیگر شروع به فعالیت کردند، و آن هم بعد از کارشناسی مقامات قضائی ممنوع شد. و اخیراً به صورت «معامله الماس» همان برنامه به شکل تازه‌ای دنبال می‌شود، و در هر جا ممکن است به صورتی درآید. نشانه همه آنها بازاریابی‌های زنجیره‌ای با درآمدهای کلان است.

ثالثاً: چند سال قبل، که این مؤسّسات استعماری در خارج شروع به فعالیت کرده بودند، بعضی از مسلمانان خارج سؤالی به این صورت برای ما فرستادند، که در کشور اتریش با عنوان «بدون دردسر صاحب ۳۰/۰۰۰ دلار شوید» فرم‌های خاصی، که به صورت زنجیره‌ای مشتری معرفی می‌شود، در اختیار متقاضیان قرار می‌داد. و آن را به طور مشروح در سؤال خود بیان کرده بودند، که ما در جواب نوشتیم: «شرکت در این کار حرام، و پول عاید از آن مباح نیست. و در واقع نوعی کلاهبرداری مرموز، برای تصاحب اموال دیگران است». این سؤال و جواب در کتاب استفتائات جدید، جلد اول، صفحه ۱۵۰ آمده است. اکنون می‌بینیم که همان برنامه‌ها به اشکال دیگر در کشورهای اسلامی ظاهر شده است.

رابعاً: مسلمانان باید به هوش باشند، و آلوده این پول‌های حرام نشوند، و ثروت مسلمین را به باد ندهند. و اگر کسانی نادانسته پولی از

این طریق به دست آورده‌اند، چنانچه صاحبان آن را می‌شناسند به آنها برسانند، یا لاقلاً به مالباخته‌های ردیف آخر بدهند، و اگر نمی‌شناسند به اشخاص نیازمند صدقه دهند.

همیشه موفق باشید، ۱۳۸۱/۱۰/۰۳

سؤال ۱۵- فرموده‌اید: «این فعالیت‌های اقتصادی شبیه نوعی قمار و لاتار است» مستدعیست دلیل قمار بودن این فعالیت‌ها را (به طور واضح) برای ما مرقوم فرمایید.

جواب: دلیل آن این است که افراد بدون این که هیچ‌گونه فعالیت تجاری در غیر مرحله اول انجام دهند، اموال بادآورده‌ای به حساب آنها ریخته می‌شود، و گروه عظیمی (طبق آمار اخیر ۹۰٪ افراد) بازنده خواهند شد.

همیشه موفق باشید، ۱۳۸۴/۴/۲۲

سؤال ۱۶- سؤالی از حضورتان پرسیده بودم که جوابی مستدل مبنی بر حرام بودن آن داده بودید. اما برای من جای سؤال است که: آیا دفتر یک مجتهد نباید کارشناسان اقتصادی، که به مسائل روز دنیا واقف باشند، در اختیار داشته باشد، و بر اساس احکامی که شاید بعضی از آنها نیاز به بازنگری داشته باشد حکم دهد؟ من به عنوان یک بچه مسلمان تحصیل کرده از شما سؤالی می‌کنم، لطفاً سؤال را با مطالعه و تحقیق به من پاسخ دهید، نه به خاطر شباهتی که به کارهایی چون پتتاگونو... دارد. این خیلی با آنها فرق دارد، و اگر به صورت ساده تحلیل گردد

می‌توان به جواب درست رسید، (نگویید مسایلی هست که شما درکش نمی‌کنید، لطفاً قضیه را خوب تحلیل کنید). این بار سؤال را به صورت کامل تر ارائه می‌دهم. لطفاً مورد را مطالعه، و با دلیل، حلال یا حرام بودن آن را اعلام فرمایید. معاملات شبکه‌ای، که شرکت اقدام به فروش سکه طلا یا نقره از طریق بازاریابی شبکه‌ای کرده، به این صورت است که شخص مبلغی به حساب آنان واریز نموده، و یک سکه طلا یا نقره از آن شرکت خرید می‌کند، و شرکت پس از یک ماه سکه خریداری شده را برای خریدار می‌فرستد. و خریدار پس از آن برای شرکت بازاریابی می‌کند، و به ازای هر چند مشتری که به واسطه این فرد ثبت نام، و برای خرید سکه نقره یا طلا پیش پرداخت بدهند، و زنجیره به حد نصاب برسد (۳ نفر در سمت راست، و ۳ نفر در سمت چپ)، مبلغی به عنوان کمیسیون به حساب وی واریز می‌شود. نکات قابل توجه: ۱- سهامداران شرکت اسرائیلی نبوده، و از کشورهای مختلفی (مثل فیلیپین، ایسلند، تایوان و...) می‌باشند. ۲- تجارتي که انجام می‌شود خرید و فروش خود سکه‌ها نیست، بلکه گامی برای ورود به عرصه بازاریابی شرکت می‌باشد. ۳- با این پول‌ها در زمینه خدمات (از قبیل هواپیمایی، موبایل، هتل‌ها، راه‌ها و...) در تمام کشورهای دنیا با عقد قرارداد و پرداخت مالیات به آن کشور (حتی در کشور ما نیز پیشنهادهایی از طرف شرکت داده شده، ولی بخاطر عدم توافق در مورد درصد مالیات قراردادی منعقد

نگردید) کار می‌کنند. ۴- سرمایه شرکت برای کار از این راه‌ها تأمین می‌شود: ابتدا پس از اقدام به خرید سگّه از طرف خریدار، سکه پس از یک ماه برای او فرستاده می‌شود، که این به عنوان سرمایه محسوب می‌گردد. نوع دیگری از سرمایه که برای کار از طرف شرکت مورد استفاده قرار می‌گیرد، مبالغی است که از عدم تعادل در دو طرف (سمت راست و چپ) فرد مورد نظر ایجاد می‌گردد. با توجه به توضیحات جدید، لطفاً بفرمایید معامله به این شیوه چه حکمی دارد؟

جواب: ما با مراکز اقتصادی و حقوقی نسبت به این کار در تماس بوده‌ایم. و امروز، که سؤال شما به دست ما رسید، نامه‌ای از یکی از مراکز مهم مالی کشور^۱ به دست ما رسید که با صراحت از فتوای ما تقدیر کرده، و اعلام نموده‌اند که این کار نادرست است. ولی متأسفانه پول‌های بادآورده حرام جاذبه عجیبی دارد، و به انسان اجازه نمی‌دهد درست بیندیشد. امیدواریم شما عزیزان جزو آنها نباشید.

همیشه موفق باشید، ۱۳۸۴/۲/۱۱

معظم له در پاسخ به پرسش مشابهی فرمودند:

مطمئن باشید این معامله از نظر کارشناسان دقیق اسلامی مورد مطالعه قرار گرفته، و حرام است. و نظریه کارشناسان در هر علمی، برای افرادی که کارشناس آن علم نیستند، معتبر است. ولی متأسفانه، همان‌گونه که قبلاً گفته‌ایم، وسوسه اموال بادآورده اجازه تصمیم‌گیری

۱. منظور نامه بانک مرکزی است، که تصویر آن در بخش اسناد منعکس شده است.

صحیح به بعضی افراد نمی‌دهد. امیدواریم شما از آنها نباشید.

همیشه موفق باشید، ۱۳۸۴/۲/۲۱

سؤال ۱۷- می‌خواستم علت حرمت معامله با شرکت «گلدماين» را جویا شوم؛ چون من متن ۱۲ صفحه‌ای قوانین گلدماين، که شروط خرید در آن نوشته شده بود را خواندم، و روی آن فکر کردم، و با رساله‌ای که از مراجع در اختیار داشتم تطبیق دادم، ولی چیزی که دال بر حرمت باشد به ذهنم نرسید، که قطعاً از کم اطلاعی من است. اکنون می‌خواهم آن شروط را بنویسم، و شما مرا راهنمایی کنید، که کدام یک از این شرایط و به چه علت حرام است؟ (البته این «چرا» برای ما جوان‌ها، که ذهن پرسشگری داریم، بسیار مهم است) فقط خواهشمندم حوصله بفرمایید تا «شرایط ضمن خرید» را بنویسم.^۱ لطفاً پس از مطالعه دقیق متن مذکور، پاسخ فرمایید.

جواب: مشکل اصلی به هر حال این است که جنس به قیمت واقعی فروخته نمی‌شود، و آنها که در رده‌های آخر قرار گرفته، و نمی‌توانند کسان دیگری را معرفی کنند، مال باختگان واقعی هستند. و اضافه قیمت، مقداری صرف سرشاخه‌ها شده، و بقیه - که مبلغ هنگفتی است - به آن شرکت تعلق می‌گیرد. و این چیزی شبیه قمار و لاتار است. و سزاوار شما عزیزان نیست که بر چنین امر نامشروعی اصرار بورزید.

همیشه موفق باشید، ۱۳۸۴/۲/۲۱

۱. برای رعایت اختصار، متن دوازده صفحه‌ای مورد اشاره را ذکر نکردیم.

سؤال ۱۸- شما دلیل حرام بودن گلدماين را دو چیز فرموده‌اید: اوّل: قمار بودن، دوّم: کسی که نتواند کار کند، باید سود بقیّه را بدهد. اما در مورد دلیل اوّل، قمار هنگامی است که شانسی باشد، ولی این تجارت قانون دارد. یعنی شما به میزان فعالیت خود در جلب مشتری (بازاریابی) پورسانت دریافت می‌کنید، و حتی اگر خوش شانس‌ترین انسان باشید، در صورت کار نکردن هیچ پولی به شما داده نخواهد شد، پس به هیچ عنوان شانس نقشی در این تجارت ندارد. و اما در مورد نکته دوم، در این سیستم سودی به کسی داده نمی‌شود، بلکه مانند یک بازاریاب معمولی پورسانت تعلق می‌گیرد. مشکل نفرات آخر این است که آنها قراردادی با شرکت مبنی بر خرید جنس شرکت نوشته‌اند. حال در صورت تمایل، می‌توانند بقیّه قیمت جنس را به صورت نقد بپردازند، و محصول خود را دریافت کنند. و در صورت عدم پرداخت ما بقی قسط پول، آنها تا هنگام تسویه در حساب خود آنها نزد شرکت باقی خواهد ماند. اگر ممکن است به خاطر دین هم که شده، من و دوستم را مجاب فرمایید.

جواب: متأسفانه پول‌های بی حساب و کتابی که بدون زحمت مفیدی از این راه عاید اشخاص می‌شود سبب شده که آنها نتوانند مسئله را درست تحلیل کنند. حقیقت مطلب این است که این مؤسّسات جنسی را به غیر قیمت واقعی آن معامله می‌کنند. و به افراد می‌گویند: اگر بازاریابی زنجیره‌ای کنید تا مدّتی بطور مرتّب و جوهی به حساب شما

واریز می‌شود، که گاه میلیون‌ها تومان می‌شود. و این وجوه، از درآمدهایی است که از فروش نامتناسب آن جنس به حلقه‌های آخر بدست می‌آید، که قسمت مهمش را خود شرکت بر می‌دارد، و قسمت کمتری را به سرشاخه‌ها می‌دهد. و این در واقع کلاه عده‌ای را برداشتن، و بر سر دیگران گذاشتن است، و تفاوتی با لاتار و قمار در ماهیت ندارد. همیشه موفق باشید، ۱۳۸۴/۲/۲۸

سؤال ۱۹- با توجه به آنچه در کتاب استفتائات جدید معظم له، جلد اول، صفحه ۱۵۰ آمده، لطفاً پس از مطالعه مطالب ذیل، و ضمیمه پست الکترونیکی، بفرمایید که:

الف) با عنایت به محصول فرهنگی ارائه شده توسط شرکت EBL، آیا همکاری کردن با آن شرکت اشکال شرعی دارد، یا درآمد حاصل از آن حلال است؟ اگر نیست، تکلیف آنها که درآمدی از این طریق پیدا کرده‌اند، چیست؟

ب) در صورت حرام بودن، چرا دولت جمهوری اسلامی، اجازه تأسیس دفتر نمایندگی، و فعالیت به این شرکت‌ها را در مملکت اسلامی می‌دهد؟

ج) آیا مراجع تقلید این موارد را به دولت گوشزد نمی‌نمایند، یا دولت به فتوا عمل نمی‌کند؟!!!!

د) آیا قرارداد بانک‌های ملی و صادرات با شرکت مزبور صحیح است، اگر جواب منفی می‌باشد بهتر نیست در مورد بانک‌ها نیز فتوا

صادر شود؟

جواب: فعالیت تمام شرکت‌های بازاریابی شبکه‌ای و زنجیره‌ای نوعی فعالیت مرموز و ناسالم اقتصادی، و در واقع شبیه به لاتار و قمار، و شرعاً مصداق اکل مال به باطل است، و جایز نیست. و سزاوار شما عزیزان نیست که آلوده آن شوید، و اخیراً دولت نیز با آن مبارزه جدی می‌کند.^۱

همیشه موفق باشید، ۱۳۸۴/۲/۲۹

سؤال ۲۰- اخیراً شرکتی ایرانی تأسیس شده که کارش فروش سی دی می‌باشد. این سی دی‌ها با مجوز ارشاد، و هدف کلی آن ترویج فرهنگ ایرانی است. این شرکت در ایران با شماره ثبت ۱۶۹۷۹ به ثبت رسیده، و در ازای بازاریابی و آوردن ۳ نفر در سمت چپ و ۳ نفر در سمت راست، مبلغ ۳۰ دلار پورسانت می‌دهد. شرکت مورد بحث مبلغ هنگفتی مالیات به دولت می‌دهد، و در ضمن با بانک‌های ایرانی نیز قرارداد دارد. نظر جنابعالی در مورد کار این شرکت، و پورسانت‌های آن، با توجه به این که ارزی از مملکت خارج نمی‌کند، چیست؟ اگر پاسخ شما منفی است، چنانچه چنین شرکتی را، با این نوع فعالیت خود دولت تأسیس کند حکمش چه می‌شود؟ ضمناً متن زیر را از یکی از سایت‌ها گرفتم، نظر جنابعالی در مورد آن چیست؟

۱. پاسخ بندهای «ب» و «ج» و «د» از مباحث گذشته روشن شد، و در بخش اسناد نیز خواهد آمد.

چرا تعدادی از آیات عظام، گلدکوئست و تجارت‌های مشابه را جایز ندانستند؟ اصولاً این‌گونه جایز ندانستن‌ها و حتی تحریم‌ها در تاریخ، کم نبوده است، و هر مرجع تقلیدی، بسته به برداشت و نظر خود، حدّت و شدّت تحریم را معین کرده است... در برخی اوقات، مخصوصاً در موضوعات جدید، موضوع مسأله برای مراجع کاملاً روشن نشده است. به عنوان مثال حکم آقای مکارم شیرازی در مورد گلدکوئست، که آن را «فعالیت اقتصادی مرموز» می‌نامد؛ نشان دهنده این واقعیت است که اطلاعات ایشان از گلدکوئست کامل نیست، لذا تا زمانی که گلدکوئست از نظر ایشان «مرموز» می‌باشد؛ اعلام نظر در مورد مشروعیتش نیز در صلاحیت ایشان نیست». نظر حضرت‌عالی در مورد سؤال بنده، و متن بالا چیست؟

جواب: خوشبختانه سالهاست درباره این فعالیت ناسالم اقتصادی مطالعه کرده، و تمام زوایای آن را بدون استثناء می‌دانیم. به یقین این فعالیت‌ها، به چیزی جز یک کلاهبرداری خطرناک نیست. که خوشبختانه اخیراً دستگاه‌های قضایی و اطلاعاتی و نمایندگان مجلس متوجه خطرات آن شده، و بطور جدی با آن برخورد می‌کنند. ولی درآمد بادآورده این فعالیت ناسالم، مانع از این است که عده‌ای به خطرات آن بیندیشند، و اعتراف کنند که این، یک گناه بزرگ و نابخشودنی است. آمار به ما می‌گوید در این بازی اقتصادی ۱۰٪ برنده و ۹۰٪ مالباخته می‌شوند، و قسمت عمده اموال به جیب شرکت‌های سودجو می‌ریزد.

حتی اخیراً این خبر توسط رسانه‌ها منتشر شد که بسیاری از کشورهای غربی از ده سال پیش به خطرات این شرکت‌ها آشنا شده، و لذا و به کلی آن را منسوخ کرده‌اند. امیدواریم شما عزیزان فریب آنها را نخورید. همیشه موفق باشید، ۱۳۸۴/۴/۲۲

* * *

در پایان، مناسب است به نامه مفصل یکی از نویسندگان، که با روزنامه اطلاعات همکاری دارد، و برای مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مد ظله) فرستاده، و شرحی که در بسیاری از جهات شبیه آنچه گذشته داده، اشاره نموده، و نیز پاسخ معظم له را داشته باشیم.

نکته قابل توجه این که این نویسنده محترم بیش از هر چیز روی مسأله ارزش کلکسیون سکه‌های مورد خرید و فروش در این مؤسسات تأکید کرده، و تصور نموده این مسأله مشکل نابرابری قیمت ظاهری سکه‌ها را با پول زیادی که در برابر آن می‌گیرند حل می‌کند. که معظم له روشن ساخته‌اند این گونه ارزش‌های کاذب هیچ مشکلی را حل نمی‌کند.

معظم له ضمن تشکر از آن نویسنده محترم، چنین مرقوم داشتند:
 «هر چند تاکنون افراد زیادی کوشیده‌اند که ماهیت این گونه مؤسسه‌ها را برای ما روشن سازند (به گمان این که ما اطلاع زیادی از آن نداریم) ولی باید انصاف داد آنچه را شما نوشته‌اید کامل تر از دیگران

بود، هر چند با مطالعاتی که قبلاً داشتیم تغییری در نظر ما حاصل نشد. واقعیت این است که فعالیت این شرکت‌ها از نظر شرعی حرام است، و درآمد آنها مشمول آیه شریفه ﴿لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ﴾ می‌باشد. و جان کلام همانست که شما با اشاره از آن گذشته‌اید، و آن این که: جنسی را تقریباً به سه برابر می‌فروشند، و معتقدند در آینده ارزش کلکسیونی پیدا می‌کند؛ ارزشی که به گفته شما شاید چند سال بعد حاصل شود، و یا تا آخر عمر وی حاصل نخواهد شد.

این گونه ارزش‌ها از نظر اسلام ارزش‌های کاذبی است، که در عرف بازار مال محسوب نمی‌شود. و هرگز خریداران آن سگه به خاطر ارزش کلکسیونی آن را نمی‌خرند، بلکه به خاطر آن است که از درآمد پورسانت استفاده کنند، و هنگامی که راه این درآمد به روی آنها بسته شود فریادشان بلند می‌شود. اکنون به سراغ یک محاسبه می‌رویم که شما به خوبی با آن آشنا هستید. با توجه به این که این گونه مؤسسات به صورت تصاعدی است، تقریباً هر ده مرتبه که تکرار می‌شود تبدیل به هزار برابر می‌گردد، و اگر بیست مرتبه تکرار شود تقریباً یک میلیون برابر می‌شود. حال فرض کنید این مسأله در گلدکوئست انجام شده، و رده آخر یک میلیون سگه را به ۳ برابر قیمت خریده، و در هر سگه سیصد هزار تومان پول اضافی پرداخته‌اند. نتیجه آن مبلغی معادل سیصد میلیارد تومان است! که مقدار کمی از آن را (شاید معادل $\frac{1}{10}$) به سرشاخه‌های قبلی می‌پردازند، و بقیه را مؤسسه به جیب می‌زند؛

بی آنکه کار تولیدی، کشاورزی، صنعتی، تجارت مفید، و یا کار خدماتی انجام داده باشد، تنها با تکیه بر یک ارزش موهوم. بی شک این، یک نوع کلاهبرداری مرموز تحت عنوان پورسانت و ارزش کلکسیونی است، و سبب غارت اموال مردم می شود. به راستی اگر آنها آزاد باشند و به فعالیت خود ادامه دهند ارقام نجومی عجیبی از ثروت های جوامع مختلف را غارت می کنند. بی آنکه کوچک ترین کار مفیدی به نفع مردم انجام داده باشند. و این است مفهوم ﴿لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ﴾ در خاتمه بار دیگر از زحمات جناب عالی تشکر می کنیم».

همیشه موفق باشید، ۱۳۸۴/۳/۲۵

فصل دهم :

اسناد و مدارک

اسناد فراوانی در مورد شرکت‌های مورد بحث به دست ما رسید، که فقط بیست نمونه از مهم‌ترین آنها انتخاب شد. نخست به موضوع اسناد اشاره کرده، سپس تصویر آنها خواهد آمد.

۱- نامه مورخ ۱۳۸۴/۲/۷ بانک مرکزی خطاب به حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مدّ ظلّه) به منظور تشکر و سپاسگزاری از فتوای ایشان در مورد فعالیت شرکت گلدکوئست و مانند آن.

۲- نامه مورخ ۱۳۸۴/۴/۲۵ بانک مرکزی در پاسخ به سؤالات مختلف نویسنده کتاب، پیرامون فعالیت شرکت‌های زنجیره‌ای و هر می.

۳- بخشنامه مورخ ۱۳۸۰/۱/۲۰ اداره نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری بانک مرکزی به مدیران عامل بانک‌های تجاری.

۴- بخشنامه مورخ ۱۳۸۲/۵/۱۸ هیأت دولت به بانک مرکزی، جهت جلوگیری از افتتاح حساب و عملیات بانکی برای شرکت‌های مورد

بحث، و اطلاع رسانی به مردم.

۵- بخشنامه مورخ ۱۳۸۲/۶/۲۲ اداره نظارت بر بانک‌های مرکزی، به مدیران عامل بانک‌های دولتی و غیر دولتی و مؤسسه اعتباری توسعه.

۶- بخشنامه مورخ ۱۳۸۳/۴/۲۰ اداره نظارت بر بانک‌های بانک مرکزی، به مدیران عامل بانک‌های دولتی و غیر دولتی و مؤسسه اعتباری توسعه.

۷- اطلاعیه مورخ ۱۳۸۱/۸/۸ بانک مرکزی به رسانه‌های عمومی مبنی بر ممنوعیت فعالیت شرکت‌های هرمی و زنجیره‌ای.

۸- اطلاعیه مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۲ بانک مرکزی به رسانه‌های عمومی مبنی بر ممنوعیت فعالیت شرکت‌های هرمی و زنجیره‌ای، و هشدار به مردم.

۹- انتقاد حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مد ظله) نسبت به بی تفاوتی مسئولان.

۱۰- پاسخ آیات عظام (دامت برکاتهم)، به چند استفتاء.

۱۱- استفتاء جعلی و پاسخ صحیح آن.

۱۲- استفتائی که مورد سوء استفاده قرار گرفت.

۱۳- فتوای چند تن دیگر از مراجع عظام تقلید (دامت برکاتهم).

۱۴- اطلاعیه برخی از شرکت‌های داخلی که داوطلبانه فعالیت خود را تعطیل کرده، و از اعضای خویش خواستند که طبق جدول زمان‌بندی پول خود را پس بگیرند.

- ۱۵- بازداشت ۲ تن از سرگروه‌های اصلی گلدکوئست.
- ۱۶- دستگیری یک عضو فعال گلدکوئست، که دارای ۱۰ هزار عضو بوده.
- ۱۷- تصویب فوریت اول ممنوعیت فعالیت شرکت‌ها و مؤسسات با ساختار هرمی توسط مجلس.
- ۱۸- تعقیب قضایی تعدادی از متهمان گلدکوئست در دوبی.
- ۱۹- هزار و پانصد کیلو از محصولات گلدکوئست وارد کشور شد.
- ۲۰- دست اندرکاران گلدکوئست دادگاهی می‌شوند.

قدر دانی :

برین وسیله از استاد بزرگوارم، مرجع علاء قدر، حضرت آیت الله العظمی
مکرم شیرازی، متع الله اعلیٰ، مسلیمن بطول بقائه، که در تالیف این
کتاب ایجاب را را بهنویس کرد، تشکر و سپاسگزار می‌کنم.



(بسمه تعالی)

حضرت آیتا... العظمی مکارم شیرازی دامت برکاته

سلام علیکم

احتراماً، ضمن سپاسگزاری از بیانات حضرت تعالی در خصوص حرام بودن معاملات شرکتهای چون گلدکوئیست مندرج در روزنامه خراسان مورخ ۱۳۸۴/۱/۲۸ (پهوست) به استحضار می‌رساند:

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بدنبال گسترش فعالیت شرکتهایی چون گلدکوئیست، برایم سبید منت کیش و ... در سالهای گذشته طی اطلاعیه‌های خبری مکرر نسبت به تنویر افکار عمومی و اطلاع‌رسانی در این زمینه اقدام و هموطنان گرامی را از هرگونه همکاری و مشارکت با این قبیل شرکتهای برحذر داشته است.

شایان ذکر است اطلاعیه‌های خبری این بانک در زمان‌های مختلف بطور گسترده در صدا و سیما و جمهوری اسلامی ایران و مطبوعات کشور منعکس گردید که به پهوست تعدادی از آنها را برای استحضار عالی ایفاد می‌دارد.

ابراهیم شیبانی

رئیس کل



دفتر حضرت آیت ... العظمی مکارم شیرازی دامت افاضانه

سلام علیکم!

بازگشت به مرقومه مورخ ۱۳۸۴/۳/۲۶ آن دفتر محترم در خصوص شرکت گلدکوئیست و شرکتهای مشابه، مراتب زیر را مستحضر می دارد:

در سالهای اخیر عواملی از قبیل وجود سرمایه های سرگردان و محدود بودن زمینه های سرمایه گذاری در بخش خصوصی، عدم وجود قانونی صریح و شفاف در ارتباط با نحوه برخورد سریع با اینگونه شرکتهای، عدم اطلاع رسانی به موقع و شفاف از سوی رسانه های همگانی و عوامل دیگر موجب شده است تا شرکتهایی از قبیل پنتاگون، گلدکوئیست، پرایم اسمیت و دایا موند ۳۰۰۰ و ... با منشاء خارج از کشور و شرکتهایی با منشاء داخلی مانند شرکت خیر اندیشان جوان و شرکت خدماتی سینا کرمانشاه و ... نفوذ قابل توجهی را در مردم بدست بیاورند که از میان این شرکتهای به عنوان مثال چگونگی عملکرد شرکت گلد کوئیست را به عرض می رساند:

عمده فعالیت شرکت مزبور که در سال ۱۹۹۸ تأسیس گردیده و مقر اصلی آن در هنگ کنگ است، در امر بازاریابی شبکه ای جهت خرده فروشی سکه های طلای تاریخی و یادگاری و سوق دادن مردم به زنجیره بازاریابی به عنوان عضوی از شبکه جهانی می باشد. در این مجموعه فرد داوطلب در ازای خرید یک سکه (با ساعت و یا گردنبند یا نقشی خاص)، به مبلغ ۸۶۰ دلار (۸۰۰ دلار قیمت سکه و ۶۰ دلار هزینه حمل) کد مخصوصی دریافت می کند که در واقع مرکز درآمد شخصی وی محسوب می شود (توضیح اینکه قیمت واقعی سکه حدود ۲۳۰ دلار می باشد لیکن شرکت ادعا می کند که به دلیل تعداد محدود هر سکه ضرب شده و با توجه به نادگاری بودن آن، قیمت سکه ها در آینده بسیار بالاتر خواهد بود). در این مجموعه هر فرد خریدار سکه، چنانچه در دو بازوی راست و چپ خود هر کدام ۵ نفر را به خرید سکه ترغیب نمایند، ۴۰۰ دلار به عنوان حق بازاریابی دریافت می نمایند که دریافت وجه می تواند از طریق چک و یا پول الکترونیکی باشد که در حال حاضر چکها در ایران قابل وصول نیست و ملاً افراد پول الکترونیکی را به متقاضیان یعنی سکه ها می فروشند. لازم به ذکر است که بررسی بازرسان این بانک در مقاطع مورد نظر نیز حاکی از آنست که چکها از طریق سیستم بانکی وصول نگردیده است. بدیهی است در این میان سود سرشاری به جهت اختلاف قیمت اصل سکه و قیمت فروش آن نصیب شرکت خواهد گردید. برخی شرکتهای یادشده نیز از طریق آگهی و وارپز



وجه نقد به حساب آنان و یا فروش کارت، مشتریان خود را جذب و براساس قواعد سنایه جوایزی را به مشتریان خود می دهند.

براساس بخشنامه نب/۳۷۵۹ مورخ ۱۳۸۲/۶/۲۲ این اداره به کلیه مدیران عامل بانکهای دولتی و خصوصی ضمن ارسال نامه دبیر محترم هیات دولت مبنی بر جلوگیری از فعالیتهای غیرقانونی شرکتهای پتاکو، گلدکوئیست و دایاموند ۲۰۰۰، به آنها ابلاغ گردیده که از افتتاح هر نوع حساب و ارائه خدمات بانکی به شرکتهای مذکور و شرکتهای مشابه خودداری نمایند. ضمناً در این بخشنامه مقرر گردیده که در راستای مقابله با مفاسد اقتصادی و مبارزه با پولشویی به کلیه مسئولین شعب دستور دهند چنانچه در مواردی از طریق فعل و انفعالات بانکی با فعالیت اقتصادی و مبادلات پولی مشکوکی مواجه شدند، براساس فصل پنجم از مقررات پیشگیری از پولشویی در موسسات مالی، موضوع بخشنامه شماره نش: ۳۵۱۴ مورخ ۱۳۸۱/۸/۲۲ این بانک اقدام نمایند.

درخصوص شرکتهای داخلی مانند شرکتهای خیراندیشان جوان و خدماتی سنا کرمانشا؛ که به ترتیب با توزیع فرمهایی تحت عنوان «طرح مشارکت تلاش» و «طرح مشارکت مالی همیاری» سرمد را به شرکت در طرحهای مذکور ترغیب می نموده اند نیز براساس بخشنامه نب/۲۱۰۰ مورخ ۱۳۸۳/۴/۲۰ به بانکهای دولتی و خصوصی ابلاغ گردیده که از افتتاح هرگونه حساب و انجام خدمات بانکی برای این قبیل شرکتهای و افرادی که در این طرحها مشارکت می نمایند امتناع نموده و ترتیبی اتخاذ گردد تا چنانچه این قبیل شرکتهای پس از افتتاح حساب اقدام به فعالیتهای غیرقانونی نمودند، فعالیت حساب مربوطه را متوقف و مراتب را کتبا به بانک مرکزی اعلام نمایند.

ضمناً درطول مدتی که این شرکتهای فعالیت خود را آغاز نموده اند، این بانک از طریق انتشار اطلاعیه های مختلف در جراید، همدارهای مورد لزوم را به مردم داده است.

درمجموع، بانک مرکزی بنا به دلایلی از قبیل ایجاد اختلال در سیستم پولی کشور و خروج ارز و مسائل مربوط به پولشویی، فعالیت شرکتهای مذکور را برخلاف مقررات و مصلحت کشور تشخیص داده و هیچگونه مجوزی نابت ضرب سکه ها و افتتاح حساب در بانکهای دولتی و خصوصی صادر ننموده است.

نصوبیر بخشنامه ها و برخی اطلاعیه های منتشره در روزنامه های مختلف جهت استحضار به پیوست ابلاغ می گردد.نظ





بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
تهران، نیایان فردی

مدیریت نظارت امور بانها

شماره ۳

شماره سند ۳۶۷

تاریخ ۱۳۸۰/۱۱/۳۰

«بسمه تعالی»

جهت اطلاع کلیه مدیران عامل محترم بانکهای تجاری ارسال گردید.

با توجه به رواج و انشاع مبادلات اقتصادی مشکوک از طریق توزیع و خرید و فروش کارتهای شرکت خارجی پنتاگون و با انجام اقدامات مشابه از طریق تاسیس شرکتها و موسسات دیگر داخلی و با عنایت به عوارض نامطلوب اقتصادی و اجتماعی مبادلات مذکور بدینوسیله اعلام میگردد چنانچه آن بانک در مواردی از طریق عملیات بانکی به فعالیت اقتصادی اشخاص حقیقی و حقوقی در زمینه توزیع و خرید و فروش کارتهای مذکور برخورد نموده پس از بررسی همه جانبه و احراز موضوع با مسئولیت خود مراتب را کتباً به رئیس محترم حوزه قضایی مربوطه اعلام و این بانک را نیز مطلع نمایند. ای

مدیریت کل نظارت بر بانکها و موسسات اعتباری

اداره نظارت بر امور بانکهای تجاری

محمد حسینی

مجید حاجی ثوروز

۳۷۱۶

بهرام فیض زرین قلم

۱۶۱۵-۱۶

رونوشت: جناب آقای محمود شرح ریاست محترم نهاد قوه قضائیه عطف به زیرنویس نامه شماره ۱۹۶۱۵:۷۹/م مورخ ۷۹/۱۱/۱۸ در خصوص بندهای ۵ و ۸ گزارش ارسالی بضمیمه نامه مذکور جهت استحضار

رونوشت: جناب آقای و حاجی قائم مقام محترم بانک، جهت استحضار.

رونوشت: مدیرکل محترم حراست بانک مرکزی و کل بانکها.

رونوشت: واحد مشاوره حقوقی، جهت ضمیمه در سوابق.

جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی
محرمانه
ریاست جمهوری
شماره سند: ۲۸۴۳۸/۱۵/۱۳۸۲
شماره پرونده: ۳۸۲۲۵۷۳
تاریخ: ۱۳۸۲/۱۵/۱۱
پست

بسمه تعالی

جناب آقای شبیانی
رییس کل محترم بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

با سلام، پیشنهاد شماره ۲۵/۲۷۹۴۴/الف - ش مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۲۴
وزارت کشور در خصوص اتخاذ تصمیم به منظور جلوگیری از فعالیت های
غیرقانونی شرکت هایی از قبیل پنتاگونا، گلدکوست و رایساموند ۲۰۰۰ در
جسه مورخ ۱۳۸۲/۵/۱۲ هیئت وزیران مطرح و مقرر گردید:
۱- مراتب در نظام بانکی کشور مورد توجه قرار گیرد و از افتتاح
حساب و انجام عملیات بانکی در این گونه موارد پیشگیری شود.
۲- اطلاعات لازم در خصوص ماهیت و عملیات شرکتهای یاد شده و
سایر موارد مشابه در سطح جامعه منتشر و اطلاع رسانی لازم از طریق
وزارت کشور صورت گیرد.

شماره سند: ۲۸۴۳۸/۱۵/۱۱
تاریخ: ۱۳۸۲/۱۵/۱۱
محرمانه
عبدالله رمضانزاده
۴۱۹۹
وزارت امور اقتصادی و دارایی
محرمانه



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
بسمه تعالی

شماره: ۲۷۷۹

تاریخ: ۸/۱۸/۸۸

ارسال خبر
واحد گیرنده
روابط عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام
کرد:

اخیرا مشاهده گردیده است موسسه ای با نام شبکه "گلد کوئیس" اقدام به فعالیت و معاملات ارزی نموده و با ترغیب و تشویق مردم مبنی بر انجام سرمایه گذاری مطمئن و سود آور و با دریافت حق عضویت ارزی، میالغ دریافت شده از متقاضیان را در حساب خود متمرکز می نماید.
نظر به اینکه این شبکه فاقد هر گونه مجوز قانونی از مراجع ذیصلاح و جا و مکان مشخص می باشد و متقاضیان هم هیچگونه تضمینی حتی به دریافت معادل اصل وجوه پرداختی خود از شبکه مزبور ندارند. لذا به کلیه هموطنان گرامی توصیه می شود از انجام هر گونه معامله با شبکه موصوف و دیگر موسسات غیر مجاز به منظور مصون ماندن از خسارتهای احتمالی پرهیز نمایند.

با احترام
داود بهرامی
مدیر اداره روابط عمومی

انتقاد آیت... مکارم شیرازی از بی تفاوتی مسئولان:

گلدکوئیست اکل مال بالباطل و حرام است

آیت... مکارم شیرازی روز چهارشنبه در مراسم خارج قعه حود در مسجد اعظم قم با انتقاد از مجلس و دستگاه های نظارتی کشور در خصوص بی تفاوتی نسبت به فعالیت های

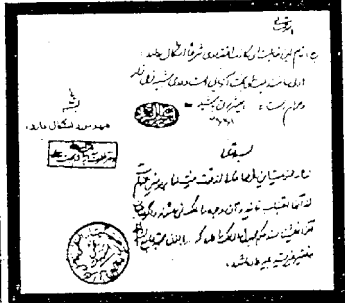


شرکت های چون گلدکوئیست است که این نوع معامله اکل مال بالباطل و حرام دانستند.
 به گزارش خبرنگار رسانه آیت... مکارم شیرازی با اعلام نعره از گسترش شرکت های ساختگی و زنجیره ای که به صورت بازاریابی به نام گلدکوئیست، گلدمین و مانند آن فعالیت می کنند، گفتند: این شرکت ها در تمام کشور فعال هستند، مرتفع آنها هم خارجی ها هستند، درآمد دلاری آن را همه به خارج می فرستند و افراد آگاه می گویند دست سهمیست ها پشت آن است.

پاسخ آیات عظام به چند استفتاء

متن و پاسخ استفتاء نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه امعنان از مراجع عظام آیت الله ناصر مکارم شیرازی، آیت الله بهجت و آیت الله فاضل لنکرانی در باره فروش اوراق دار معان بجزیستی و همای رحمت، و طرح پستگونی، از نظر خوانندگان از چند می گذرد.

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
با اهداء تحیت، قره و ارادت خالصانه و رزوی سلامتی و طول عمر
بنازرت حجت‌رتعالی مستدعی است نظرم و فتوای مبارک را در خصوص
سوالهای زیر عنایت فرمائید:



۱- سازمان بجزیستی، برگه‌هایی را به فروش می‌رساند و عنوان آن را به نیت هدیه در امور عام‌المنفعه و خدمت به محرومین مطرح می‌نماید و اخیراً طرح دیگری به نام «همای رحمت» نیز به همین سبک مطرح شده است. آیا اینکه اکثر قریب به اتفاق خریداران (که گاهی حتی خانه و با وسایل زندگی خود را به امید برنده شدن برای خرید این برگه‌ها می‌فروشند) به نیت برنده شدن شرکت می‌کنند آیا خرید و فروش این برگه‌ها چه صورت دارد و در صورت جایز بودن کسانی که مصلحتی برنده می‌شوند آیا مالک آن می‌گردند یا خیر؟ یا توجه به اینکه بعضی از خریداران برگه‌ها که از محل پول آنها جایز یا هدیه داده می‌شود رضایت به اختصاص پول آنها به غیر ندارند.

۲- اخیراً یک سیستم گردش پول به صورت تصاعدي به عنوان همدازی و مساعدت به یکدیگر در حال گردش است که علاوه بر وجود این طرح در این نیت به نام طرح پستگونی واصله به شرکت فیوجر استرترژی ایتالیا چند شرکت داخلی نیز این طرح را با مبلغ پول کمتری راه‌اندازی کرده‌اند (شرکت اردکن سبز بیز و شرکت قرابلیژ و هوش سباهان زاینده رود در اصفهان و...) که از اندازه ارزش نیز مجور دریافت نموده‌اند و روش این طرح به این صورت است که شخصی با پرداخت مبالغی چندین اوراق بهداشتی برای می‌بندد برای به دست آوردن پول خود، برگه‌های خود را به دیگران می‌دهد و آن افراد نیز به حساب آن شخص پول وارز می‌کنند و این کار تصاعدي پستی می‌رود و همیشه تعدادی در رأس هر دو پهنای کلاسی به حسابشان وارز می‌شود و تعدادی در قاعده پولشان از دست می‌رود ولی به امید وارز پول به حسابشان به شرکت در ادامه می‌دهند و بخشی از پول نیز به حساب شرکت اختصاص می‌یابد که به پیوست نمونه‌ای از برگه‌ها جهتشان تقدیم می‌گردد.

با خرید و فروش این برگه‌ها جایز است و پولهایی که به حساب بعضی فرد می‌آید آنها مالک می‌شوند؟

اداره الله فلنکم
ابوالقاسم طبیبی
مسئول نهاد

سند شماره ۱۲

۸۴۱۳۱
سند شماره ۱۲
۱۳۸۵

سند شماره ۱۲
دوره حضرت آیت الله

با صداقت و احترام

در ضمن مالی را به کسی بخشیدم و چون آن را نقد دریافت

نشدم و فقط به عنوان آن چیزی را پرداخت کردم و با آن

انعام دادم
این است و آن نام آن را هم در جعبه و بخش داشتیم

ب: در صورتی دریافت کردیم و بخشیم و آن را

بهره داران دادیم و هرگاه در ضمن آن مالی بخشیدیم و شکره عالی

بخشیدیم

بیت

ع: این کار به صورت نام دارد

ع: اینجا نیز در مورد بهر چیزی عمل کند و بهر چیزی

در مورد کار دارد = پیشترش به



آیت الله العظمی فاضل لنکرانی فعالیت در چرخه مالی شرکتیایی نظیر گلدکوئیست را حرام دانستند

سرویس خبر: پیرو پرسش های شرعی بسیاری از مردم در مورد وضع شرعی فعالیت شرکتیایی نظیر «گلدکوئیست»، دفتر آیت الله العظمی فاضل لنکرانی متن استفتاء و پاسخ ایشان را به شرح زیر منتشر کرد:

بسمه تعالی

محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی محمدفاضل لنکرانی، دامت توفیقاته

باسلام و ادای احترام

ضمن آرزوی سلامتی و موفقیت برای تمامی عثمانی دلسوز اسلام، خواهشمندم در مورد سئوالات ذیل حقیر را ارشاد فرمایید.

۱. مدتی است شرکتهی خارجی به نام «گلدکوئیست» goquest، از طریق اینترنت اقدام به فروش طلا، نقره، ساعت و... می نماید و به خریدارانی که مشتری جدید به این شرکت معرفی می کنند مبلغی به عنوان پورسانت پرداخت می نماید. البته شرح فعالیت این موسسه بسیار مفصل و طولانی است به شکلی که در این چند سطر نمی گنجد ولی مطمئناً حضرت تعالی از طرق مختلف از آن آگاهی پیدا نموده اند. لطفاً بفرمایید که سرمایه گذاری و قرار گرفتن در چرخه مالی این شرکت چه حکمی دارد.

بسمه تعالی و له الحمد

در مورد شرکت گلدکوئیست و نظایر آن که اخیراً

سئوالات مکرری از این دفتر شده، و کثرت سئوالات دلیل بر فعالیت گسترده ی این شرکتهای از نظر کمی و کیفی است، اعلام مینماییم که ارتباط با این شرکتهایم به عنوان اولی حرام است و هم به عنوان ثانوی، اما عنوان اولی: برای این که از مصادیق اکل مال به باطل است که مورد نهی صریح در قرآن واقع شده، و تحصیل پول از این طریق تمام مفاسد اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی قمار را دارد.

اما عنوان ثانوی: برای این که راهی اختراع کرده اند تا ضمن سود سرشار و هنگفت، کشورهای دیگر مخصوصاً مسلمانان را از نظر اقتصادی مورد تضعیف قرار دهند و ارزشهای آنان را از کشورشان بیرون ببرند و افراد فعال را از فعالیتهایی که موجب ارتقاء و رشد کشورشان است باز دارند و این عنوان ثانوی از نظر اهمیت بالاتر از عنوان اولی است؛ لذا توالی فاسد این گونه معاملات که بر هیچ فرد منصفی پوشیده نیست موکد حرمت آن می باشد و پولی که از این راه به دست می آید در صورتی که صاحبان آن معلوم نباشد تماماً به فقرا و صدقه داده شود؛ امید است که ملت شریف و مسلمانان مخصوصاً جوانان عزیز، هشیار و آگاهی بیشتری یافته و از دامهای گسترده ی شیطانی اجتناب نمایند.

۸۴/۲۵

سند شماره ۱۴



شماره ۱۲۸۹۶

تاریخ: ۱۵ شهریور ۱۳۹۱



اطلاعیه مهم نویسن کارت

بیرو فتاوی مراجع عالیقدر و اطلاعیه استناداری محترم و دکاستری کل استان خراسان در مورد غیرشرعی و غیرقانونی بودن مبادله اینترنتی اوراق، این شرکت با ارج نهادن به نظرات تمامی مراجع عالیقدر و دستگاههای قضایی و اجرائی، ابرام فعالیت در زمینه انتشار اوراق مشارکت مذکور را کلاً متوقف نموده است و از کلیه ذهرتدلی عزیز خواهشمندیم بهیچ عنوانی اوراق فوق الذکر را مبادله ننمایند. بهمین منظور این شرکت آمادگی خود را جهت استرداد وجوه دریافت شده توسط شرکت را بر اساس شروط اول نام خانوادگی ایران طبق جدول زمانبندی زیر اعلام می نماید.

روزهای مراجعه	حرف ابتدای نام خانوادگی
۲۵ لغایت ۲۶ دی ماه ۷۹	حرف الف تا ت
۲۷ لغایت ۲۸ دی ماه ۷۹	حرف ج تا ف
۲۹ دی ماه ۷۹ و دوم بهمن ماه	حرف ز تا غ
۳ لغایت چهارم بهمن ماه	حرف ف تا ی

ش ۵۶۸۰۲

اطلاعیه مهم شرکت صعود آندوخته

پیرو فتاوی مراجع عالیقدر و اطلاعیه استانداری محترم و
دلاگستری کل استان خراسان در مورد غیر شرعی و غیر قانونی
بودن مبادله اینگونه اوراق، این شرکت با ارج نهادن به نظرات
تمامی مراجع عالیقدر و دستگاههای قضایی و اجرائی، انجام
فعالیت در زمینه انتشار اوراق مشارکت مذکور را کاملاً متوقف
نموده است و از کلیه شهروندان عزیز خواهشمندیم به هیچ عنوان
اوراق فوق الذکر را مبادله ننمایند. به همین منظور این شرکت
آمانگی خود را فقط جهت استرداد وجوه دریافت شده توسط شرکت
بر اساس شماره سریال فرمهای اوراق طبق جدول زمانبندی زیر
اعلام می نماید.

- ۱- فرمهایی که شماره سریال آنها با عدد ۲ شروع می شود
۲۶ لغایت ۲۷ دی ماه ۷۹
- ۲- فرمهایی که شماره سریال آنها با عدد ۱۲ شروع
می شود ۲۸ لغایت ۲۹ دی ماه ۷۹
- ۳- فرمهایی که شماره سریال آنها با عدد ۱۳ شروع می شود
۳۰ لغایت اول بهمن ماه ۷۹
- ۴- فرمهایی که شماره سریال آنها با عدد ۱۴ شروع
می شود دوم بهمن ماه ۷۹ تا ۵۷۱۱۲

خراسان ۲۶/۱۰/۷۹

بازداشت ۲ تن از سرگروه‌های اصلی شرکت گلدکوئست

سرویس حوادث: ۲ تن از سرگروه‌های اصلی شرکت هنگ‌کنگی گلدکوئست به دستور بازپرس شعبه سوم دادسرای ویژه رسیدگی به جرایم کارکنان دولت و رسانه‌ها دستگیر شدند. این ۲ ایرانی به دلیل شکایت‌های متعدد بازداشت شدند. بنابراین گزارش، برای یکی از افراد قرار وثیقه یک میلیارد تومانی و برای نفر دوم قرار وثیقه ۴۰۰ میلیون تومانی صادر شد که به دلیل ناتوانی در پرداخت وثیقه به زندان منتقل شدند.

بنا به گفته برخی مسئولان قضایی، شکایتهای متعددی در سراسر کشور از این شرکت شده است و مراجعه زیادی از سراسر کشور به دادسرای تهران برای این موضوع می‌شود که اگر به طور متمرکز و در یک شعبه به این شکایتهای رسیدگی شود نتیجه بهتری به دست خواهد آمد.

● **دستگیری یک عضو فعال گلد کوئیست با ۱۰ هزار عضو**
 یک عضو فعال شرکت گلد کوئیست که دو سوم شهر تهران را تحت پوشش خود داشت، با بیش از ۱۰ هزار عضو دستگیر و به زندان معرفی شد.
 به گزارش خبرنگار قضایی ما، قدمی بازپرس شعبه سوم دادسرای کارکنان دولت در راستای رسیدگی به شکایت حدود ۳ هزار مالباخته از شرکت گلد کوئیست یک عضو مؤثر و فعال شرکت گلد کوئیست را که به عنوان رابط در داخل کشور فعالیت می کرد، شناسایی و با قرار وثیقه ۳ میلیارد تومان به زندان معرفی کرد.
 براساس همین گزارش، مأموران در تحقیقات اولیه دریافتند، متهم با کمک چهار تن از عوامل خود دو سوم شهر تهران را به صورت یک شبکه گسترده تحت پوشش خود داشته است. او نیز طی یک سال گذشته، موفق شده بود با دادن وعده های فریبنده از بیش از ۱۰ هزار نفر مبالغی بین ۵۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان دریافت کند.
 مأموران با دستور قضایی بازپرس پرونده در حال شناسایی ۱۰ هزار مالباخته هستند. متهم پس از بازجویی های مقدماتی و تفهیم اتهام با قرار وثیقه ۳ میلیارد تومان به زندان معرفی شد. برپایه این گزارش تاکنون حدود ۱۵ سرشاخه شرکت گلد کوئیست که در تهران و کرج فعالیت داشته اند با شکایت مالباختگان شناسایی و دستگیر شده اند.
 بازپرسی برای متهمان از ۱۰۰ میلیون تا ۳ میلیارد تومان قرار وثیقه صادر کرده است. در حال حاضر ۸ نفر از متهمان به دلیل عجز از تودیع وثیقه در زندان باقی مانده اند.

با تصویب مجلس

فعالیت شرکتهای هرمی در ایران ممنوع شد

گروه سیاسی: در جلسه علنی دیروز نمایندگان مجلس به طرح یک فوریتی ممنوعیت فعالیت شرکتها و موسسات با ساختار هرمی یا شبکه بین آنها از قبیل کنداکو نیست ارایه مثبت دادند. در صورت تصویب نهایی این طرح که به امضای ۵۰ نماینده رسیده، هرگونه فعالیت موسساتی که با ایجاد ساختار هرمی، زنجیره ای یا شبکه ای از افراد برای جذب افراد دیگر و مشارکت آنها در جذب سرمایه، بدون استحضار و بدون پرداخت حق الزحمه و تنها با دریافت حق عضویت یا اجازت به خرید کالا استفاده می کنند تحت هر عنوان جرم محسوب شده و ممنوع می باشد. نمایندگان دلایل این طرح را انجام فعالیت های ناسالم اقتصادی که باعث ضرر و زیان مردم با روال غیرشرعی شده که منجر به ارایه فعالیت های غیرتولیدی شده و مقادیر هنگفتی از ثروت ملی کشور به مسورت ارز را خارج نموده عنوان کرده اند.

۱۳۸۳/۹/۲

ایران

تقیب قضایی تعدادی از متهمان گلد کوئیست در دوی

متهمان اصلی شرکت گلد کوئیست که در دوی به سر می‌برند، با شکایت دو هزار مالباخته تحت تعقیب قضایی قرار گرفتند.

قدیمی‌ترین پرس‌پرونده، با اعتراف تعدادی از متهمان دستگیر شده، رسیدگی به جرایم متهمانی که رابطین خود را از دوی هدایت و حمایت می‌کردند، آغاز کرد. به گزارش خبرنگار قضایی ما، مأموران با دستور قضایی بازرس شعبه سوم دادسرای کارکنان دولت موفق شدند ۱۰ نفر از رابطین اصلی شرکت گلد کوئیست را که به عنوان سرگروه در تهران و کرج فعالیت می‌کردند، شناسایی و دستگیر کنند.

این افراد بین ۲۰۰ تا ۵ هزار عضو تحت پوشش خود داشتند که پس از بازجویی و تفهیم اتهام، برای آبان بین ۱۰۰ میلیون تا ۳ میلیارد تومان قرار وثیقه صادر شد. این افراد به خاطر عمر از نود و وثیقه به زندان اوین معرفی شدند. متهمان در بازجویی مفصلی اعلام کردند که دستورات خود را از طریق اینترنت از دوی دریافت می‌کردند. به طوری که افرادی از دوی شکلات شرکت گلد کوئیست در ایران را هدایت و پوشش می‌دادند. عوامل داخلی این افراد عامل خروج غیر قانونی ارز از کشور شناخته شده‌اند.

بر اساس همین گزارش، بازرس پرونده گلد کوئیست برای حصران ریان مالباختگان و متصرفین، طی یک دستور قضایی بر حبس دو محموله حمماً به میزان ۲۰۵۰ کیلو سکه طلا و محصولات کلکسیوسی گلد کوئیست را صادر کرد.

بقیه از همین صفحه - و این دو محموله به صورت امانت به نفع مالباختگان و متصرفین در سازمان اموال تملیکی نگهداری می‌شود تا پس از رسیدگی به شکایت شاکیان پرونده، درباره آن دو محموله تصمیم قضایی گرفته شود.

گفتنی است، به دنبال ارجاع شکایت علیه گلد کوئیست از دادگستریهای شهرستانها و مراکز استانها به شعبه سوم بازرسی دادسرای کارکنان دولت در تهران بازرس پرونده به خاطر حجم شکایتهای مطروحه اعلام کرد که به پرونده‌های حوره قضایی شهرستانها و مراکز استان ترتیب اثر نخواهد داد. شعبه سوم بازرسی دادسرای کارکنان دولت، با سلب صلاحیت در خارج از محدوده قضایی محلی تهران اعلام کرد که این شعبه مجوری برای رسیدگی به کلیه شکایتهای گلد کوئیست که در شهرستانها مطرح است، ندارد.

ایران ۱۳۸۳/۸/۱۷

هزار و پانصد کیلو از محصولات گلدکوئیست وارد کشور شد

هزار و پانصد کیلو از مجموعه سکه‌ها و محصولات کلکسیونری شرکت گلدکوئیست وارد گمرک شد .

محمد شادابی ؛ مدیر روابط عمومی دادسرای عمومی و انقلاب تهران و مسوول رسیدگی به پرونده شرکت گلدکوئیست در گفت‌وگو با «ایلنا» با اعلام این مطلب ، گفت : با پیگیری‌ها و رایزنی‌هایی که دستگاه قضایی با شرکت مزبور کرده است ، هزار و پانصد کیلو از مجموعه سکه‌ها و محصولات کلکسیونری شرکت گلدکوئیست جهت جبران خسارات وارده و رضایت شاکیان پرونده وارد گمرک شده است .

گفتنی است ؛ پیش از این نیز ۵۰۰ کیلو از مجموعه سکه‌های کلکسیونری شرکت گلدکوئیست وارد ایران شده بود .

